سبحان الذی اسری بعبده لیلا من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی

انقلاب اسلامی

یکشنبه ۲۵ آبان ماه ۱۳۵۹ - ۷ محرم ۱۴۰۱ - ۱۶ نوامبر ۱۹۸۰ - شماره ۲۰۲ - سال دوم
تکشماره ۱۵ ریال

با هماهنگی کامل نیروی هوائی وزمینی

مصاحبه اختصاصی با آیة‌الله پسندیده

مکتبی بودن بدون علم معنا ندارد

جنگ روانی علیه رئیس جمهور خلاف مصلحت مملکت است

نفوذ در رسانه‌ها برخلاف مصالح است

در صفحه ۱۱

سعادتی به ۱۰ سال زندان محکوم شد

آخرین دفاعیات سعادتی

در صفحه ۳

یکی از دو تیپ عراقی مستقر در شمال آبادان بکلی نابود شد

بیش از ۲۰۰ مزدور کافر کشته و ۱۰۰ تن دیگر اسیر شدند

در صفحه آخر

نظم مراسم دیروز دانشکده افسری

نشانه آمادگی کامل ارتش جمهوری اسلامی ایران است

در صفحه آخر

پس از سخنرانی آیة‌الله اشراقی و صادق قطب‌زاده در بازار تهران:

مردم خواستار اجرای قانون اساسی و عدم گروه‌گرائی در صدا و سیمای جمهوری اسلامی شدند

در صفحه آخر

روزنامه «حرکت اصفهان» توقیف شد

در صفحه

افشای یکی از اسناد سری آمریکا در مورد تحولات اخیر ایران

در صفحه ۲

نامه وکیل سعادتی به شورایعالی قضائی

در صفحه ۲

کارنامه رئیس جمهور

۱۳ آبان ۱۳۵۹ گزارش مردم

اگر ببینم اینها میخواهند به هر قیمت اسباب سقوط قطعی کشور را فراهم بیاورند، چاره‌ای جز این نیست که همه چیز را با مردم صریح و روشن بگویم و از آنها بخواهم خودشان درباره سرنوشت کشورشان تصمیم بگیرند

بسم الله الرحمن الرحیم

کارنامه سه شنبه ۱۳ آبانماه

"نامه نمایندگان به امام"

در کارنامه دیروز یادم رفت بگویم که از تهران تلفن کردند که عده‌ای از نمایندگان درجلسه خصوصی مجلس اظهاراتی کرده‌اند و نامه‌ای هم امضاء کرده‌اند و نزد امام برده‌اند. من امروز تلفنی با احمدآقا صحبت کردم و ساو گفتم که عده‌ای فراموش میکنند و یا نمی‌خواهند توجه بکنند که وضع کشور در چه حال است وکمان میکنند هر موقعیتی را میتوان برای بازی بر سر قدرت مغتنم شمرد. استمداح کننده‌ای اگر باشد منم. منم که باید بیرم و استمداح کنم کسانی را که با کارهای خودشان وضع را بصورتی درآورده‌اند که دشمنان ما به خودشان جرئت دادند به وطن ما حمله کنند. بلحاظ اینکه دشمن در کمین است کم از اطلاعات و صحبت‌ها استفاده کند من نخواستم صحبتم را بگویم ولی اگر ببینم اینها میخواهند به هر قیمت اسباب سقوط قطعی کشور را فراهم بیاورند. چاره‌ای جز این نیست که همه‌چیز را با مردم صریح و روشن بگویم و از آنها بخواهم خودشان در باره سرنوشت کشورشان تصمیم بگیرند.

بهر حال صبح امروز به بازدید از سپ خرم‌آباد رفتیم و با عصر در آنجا بودیم. مواضع را بازدید کردیم نواقص را دیدیم و یادداشت کردیم که رفع میشود. فرمانده نیروی زمینی در آنجا ماند تا آنچه را ما فرصت نیافتیم ببینیم، ببیند و این سپ را فعالتر کند. بطوریکه ما بتوانیم عرصه را به دشمن از هر سو تنگ کنیم. در آنجا در این سپ با سربازان و درجه‌داران و افسران صحبت کردیم واهمیت این جنگ را برایشان توضیح دادیم وگفتیم که ما در وضعی نیستیم که اگر نجنگیدیم وضع کمی بدتر بشود. ما در وضعی هستیم که اگر نجنگیم و دشمن را نکوبیم موجودیت ما به خطر می‌افتد، روحیه‌ها را خوب یافتیم و امیدواریم که این روحیه‌ها هر روز بهتر بشود.

"جبهه جنگ روانی!"

سرتیپ مطابق معمول در محلی که دور از مراکز شهری و نظامی است شورای نظامی را تشکیل دادیم و وضع را در همه جبهه‌ها بررسی کردیم و گزارش کار روزانه را دریافت کردیم. دوباره از تهران اطلاع دادند که عده‌ای قصد کشودن جبهه جنگ سیاسی ـ روانی را دارند و بحث بشوند که مطابق معمول "خوارج" تفسیری را که خود کرده‌اند، بکردن کسی بگذارند که باوجود این تفسیرها و در وضعیتی سخت خطرناک مسئولیت را بعهده گرفته است و شب و روز با بخطر انداختن همه چیز خود دارد تلاش میکند.

در صفحه ۲

تأکید رئیس جمهور برحفظ آزادیِ بیان

پیش ازظهر دیروز آقای دکتر ابوالحسن بنی‌صدر رئیس‌جمهوری و فرمانده کل نیروهای مسلح جمهوری ـ اسلامی ایران به حضور امام خمینی رهبر انقلاب و سپاسگذار جمهوری اسلامی ایران رسید. بنا بگزارش خبرنگار خبرگزاری پارس آقای رئیس‌جمهوری دیروز پس از بازگشت از مناطق جنگی به منظوردادن آخرین گزارشات و رویدادهای مناطق جنگی با امام ملاقات و گفتگوکرد.

براساس همین گزارش‌بنی چندان مجروحین‌ومصدومین جنگی که در محوطه اقامتگاه امام‌خمینی بدیدارامام آمده بودند، رئیس جمهوری‌آنان را مورد تفقد قرار داد در پایان این دیدار فرمانده‌کل قوا در پاسخ سئوال‌خبرنگار خبرگزاری پارس که چه مسائلی‌درحضور امام‌مطرح بود گفت طبق معمول هربار از جبهه‌جنگ که به تهران میآیم برای تقدیم گزارش دیدار با امام ضروری است در این ملاقات به امام‌عرض کردم که وضع جنگ خوب است و وضع جبهه‌ها ازهفته پیش خیلی بهتر است چون همه مردم کمک میکنند امیدواریم به توفیق‌یابحامد اگر به توفیق انجامید وضع خیلی بهتر هم میشود، البته جنگ است و درجنگ سختی هم هست ولی مردم با گشاده‌روئی بسیار امور را تحمل میکنند. رئیس ـ جمهوری افزود در این ملاقات امام فرمودند همین پیروزی است که تحولی در همه ما بوجود آمده و بهاین حوبی میجنگند و مقاومت میکنند و خود این است که همه مردم بکدل کار وتلاش میکنند.

سئوال شد با توجه به محاصره سوسنگرد از سوی دشمن طبعاً اهواز در خطر خواهد بود در این باره چه تصمیماتی اتخاذ شده است. رئیس جمهوری پاسخ گفت در حال‌حاضر شهر سوسنگرد در حال محاصره نیست. طبق اطلاعی که‌بمن داده‌اند، آقای رئیس‌جمهوری افزود چون هرجمعه من بتهران میآیم والان‌سه‌جمعه هست به تهران میآیم آنها طی یک تلاش مذبوحانه حملاتی به نیروهای ماوارد میسازند و هر سه حمله‌آنها با شکست روبرو شده است و آنطوریکه امروز بمن گزارش داده‌اند در این حمله سومی هم تاکنون دشمن تلفات خیلی سنگینی داشته و امیدواریم که همین امروز آنجا را از وجود مزدوران بعثی پاک کنیم. رئیس ـ جمهوری در پاسخ این سئوال خبرنگار خبرگزاری پارس که" برسید در ارتباط با رهنمودهای امام‌برای مطبوعات شما هم پیام خاصی در این موردداریدو آیا مطبوعات ما همان مطبوعات زمان جنگ‌هستند که ضرورتهای جنگی ایجاب میکند باخبر، گفت: ماانقلاب کرده‌ایم و این انقلاب‌برای یک هدفهائی بود گفتیم استقلال ـ آزادی‌ـجمهوری اسلامی و این هدفها را نباید قربانی کرد فرق‌کنند یک روزنامه‌ای مقداری کم و زیاد بنویسد این قابل ـ تحمل‌تر است تا اینکه ما بگوئیم چون مقداری کم و زیاد نوشته‌اند تعطیل. آنچه که جامعه ضرر میکند ازنبود آزادی بیان چندبرابربیشتر از این است که سوءاستفاده بکنند. از این آزادی امیدواریم که سوءاستفاده نکنند و آنچه که مورد برخورد میشود عنوان‌نکنند البته اشخاصی هستند که کارهائی میکنند که این، برخوردها رابوجود میآورند آنها بهتر است که این‌کارها را نکنند تا این جزءها نوشته نشود ولی بهرحال وقتی که یک زشتی شد باید کوشید حتی‌المقدور بطریقی آنرا از بین برد که تالی فاسد نداشته باشد بنابراین امیدوارم مردم ما همانجور روی خط وحدتی که مردم دارند و همه هم روی آن خط عمل بکنند.

این مرده قابل شیون است؟!

مساله یادداشت آقای قطب‌زاده موجب بروز و ظهور واکنشها و موجهائی در اجتماع گردید و تحلیل‌گران و نویسندگان هر کدام از دیدگاه خود موضوع را مورد بررسی و امعان نظر قرار دارند. ولی ما قبل از ورود در مطلب بالصراحه اعلام میکنیم که هدف از این نوشتار حمایت از شخص قطب‌زاده نیست و انگیزه صرفاً" بیان حقایق و پرسشهائی است که جامعه انقلابی ما با آنها روبرو است و توقیف و آزادی قطب‌زاده فقط بر ظهور بیشتر این واقعیات افزوده است. ما، همچنین معتقدیم که عملکرد صادق ـ قطب‌زاده در دوران تصدی بر صدا و سیمای جمهوری‌اسلامی و وزارت‌امورخارجه خودنیازمند بررسی و تحلیلی عاری از تعصب میباشد. که قبلاً نیز به آن پرداخته شده و جا دارد که اکنون نیز که مسائل مربوط به اداره امور رادیو تلویزیون و سیاست خارجی ایران مخصوصاً" در ارتباط با مساله گروگانگیری ازعمده مسائل و مشکلات جمهوری اسلامی است،مورد موشکافی و نقد قرار گیرد.

و اما آنچه که در این مقال درصدد بیان آن هستیم بلورکلی نگرانی و اضطراب حاکم بر جامعه بخاطر نقض اصول قانون اساسی ناظر به آزادیهای فردی و اجتماعی است که این روزها بسختی تشدید گردیده‌و این درحالی است که مردم انقلابی، مدرسی اعتقاد دارند که "اصل تساوی افراد در برابر قانون" یکی ازتضمینات اساسی برای ایجاد امنیت قضائی و بالمآل سوق دادن اجتماع به سوی اهداف عالیه جمهوری اسلامی است. بسختی دیگر فرشته عدالت اسلامی باید با چشمانی بسته ولی با نگرشی عمیق به اوضاع و احوال حاکم بر جامعه، همه افراد را بدون هیچگونه تبعیضی در زیر دوبال محبت و عطوفت خود قرارده‌د و از اجرای قانون و استقرار عدل و قسط که یکی از اهداف اولیه این انقلاب بوده است تبعیضی میان طلان تحصیت اجتماعی یا فلان کارگر ساده قائل نگردد.

واقع امر این است که مردم دلسوخته و درد آشنای ایران که میخواهند در زیر لوای جمهوری‌اسلامی به صبح صادق عدالت و حریت اسلامی دیده بگشایند. ما راهپیمائی‌ها و امضای طومارها خواستند تا توجه مسئولین امور مملکتی و به ویژه متصدیان امر قضا را باین حقیقت آشنا سازند که در طول یکساله اخیر چه بسیار حقوق مشروع و مسلمی پایمال و چه آزادیهائی بی غیرحق سلب و تضییع گردیده است. سخن در اینستکه اگر بخواهیم این حرکات اصیل و مردمی را صرفاً" بخاطر اینکه حاوی اعتراض و شکایت دلسوزانه است منبعث از تحریکات و "دستهای "خارجی بدانیم به بیراهه رفته‌ایم.

ما براین باوریم که نویسندگان متعهد و مسئول که در این رابطه قلم بدست گرفتند و آئینه‌وار حقایق موجود در اجتماع را منعکس نمودند و یا دستهائی که با امضای طومارها "ظاهراً" به یادداشت یکی از مسئولین جمهوری اسلامی اعتراض‌کردند همه و همه دستهائی هستند صادق، مبرا از هرگونه شائبه، خیانت و تشنج‌آفرینی و انگیزه‌ای ندارند جز دفاع از قانون اساسی و حریت آزادیها و حقوق فردی و اجتماعی، بنابراین اینکه، تمام موجهای اعتراض و مخالفت را ناشی از تحریک "دستها" وعوامل خارجی بدانیم، یقیناً بمعنای نفی شعور و آگاهی جامعه‌ای است که قانون اساسی را محصول‌ونتیجه خون شهدای‌جانباز

در صفحه آخر

روزنامه «حرکت اصفهان» توقیف شد

روزنامه حرکت اصفهان بعلت انتشار مطالب مبهمه! بحکم دادگاه انقلاب اسلامی اصفهان توقیف شد. متن حکم دادگاه انقلاب اسلامی اصفهان چنین است:

در تاریخ ۵۹/۸/۲۴ مسئول روزنامه "حرکت‌اصفهان" آقای نژادستاری به اتهام نشر مطالب متنوعه و توهین به دادگاه دادسرا بوسیله انتشار مطالب مبهمه و کشف اسرار نظامی در جریان سقوط نوبوفک در مجف‌آباد برخلاف مقررات و دستورات شورای عالی دفاع در دادگاه حاضر و پس از تفهیم اتهامات برمتهم دفاعیات غیرموجه آن و روشن‌شدن اینکه نامبرده در روزنامه‌اش مطالب خلاف مصالح‌مملکت و مسلمین منتشر نموده و انتشار این روزنامه فعلا براختلاف و تفرقه در استان کمک مینماید لذا دادگاه حکم به ممنوعیت انتشار این روزنامه را تا اطلاع ثانوی صادر نمود و بهیچ نحو حق منتشر نمودن آنرا تا اجازه جدید ندارد.

دادگاه انقلاب اسلامی اصفهان شعبه اول

(هوالباقی)

شهادت- اوج جاودانگی انسان است،

چهارتن دیگرازعزیزان‌هنادر جبهه نبرد با یزیدیان زمان به افتخار شهادت نایل آمدندروانشان شاد و یادشان‌جاویدباد.

ضمن عرض تبریک وتسلیت به‌حضور امام و امت قهرمان وشهیدپرورایران، بداطلاع میرساند که مجلس ترحیم مجاهدان اسلام، شهیدحیدر رودکی، شهید اسداللهکندی، شهیدابراهیم‌ادیبی‌فروشهید ابوالحسن جبلی درساعت ۲ تا ۴ بعدازظهرامروزیکشنبه۱۳۵۹/۸/۲۵ درمدرسه اسناد شهید مطهری برگزارمیشود.

هواپیمائی ملی ایران هما

آبونمان خارج از کشور ۳۲۸۵۵۶

اطلاعیه

آقای دکتر ابراهیم یزدی روز دوشنبه ۲۶ آبان آقای مهندس مهدی بازرگان روز سه‌شنبه ۲۷ آبان در بازار تهران سرای دستمالچی ساعت ۱۰ صبح سخنرانی خواهند داشت.

گروهی از بازاریان تهران

کارنامه رئیس جمهور

۱۳ آبان ۱۳۵۹ گزارش مردم

اگر ببینم اینها میخواهند به هر قیمت اسباب سقوط قطعی کشور را فراهم بیاورند، چاره‌ای جز این نیست که همه چیز را با مردم صریح و روشن بگویم و از آنها بخواهم خودشان درباره سرنوشت کشورشان تصمیم بگیرند

بسم الله الرحمن الرحیم

کارنامه سه شنبه ۱۳ آبانماه

"نامه نمایندگان به امام"

در کارنامه دیروز یادم رفت بگویم که از تهران تلفن کردند که عده‌ای از نمایندگان درجلسه خصوصی مجلس اظهاراتی کرده‌اند و نامه‌ای هم امضاء کرده‌اند و نزد امام برده‌اند. من امروز تلفنی با احمدآقا صحبت کردم و ساو گفتم که عده‌ای فراموش میکنند و یا نمی‌خواهند توجه بکنند که وضع کشور در چه حال است وکمان میکنند هر موقعیتی را میتوان برای بازی بر سر قدرت مغتنم شمرد. استمداح کننده‌ای اگر باشد منم. منم که باید بیرم و استمداح کنم کسانی را که با کارهای خودشان وضع را بصورتی درآورده‌اند که دشمنان ما به خودشان جرئت دادند به وطن ما حمله کنند. بلحاظ اینکه دشمن در کمین است کم از اطلاعات و صحبت‌ها استفاده کند من نخواستم صحبتم را بگویم ولی اگر ببینم اینها میخواهند به هر قیمت اسباب سقوط قطعی کشور را فراهم بیاورند. چاره‌ای جز این نیست که همه‌چیز را با مردم صریح و روشن بگویم و از آنها بخواهم خودشان در باره سرنوشت کشورشان تصمیم بگیرند.

بهر حال صبح امروز به بازدید از سپ خرم‌آباد رفتیم و با عصر در آنجا بودیم. مواضع را بازدید کردیم نواقص را دیدیم و یادداشت کردیم که رفع میشود. فرمانده نیروی زمینی در آنجا ماند تا آنچه را ما فرصت نیافتیم ببینیم، ببیند و این سپ را فعالتر کند. بطوریکه ما بتوانیم عرصه را به دشمن از هر سو تنگ کنیم. در آنجا در این سپ با سربازان و درجه‌داران و افسران صحبت کردیم واهمیت این جنگ را برایشان توضیح دادیم وگفتیم که ما در وضعی نیستیم که اگر نجنگیدیم وضع کمی بدتر بشود. ما در وضعی هستیم که اگر نجنگیم و دشمن را نکوبیم موجودیت ما به خطر می‌افتد، روحیه‌ها را خوب یافتیم و امیدواریم که این روحیه‌ها هر روز بهتر بشود.

"جبهه جنگ روانی!"

سرتیپ مطابق معمول در محلی که دور از مراکز شهری و نظامی است شورای نظامی را تشکیل دادیم و وضع را در همه جبهه‌ها بررسی کردیم و گزارش کار روزانه را دریافت کردیم. دوباره ازتهران اطلاع دادند که عده‌ای قصد کشودن جبهه جنگ سیاسی ـ روانی را دارند و بحث بشوند که مطابق معمول "خوارج" تفسیری را که خود کرده‌اند، بکردن کسی بگذارند که باوجود این تفسیرها و در وضعیتی سخت خطرناک مسئولیت را بعهده گرفته است و شب و روز با بخطر انداختن همه چیز خود دارد تلاش میکند.

در صفحه ۲

تأکید رئیس جمهور برحفظ آزادیِ بیان

پیش ازظهر دیروز آقای دکتر ابوالحسن بنی‌صدر رئیس‌جمهوری و فرمانده کل نیروهای مسلح جمهوری ـ اسلامی ایران به حضور امام خمینی رهبر انقلاب و سپاسگذار جمهوری اسلامی ایران رسید. بنا بگزارش خبرنگار خبرگزاری پارس آقای رئیس‌جمهوری دیروز پس از بازگشت از مناطق جنگی به منظوردادن آخرین گزارشات و رویدادهای مناطق جنگی با امام ملاقات و گفتگوکرد.

براساس همین گزارش‌بنی چندان مجروحین‌ومصدومین جنگی که در محوطه اقامتگاه امام‌خمینی بدیدارامام آمده بودند، رئیس جمهوری‌آنان را مورد تفقد قرار داد در پایان این دیدار فرمانده‌کل قوا در پاسخ سئوال‌خبرنگار خبرگزاری پارس که چه مسائلی‌درحضور امام‌مطرح بود گفت طبق معمول هربار از جبهه‌جنگ که به تهران میآیم برای تقدیم گزارش دیدار با امام ضروری است در این ملاقات به امام‌عرض کردم که وضع جنگ خوب است و وضع جبهه‌ها ازهفته پیش خیلی بهتر است چون همه مردم کمک میکنند امیدواریم به توفیق‌یابحامد اگر به توفیق انجامید وضع خیلی بهتر هم میشود، البته جنگ است و درجنگ سختی هم هست ولی مردم با گشاده‌روئی بسیار امور را تحمل میکنند. رئیس ـ جمهوری افزود در این ملاقات امام فرمودند همین پیروزی است که تحولی در همه ما بوجود آمده و بهاین حوبی میجنگند و مقاومت میکنند و خود این است که همه مردم بکدل کار وتلاش میکنند.

سئوال شد با توجه به محاصره سوسنگرد از سوی دشمن طبعاً اهواز در خطر خواهد بود در این باره چه تصمیماتی اتخاذ شده است. رئیس جمهوری پاسخ گفت در حال‌حاضر شهر سوسنگرد در حال محاصره نیست. طبق اطلاعی که‌بمن داده‌اند، آقای رئیس‌جمهوری افزود چون هرجمعه من بتهران میآیم والان‌سه‌جمعه هست به تهران میآیم آنها طی یک تلاش مذبوحانه حملاتی به نیروهای ماوارد میسازند و هر سه حمله‌آنها با شکست روبرو شده است و آنطوریکه امروز بمن گزارش داده‌اند در این حمله سومی هم تاکنون دشمن تلفات خیلی سنگینی داشته و امیدواریم که همین امروز آنجا را از وجود مزدوران بعثی پاک کنیم. رئیس ـ جمهوری در پاسخ این سئوال خبرنگار خبرگزاری پارس که" برسید در ارتباط با رهنمودهای امام‌برای مطبوعات شما هم پیام خاصی در این موردداریدو آیا مطبوعات ما همان مطبوعات زمان جنگ‌هستند که ضرورتهای جنگی ایجاب میکند باخبر، گفت: ماانقلاب کرده‌ایم و این انقلاب‌برای یک هدفهائی بود گفتیم استقلال ـ آزادی‌ـجمهوری اسلامی و این هدفها را نباید قربانی کرد فرق‌کنند یک روزنامه‌ای مقداری کم و زیاد بنویسد این قابل ـ تحمل‌تر است تا اینکه ما بگوئیم چون مقداری کم و زیاد نوشته‌اند تعطیل. آنچه که جامعه ضرر میکند ازنبود آزادی بیان چندبرابربیشتر از این است که سوءاستفاده بکنند. از این آزادی امیدواریم که سوءاستفاده نکنند و آنچه که مورد برخورد میشود عنوان‌نکنند البته اشخاصی هستند که کارهائی میکنند که این، برخوردها رابوجود میآورند آنها بهتر است که این‌کارها را نکنند تا این جزءها نوشته نشود ولی بهرحال وقتی که یک زشتی شد باید کوشید حتی‌المقدور بطریقی آنرا از بین برد که تالی فاسد نداشته باشد بنابراین امیدوارم مردم ما همانجور روی خط وحدتی که مردم دارند و همه هم روی آن خط عمل بکنند.

این مرده قابل شیون است؟!

مساله یادداشت آقای قطب‌زاده موجب بروز و ظهور واکنشها و موجهائی در اجتماع گردید و تحلیل‌گران و نویسندگان هر کدام از دیدگاه خود موضوع را مورد بررسی و امعان نظر قرار دارند. ولی ما قبل از ورود در مطلب بالصراحه اعلام میکنیم که هدف از این نوشتار حمایت از شخص قطب‌زاده نیست و انگیزه صرفاً" بیان حقایق و پرسشهائی است که جامعه انقلابی ما با آنها روبرو است و توقیف و آزادی قطب‌زاده فقط بر ظهور بیشتر این واقعیات افزوده است. ما، همچنین معتقدیم که عملکرد صادق ـ قطب‌زاده در دوران تصدی بر صدا و سیمای جمهوری‌اسلامی و وزارت‌امورخارجه خودنیازمند بررسی و تحلیلی عاری از تعصب میباشد. که قبلاً نیز به آن پرداخته شده و جا دارد که اکنون نیز که مسائل مربوط به اداره امور رادیو تلویزیون و سیاست خارجی ایران مخصوصاً" در ارتباط با مساله گروگانگیری ازعمده مسائل و مشکلات جمهوری اسلامی است،مورد موشکافی و نقد قرار گیرد.

و اما آنچه که در این مقال درصدد بیان آن هستیم بلورکلی نگرانی و اضطراب حاکم بر جامعه بخاطر نقض اصول قانون اساسی ناظر به آزادیهای فردی و اجتماعی است که این روزها بسختی تشدید گردیده‌و این درحالی است که مردم انقلابی، مدرسی اعتقاد دارند که "اصل تساوی افراد در برابر قانون" یکی ازتضمینات اساسی برای ایجاد امنیت قضائی و بالمآل سوق دادن اجتماع به سوی اهداف عالیه جمهوری اسلامی است. بسختی دیگر فرشته عدالت اسلامی باید با چشمانی بسته ولی با نگرشی عمیق به اوضاع و احوال حاکم بر جامعه، همه افراد را بدون هیچگونه تبعیضی در زیر دوبال محبت و عطوفت خود قرارده‌د و از اجرای قانون و استقرار عدل و قسط که یکی از اهداف اولیه این انقلاب بوده است تبعیضی میان طلان تحصیت اجتماعی یا فلان کارگر ساده قائل نگردد.

واقع امر این است که مردم دلسوخته و درد آشنای ایران که میخواهند در زیر لوای جمهوری‌اسلامی به صبح صادق عدالت و حریت اسلامی دیده بگشایند. ما راهپیمائی‌ها و امضای طومارها خواستند تا توجه مسئولین امور مملکتی و به ویژه متصدیان امر قضا را باین حقیقت آشنا سازند که در طول یکساله اخیر چه بسیار حقوق مشروع و مسلمی پایمال و چه آزادیهائی بی غیرحق سلب و تضییع گردیده است. سخن در اینستکه اگر بخواهیم این حرکات اصیل و مردمی را صرفاً" بخاطر اینکه حاوی اعتراض و شکایت دلسوزانه است منبعث از تحریکات و "دستهای "خارجی بدانیم به بیراهه رفته‌ایم.

ما براین باوریم که نویسندگان متعهد و مسئول که در این رابطه قلم بدست گرفتند و آئینه‌وار حقایق موجود در اجتماع را منعکس نمودند و یا دستهائی که با امضای طومارها "ظاهراً" به یادداشت یکی از مسئولین جمهوری اسلامی اعتراض‌کردند همه و همه دستهائی هستند صادق، مبرا از هرگونه شائبه، خیانت و تشنج‌آفرینی و انگیزه‌ای ندارند جز دفاع از قانون اساسی و حریت آزادیها و حقوق فردی و اجتماعی، بنابراین اینکه، تمام موجهای اعتراض و مخالفت را ناشی از تحریک "دستها" وعوامل خارجی بدانیم، یقیناً بمعنای نفی شعور و آگاهی جامعه‌ای است که قانون اساسی را محصول‌ونتیجه خون شهدای‌جانباز

در صفحه آخر

● احمد سلامتیان:

ماده ۲ طرح رادیو و تلویزیون خلاف قانون اساسی است

س ـ آقای سلامتیان باتوجه به این‌طرحیکه درمجلس الان مورد بررسی قرارگرفته و وضعیتی کهم‌اکنون دررادیو تلویزیون وجود دارد، بنظرشما آینده این‌سازمان چه خواهد شد؟

ج ـ بنظر من اگر طرح قانونی که به مجلس ارائه‌شده تصویب شود واصلاح‌نشود عملا" این طرح وسیله‌ای‌خواهد بود برای تحکیم موقعیت کسانیکه درظرف این‌مدت من غیرحق اداره صدا و سیمای جمهوری اسلامی را درتحت کنترل خود داشتند، یعنی همان گروههای فشاری که در ظرف این مدت رادیوتلویزیون را بجای‌اینکه صدا وسیمای

✿ علت اصلی واساسی تشنج صادق نبودن رادیو و تلویزیون است

جمهوری اسلامی‌ایران باشد، به بلندگوی نظریات گروهی خاص بدل کردند، بهاین ترتیب مشروعیت قانونی نیز پیدا خواهند کرد و بهاین ترتیب رادیو تلویزیون گرچه مشروعیت قانونی پیدامیکند ،ولی من نگران آن‌هستم که اقبال عامه‌خودش را که درمین مردم روزبروز ازدست داده بیش از این ازدست بدهد من خودم‌مدتی دررادیو تلویزیون بودم‌و کارکردم رادیوتلویزیون محل روزآزمائی گروههای مختلف شده و الان گروهی موفق‌شده درانجا اهرمهای اساسی تولید رادیو،تولیدتلویزیون پخش رادیوتلویزیون را واخبار اطلاعات را دراختیار خودبگیرد، کسانی که‌آنجا بودند و هستند و مشغولندا‌کثرا" صلاحیت اساسی ازنظر حرفه‌ٔ صداوسما و یا از نقطه‌نظرهای دیگر درمورد اداره رادیوتلویزیون را ندارند. علت‌اصلی که آنجا جمع شدند داشتن روابط‌گروهی و حتی روابط‌فامیلی و خانوادگی دراکثر مواقع بوده است افراد

مختلفی را آنجا می‌بینید کهبدون هیچ دلیلی جز این دلیل که با فلانکس‌که در رادیو تلویزیون بوده آشنا بوده الان در رادیوتلویزیون مشغول کارند اساسی مسئولین اساسی رادیوتلویزیون را منتشر بکنند تحصیلاتشان را منتشر بکنند، آگاهیها و دانشهای‌اسلامی آنها را منتشر بکنند تا این معلوم بشود عملا" رادیو ـ تلویزیون به این ترتیب در اختیار گروههایی افتاده که نمیدانند ازاین دستگاه عظیم به چه نحو باید به نفع انقلاب استفاده کرد، فکر میکنند همینکه در برنامه‌های رادیوتلویزیونی گروه مخالف خودشان راکوبیدند همین کافی است. من یک مثال برای شما میزنم آقای صادق قطب‌زاده عضو شورای انقلاب را بازداشت کردند، آقای مبلغی‌اسلامی قائم‌مقام همین صدا و سیما تحت تعقیب قرار گرفت تا این لحظه‌ای که من اینجا خدمت شماهستم رادیو تلویزیون ما در اطلاعات واخبارش نه خبر بازداشت آقای قطب‌زاده را دادند و نه خبر آزادیش را یک اطلاعیه کوچکی منتشر کرده که محمدمبلغی‌اسلامی تحت تعقیب است و در ضمن مصاحبه آقای قدوسی با مذاکرات مجلس اشاره‌ای رفته است بهاینکه آقای قطب‌زاده در بازداشت بوده. حال اینکه چطور در یک کشوری که سانسورشاهنشاهی را شکست و به آن ترتیب سانسور شاهنشاهی را شکست که در ماههای قبل از انقلاب ما می‌دیدیم رادیو اعتصاب بود، تلویزیون اعتصاب بود، سانسور بود خبر نمی‌داد، مطبوعات اعتصاب بودند ولی اخبار به سریع‌ترین وضع در سراسر کشور میگشت در کشوری که انواع و اقسام‌رادیوها میتوانستند اخبار مختلف را تحریف شده به مردم بدهند چطور میشود تصور کرد که رادیوی جمهوری اسلامی ایران میتواند اخباری را به مردم ندهد. خوب وقتی خبر را درست و صحیح به مردم ندهی، جامعه‌ای که احتیاج به خبر دارد مثل انسان گرسنه‌ای میماند که

✿ حد مطلوب خبر تصویری اینست که در یک دقیقه ۸ تصویر مختلف وجود داشته باشد

وقتی غذای خوب بهش ندی دنبال غذای ناسالم میرود، این نیست که گرسنه باقی بماند. در نتیجه خبر را جعلی و تحریف شده میشنود من فکر نمیکنم هدف از جمهوری اسلامی عبارت از این بود که ما به چنین وضعیتهایی برسیم که اولین رئیس جمهور جمهوری اسلامی رادیو ـ تلویزیون خود این کشور را صالح نداند برای اینکه باهاش مصاحبه بکند و متاسفانه وضعیتی که دارد پیش میرود در جهت بهبود این وضعیت نیست من از این امر نگرانم که رادیوتلویزیون که به این ترتیب بدل به ابزار یک گروه خاص میشود کم کم نتواند وظیفه خودش را بحوبی انجام بدهد و بیش از این اسباب تشنج در کشور بشود. عده‌ای صحبت میکنند که رادیوتلویزیون نبایدباعث تشنج بشود چگونه باعث تشنج میتوان شده‌باعث تشنج شدن علت اصلی و اساسی‌اش این میتواند باشد که رادیو تلویزیون منعکس کننده واقعیت جامعه در کلیت جامعه نباشد.شما ببینید بحث‌آزاد را که عده‌ای امروزه میخواهند آنرا به صورت جزیی در بیاورند در کشور یکی از عمده‌ترین هزینه‌های جمهوری‌اسلامی در پیشبرد اهداف خودش بود

من سئوال دارم از کلیه کسانیکه این مصاحبه را میخوانند آیا بحث آزاد رئیس جمهور با جریکهای فدایی خلق موثرتر بود در باز کردن مشت این سازمان و رسوا کردن آنها بین مردم یا انواع و اقسام محاکمات دیگری که در بارهٔ این سازمان بکار برده شد کسی نمیتواند این را منکر شود که بحث‌آزاد چهار ساعته رئیس جمهور با گردانندگان این سازمان بیش از هر چیز در رسوا کردن این سازمان و تضعیف این سازمان مالا" موثر بوده بهمین ترتیب مسائل و مشکلات دیگر کشوری را باید با این بحثها با گذاشتن اطلاعات دراختیار مردم‌حل کرد. و گرنه مردم از واقعیات مطلع نخواهند شد، خدای‌ناخواسته نسبت به رسانه‌های گروهی خودشان هم بدبین خواهند شد و این بدبینی و اطلاع نداشتن از واقعیات منجر به این خواهد شد که به هر دری دنبال اطلاعات صحیح بزنند و در آنصورت دشمن بخوبی میتواند اطلاعات غلط و تحریف شده خودش را بعنوان اطلاعات صحیح بخورد مردم‌بدهد.

س : با توجه بهاینکه شما مدتی مسئول اطلاعات و اخبار رادیو تلویزیون بودید، ممکن است بیشتر از مشکلاتی که در این سازمان در رابطه با سانسور خبروجود دارد حرف بزنید بطور مشخص در مدتی که شما آنجا بودید آیا فشارهایی برای حذف بعضی از اخبار یا جهت دادن به اخبار وجود داشت و آیا شما مقاومت میکردید یا خیر؟

ج ـ ببینید مسئله سانسور یک مسئله است مسئله

✿ صدا وسیمای جمهوری اسلامی ایران ازنظر امکانات دراروپا و ژاپن نظیر ندارد

دانستن و توانستن استفاده از این دستگاه عظیم یک امر دیگر است،شما میدانید که صدا و سیمای جمهور اسلامی از نقطه نظر تکنیکی و امکانات بین اروپا و ژاپن نظیر ندارد عظیم‌ترین دستگاه است قریب به ۹۰۰۰ نفر کارمند داشته دارای پیشرفته‌ترین وسایل تکنیکی بوده متاسفانه تمام‌این دستگاه ، تمام‌این‌کادرها خوابیده‌اند درست‌است که رادیو تلویزیون یک محلی بوده که عناصر نابات ،عناصر مختلفی که کاری جز تفریح وخوردن و اشاعه‌فساد بعضی‌شان نداشتند و در آن نفوذ کرده بودند اما راه اصلاح سازمان از بین‌بردن خود دستگاه عظیم رادیو تلویزیون واستفاده نکردن از کادرهای مختلف متخصصی که داشته نبوده، راه درست این‌بوده که آنچه که ارشاد ناشدنی و اصلاح ـ ناپذیر است بیرون گذاشته شود. ادامه‌دارد

نامه وکیل سعادتی به شورایعالی قضائی

بنام خدا

شورایعالی قضائی

از آنجا که مطابق اصل ۱۵۷ قانون‌اساسی شورایعالی قضائی بالاترین مقام قوه‌قضائیه و مسئول انجام وظایف قوه قضائیه است،

از آنجاکه برطبق اصول ۶۱ و ۱۵۹ قانون اساسی اعمال قوه‌قضائیه منحصرا توسط دادگاههای دادگستری صورت می‌پذیرد،

از آنجاکه آن شورا مسئول و جوابگوی کلیه محاکماتی است که در سطح کشور برگذار میشود و این مسئولیت بحکم اصل ۱۵۸ قانون‌اساسی که شورایعالی قضائی رامرکب از پنج عضو دانسته است، متوجه کلیه اعضای آن شورا میباشد و بعبارت دیگر مسئولیت اعضای شورایعالی قضائی مشترک است،

از آنجا که پنج فقره شکوائیه اینجانب، در رابطه با نحوه محاکمه موکل آقای سیدمحمدرضا سعادتی، خطاب بآقای دادستان کل‌کشور که عضو آن شورا نیز هستند موثر بیفتادو محاکمه موکل دریک مرجع غیرقانونی وتحت‌شرایط غیرقانونی جریان دارد،

با ارسال فتوکپی شکوائیه‌های مزبور و با تاکید بر تذکرات‌و اعتراضاتی‌که در ارتباط با عدم‌صلاحیت دادگاه، عدم صلاحیت حاکم دادگاه و نقض اصول مکرر قانون‌اساسی دراین شکوائیه‌ها طرح کرده‌ام توجه آن شورا را به نحوه جاری محاکمه، براساس محتویات جراید، که با هیچیک از اصول و موازین دادرسی مطابقت ندارد جلب میکنم:

۱ـ با اینکه دادستان در شروع محاکمه پیرامون کیفر ـ خواست بتفصیل سخن گفته است و مطابق اصول دادرسی و ماده ۱۱ آئین‌نامه دادگاه انقلاب پس از قرائت کیفر ـ خواست نوبت دفاع متهم است حاکم دادگاه بدادستان اجازه میدهد که درانتهای مدافعات موکل هرزمان که بخواهد صحبت وی را قطع کرده و به سخنرانی و ایراد اتهام بپردازند.

۲ـ با اینکه تبصره ذیل ماده ۸ آئین‌نامه دادگاههای انقلاب صراحت دارد که دادگاه باید به متهم حداقل ۱۵ ساعت حق‌دفاع بدهد حاکم دادگاه و دادستان از مهلت دفاع موکل حداکثر استفاده را کرده و صحنه دفاع را محیط استنطاق و تسویه‌حسابهای ایدئولوژیک و حتی تفتیش عقاید مبدل کرده‌اند بنحویکه اساسا موکل قادر بدفاع نبوده و بیشتر باید بسئوالات آنان پاسخ گوید.

۳ـ مطابق‌ماده ۱۹ آئین‌نامه دادسرای انقلاب ،تحقیق و استنطاق وظیفه بازپرس است و پس از ختم تحقیقات و صدور کیفرخواست و ارجاع پرونده بدادگاه اولا دادستان در جریان محاکمه حق تحقیق از متهم را ندارد، ثانیا سئوالات رئیس‌دادگاه باید پیرامون کیفرخواست ومحتویات پرونده وآنهم پس‌از دفاع متهم باشد.

۴ـ درجریان محاکمه معلوم شده که حکم‌جلب موکل بعید اعضا" بوده و دادستان کل انقلاب دستور جلب موکل را صادر نکرده و حتی معاون دادستان دوروز پس‌از توقیف موکل صراحتا اعلام نموده که دستگیری وی بدون اجازه و اطلاع دادسرای انقلاب تهران بوده است. موضوع جالبتر اینکه اساسا دادستان کل انقلاب در تاریخ دستگیری موکل حق صدور برگ جلب درباره حوزه قضائی تهران را نداشته و این موضوع مسبوق بطرح در شورای انقلاب بوده و یکی از اعضای شورای انقلاب تصمیم مزبور را بدادستان کل ابلاغ کرده بودند. معهذا حاکم دادگاه درقبال تذکرات موکل میگوید که: "ما اصلا کار باین نداریم که حکم بازداشت بوده یا نبوده و پرونده شما حکم بازداشت ندارد"!

۵ـ درجریان محاکمه معلوم شده که علیرغم تقاضاهای مکرر موکل و خانواده‌اش پزشک قانونی در تاریخ ۵۸/۴/۱۲ یعنی دوماه و شش‌روز پس‌از توقیف موکل، ویرا معاینه کرده است. بعدلک پزشک قانونی درنظریه خود صراحتا گفته است که جای زخمها فعلا بهبودی یافته و تاریخ آنها حدود یکی دوماه پیش بوده و در اثر برخورد با جسم سختی ایجاد شده است. با اینکه مساله شکنجه موکل محور است و دادسرای انقلاب عمدا از اعزام پزشک قانونی طفره میرفت تا آثار شکنجه محو شود و بازجوئیهای موکل در این اوان صورت گرفته و فاقد هرگونه اثر و اعتبار قانونی است و شکنجه هم به نص قانون اساسی و قانون مجازات جرم و قابل تعقیب جزائی است حاکم دادگاه میگوید که این موضوع ربطی به پرونده موکل ندارد!

۶ـ درجریان محاکمه معلوم شده که موکل توسط یک کمیته غیرقانونی مستقردر سفارت آمریکا، که جزو کمیته‌های چهارگانه تهران بوده، دستگیر شده یعنی توقیف موکل غیرقانونی و جرم است و حاکم دادگاه میگوید این امرهم موثر درمقام نیست!

۷ـ درجریان محاکمه معلوم شده که یک "بازجوی متخصص" که عضو دادسرای انقلاب نبوده مامور تحقیق از موکل بوده و گزارش وی مهمترین دلیل اتهام است. دراین گزارش اتهام موکل "تلاش در زمینه بدست‌آوردن لیست اسامی افسران اطلاعاتی سیا و شناسائی شبکه جاسوسی آمریکا در ایران بمنظور ایجاد ترور و تخریب و اختلال در روابط ایران و آمریکا" تلقی شده است. و جالب است که نه دادستان هویت این "بازجوی متخصص" را معلوم میکند و نه حاکم دادگاه در این خصوص تحقیق بعمل میآورد!

۸ـ درجریان محاکمه، دادستان محاکمه موکل را به محاکمه مجاهدین خلق تبدیل کرده و درباره مسائل ایدئولوژیک سازمان دادسخن میدهند تحدیکه میگویند "سالهاست که مجاهدین خلق رابمناظره ایدئولوژیک دعوت‌کرده‌ایم و تمام‌اسنادی را که‌داریم میخواهیم روکنیم لیکن‌مجاهدین حاضر بدعوت و پاسخ به ندای ما نشده‌اند، آیا موضع‌گیری از این صریح‌تر ومشخص‌تر میشود؟ آیا هنوز تردید دارید که موکل قربانی اختلافات و تضادهای فکری آقایان با سازمان مجاهدین خلق شده است؟

۹ـ درجریان محاکمه دادستان به سندی استناد کرده که ظاهرا از لانه‌جاسوسی آمریکا بدست آمده و در آن گفته شده که خبرنگار شوروی جاسوس و عضو کا.گ.ب است، و در این رابطه این سئوالات مطرح میشود:

درصفحه۳

کارنامه رئیس جمهوری

"گذشته و حال"

تا دیرگاه ما وقت را به مباحث نظامی گذراندیم و فرصتی نماند که من در باره این‌بازپیافکر بکنم، بعد تنسیم و مقداری در این زمینه‌ها فکر کردم. گذشته‌ای که ما را به اینجا رسانده است از نظر گذراندم، دیدم هشت ماه بیشتر گفتم من نمی‌توانم مسئولیت تغییر روانشناسی جامعه آمریکائی را به‌عهده بگیرم و مداخله‌جوئی بر عهده بگیرم و آنچه کرده‌ایم و آنچه کرده‌اند و کار را به اینجارسانده‌اند جریانی است که امروز نتیجه خود را ببارمی‌آورد و گمان‌من اینست که ریگان نه بعنوان جمهوریخواه در برابر دیگرات،بلکه بعنوان بیانگر تغییر روانشناسی جامعه آمریکائی انتخاب میشود. چند روز بیشتر به دوستان گفته بودم که تصمیم در باره گروگانها در زمانی و بصورتی اتخاذ شده است که بسود کارتر موثر نخواهد شده،بلکه به زیان او موثر خواهد شد و گمان میکنم این نظر من که مستند به تجربه طولانی من در روحیه و روانشناسی غربیها بلحاظ اقامتم در آنجاها و مطالعه‌ام در این زمینه‌ها است درست از آب درآمد. بنابراین وضع خارجی ما مشکلتر خواهد شد و من کسی نیستم که از برابر مشکلها بگریزم. می‌دانم که بموقع هشدار دادم‌ام گفته‌ام و موثر واقع‌نشده است و نتیجه نداده است، اما باین دلایل نمیشود تلاش را در نیمه گذاشت و به تلاش برای استقرار یک حکومت اسلامی مستقل ادامه نداد. بهر حال زندگی در این جهان پایان همه چیز نیست، تاریخ استمرار دارد و همانطور که مردم ما امروز قضاوت روشنی دارند، تاریخ فردا نیز قضاوت روشن و بلکه روشنتری نسبت به آنچه حالا میگذرد خواهد داشت و گمان‌میکنم در این قضاوت لااقل درموردابتکارارزیابی‌های من از روی علم واطلاع و دقیق بوده است، حق را بجانب من خواهد داد. با این همه باحق نداریم بدلیل اینکه تاریخ حق را بما میدهد با نمیدهد از تلاش و کوشش برای نجات میهن اسلامی باز بایستیم.

فکرم که به اینجا رسید آرام گرفتم و باهمان‌تصمیمی که‌داشتم‌به ادامه نبرد مصمم شدم. شما مردم میدانید که جنگ در دو جبهه کار ساده‌ای نیست‌خصوص وقتی که یک جبهه‌جبهه داخلی است و جبهه‌ٔ جنگ روانی ـ سیاسی است. در همه جای دنیا اینطور عمل شده است که وقتی جنگی پیش آمده همه از موافق و مخالف متحد شده‌اند و چون ستونی استوار تکیه‌گاه مسئول جنگ گشته‌اند و او را در نبرد یاری کرده‌اند و چنان کرده‌اند که‌او در سختی‌ها روحیه خود را از دست ندهد. جنگ دوم جهانی را بیاد بیاورید،وقتی چرچیل نخست‌وزیر شد و قوای هیتلر نیروهای فرانسوی وانگلیسی را درهم شکست و فرانسه را اشغال کرده بود و ملت انگلیس در انتظار بود که سربازان آلمانی پای در خاک آن کشور بگذارند، در برابر مجلس خطاب به ملت انگلیس گفت" من جز خون و اشک و آه چیزی ندارم به شما بدهم" و ملت انگلیس و رهبران انگلیسی یکپارچه پشت سر او ایستادند تا در جنگ پیروز شد.

قوای هیتلر تا دروازه‌های مسکو آمد و با اینکه استالین یک دیکتاتور بود با اینحال ملت روس نگفت چون این آدم یک دیکتاتور است و آن سوبه‌های خوبش را کرده‌است و این بلاها را به سر ما آورده است، ما از وطنمان دفاع نمیکنیم. بلکه ایستادند و تحت همان حکومت با آلمان هیتلری جنگیدند و بالاخره هم پیروز شدند.

● عده‌ای فراموش می‌کنند و یا نمیخواهند توجه بکنند که‌وضع کشور در چه حال است و گمان می‌کنند هر موقعیتی را میتوان برای بازی بر سر قدرت مغتنم شمرد

● من میدانم که بموقع هشدار داده‌ام و نتیجه نداده‌است اما باین دلایل نمیشود تلاش را در نیمه گذاشت و به تلاش برای استقرار یک حکومت اسلامی مستقل ادامه نداد، ...

درسال ۱۹۶۷ ناصر شکست خورد و ارتش اسرائیل با غافلگیرکردن،ضربه سختی به ارتش مصر زد و ناصر ناگزیر شد آتش بس را بپذیرد و استعفا کرد. ملت مصر یکپارچه به خیابانها ریختند و استعفای او را نپذیرفتند. حال اینکه ارتش را خود او ساخته بود و ناچار مسئول وضعی بود که پیش آمده بود، معهذا مردم مصر دارای این رشد بودند که درآن شرایط نباید پشت مسئول را خالی کرد و بدشمن امکان داد تا از موقعیت حاصل از پیروزی بیش ازحد سوء استفاده کند. به ما نیز حمله کرد، اما در این حمله‌از سوی ما یعنی از سوی رئیس جمهوری کاری که زمینه‌سازی این حمله‌نظامی بشود انجام نگرفت، برعکس هشدارها داده‌شد، اخطارها داده شد، کوشش‌های فوق‌طاقت انجام گرفت، بلکه جریان تضعیف نیروهای مسلح تضعیف بشود، اداره امور کشور جریان صحیح پیدا کند و این ضعف‌ها به دشمن امکان حمله ندهد. از ناچاری این کوشش‌ها موفق نشد و قدرت‌پرستان مانع شدند. اخطار در ۱۷ شهریور هم اینها را بخود نیاورد، تا درنتیجه دشمن بتصور ضعف کامل‌ما حمله کرد. با اینحال ما متوسل به این معنی شدیم که چون در این حمله نقش با "قدرت‌باز"ها بوده‌است‌و اینها این بلا را برسر کشور آورده‌اند و مسئولیت هم با آنها باشد چون میدانستیم از آنها برای نجات کشور کاری ساخته نیست، اینست که بانام وجود بتلاش پرداختیم تا کشور نجات یابد و حالا نتیجه این تلاش عظیم این شد که کم و بیش توانستیم دشمن را متوقف کنیم و نیروهای تازه‌ای وارد صحنه کرده و امکانات را بکار بگیریم و این امید را بوجود بیاوریم که بیابانهای خوزستان کوروستان ارتش متجاوز خواهد شد. درست در این موقع خنجرزدن از پشت شروع شده است.آنهائی که ضعیف و ناتوانند و جز قدرت هیچ واقعیتی را نمی‌بینند، اولا آیه یاس‌خواندن را شروع کردند. استاندار خوزستان تلگراف می‌کند که همه چیز از دست رفت خوزستان سیرود، اگر خوزستان برود نصف جمعیت ایران تلف میشود و بایداین مطالب را بمردم گفت. آقای رجائی این تلگراف را در شورای دفاع خواند و من درآنجا باو گفتم، این آدم وقتی هم در کردستان بود، میگفت کردستان از دست رفته بدانید و حالا خود او که از مسببان تضعیف ارتش در خوزستان بوده است، به جنگ روانی مشغول است تا روحیه‌ها را بکلی از بین ببرد و سقوط قطعی بشود. من نمیگویم او عمدا"این کار را می‌کند، اما آدمی که این مقدار ضعیف است و این اعصاب ناتوان را دارد، چرا باید دراین استان ما و با شرایط جنگ مسئول باشد؟

عده‌ای از نمایندگان در مجلس تومار جمع میکنند بلکه آن عدهی را که از دو سه ماه پیش به اینطرف داشتند و شب و روز هم مشغول بودند، یعنی بارگرفتن فرماندهی کل قوا از رئیس جمهور، دنبال میکنند که بآن برسند و نامه‌ای نزد امام ببرند. اینها نمیدانند که این کارها بازتاب فوری در جبهه‌ها می‌گذارد، روحیه‌ها را می‌شکند، مقاومت را از بین می‌برد و دشمن مثل آبی که سد از برابر او برداشته شده باشد، همه‌جا را میگیرد. اینهائی که سردمدار هستند می‌دانند که دروغگو هستند و حقایق را وارونه جلوه می‌دهند. آنها نمیدانند که وضع چگونه بود و حالا چگونه شده‌است و نمیدانند که جز من با توجه به افکار عمومی، با توجه به توانائی درمبارزه‌ضد هجمان مثبت کار و سیل به ایثار و فداکاری کس دیگری در این شرایط نمی‌تواند این وظیفه سنگین را برعهده بگیرد. بنابراین آشکارا می‌ـ خواهند از پشت جبهه ما را بشکنند.

بهبرو، تهران مرکز این توطئه‌هاست. از روز انتخاب به ریاست‌جمهوری این توطئه‌ها بوده و هنوز هم هست. اینک از مسئولان نیروهای مسلح خواستم که یک طرحی برای جبهه جنگ تهیه کنند که حالا نمی‌خواهم بگویم کدام جبهه و چگونه طرحی است. اما برای آنهاصحبت کردم و وضع را از جهت سیاسی ـ اجتماعی ـ روانی تشریح کردم و اهمیت و ضرورت پیروزی در جنگ را برایشان روشن کردم شب دیروقت آنها رفتند و من امیدوارم که این روحیه آنها با تحریکات نشکند و بتوانند با همه سختی‌های موجود دشمن را بشکنند.

دوره‌ی جدید
جهانگرد
در زمینه‌های: اجتماعی
اقتصادی، فرهنگی، علمی
و تاریخی منتشر شد

بخش سیاسی
۳۲۸۵۳۱

آخرین دفاعیات سعادتی

سعادتی به ۱۰ سال زندان محکوم شد

تهران - خبرنگار انقلاب اسلامی: برخلاف انتظار محاکمه سیدمحمدرضا سعادتی عضو سازمان مجاهدین خلق روز جمعه ۲۳ آبانماه در دادگاه انقلاب مرکز به ریاست حجت‌الاسلام موسوی‌سوری نماینده مجلس ادامه یافت و دادگاه پس از شنیدن آخرین دفاعیات متهم وی را به ۱۰ سال زندان محکوم کرد. در شماره‌های پیشین روزنامه دفاعیات سعادتی تا جلسه ششم از نظر خوانندگان گذشت و جلسات بعدی نیز از نظر خوانندگان خواهد گذشت، لیکن نسبت بدانست، آخرین دفاعیات سعادتی در این شماره از نظر شما میگذرد.

سعادتی در قسمتی از دفاعیات خود گفت: من اگر اینجا به اعدام هم محکوم شوم و چه بسا که مثلاً" زیادهم به پایان زندگی من باقی نمانده باشد ولی من به مردم خودم قول میدهم که مطمئن باشید که من بازهم با احساس بهتر نسبت به دشمنان ... و اینک شروع دفاعیات سعادتی: ابتدا با نام خدا شروع کرد و گفت:

بسم‌الله الرحمن‌الرحیم

ربنا... علینا و تب‌اقدامنا وانصرنا علی القوم الکافرین

من اول مختصری در مورد بازداشتم و بازجوئیهای اولیه‌ام واطلاعاتی بطور خلاصه مطرح میکنم. من به هیچوجه مطابق حکم دادستانی بازداشت نشدم و مثلاً" هم این روش شد مرا به خانه امن پشت سفارت آمریکا بردند و توسط افراد مستقر در سفارت آمریکا به بررسی ماشاءالله شکنجه شدم و بازجوئی‌های اولیه من در آن خانه صورت گرفت. من استنباطی که از دستگیر کنندگان در آن شرایط داشتم با توجه به تمام قرائن و شواهدی که نشان میداد این بود که اینها افراد سیا و ساواک هستند و لذا بازجوئی‌های اولیه من هم تحت آن شرایط روحی به اضافه فشار و شکنجه جسمانی بوده است و بنابراین من در آن بازجوئی برای انحراف از مسیر دسترسی آنها به اطلاعات سازمان یا مسائل جنبش چاره‌ای جز پیش گرفتن چنین شیوه‌ای نداشتم که مسائلی را مطرح بکنم که حالا دادگاه بیشترین اسناد را به آن مسائل میکند فقط من در اینجا به این اشاره میکنم اگر من میدانستم که در دست افراد کنیده هستم باوجود اینکه میدانستم، بعداً" در اختیار مقامات دادسرا و مقامات رسمی قرار میگیرم هیچ وقت خودم را بصورت یک فرد معمولی که تازه در رابطه با سازمان قرار گرفته معرفی نمی‌کردم، چرا که بعداً" این دروغ روشن میشد و می‌بایست جوابگو باشم که چرا اینگونه کفتم. بنابراین این مشخص میکند که من در چه شرایطی بازجوئی اولیه را پس دادم. باز پنج روز بعد در دادسرای تحقیقات شهری صورت گرفت و آن آقای بازپرس که تحقیقات دوم را انجام میداد زیاد اصرار میکرد و علاقه داشت که تناقضی با بازجوئی اولیه نداشته باشد که در حقیقت پرونده بسوی حل و آزادی من برود ومسئله پیچیده‌ای ایجاد نشود و بنابراین یک سری مسائلی که در کجا او را ملاقات کردم و اینها را من اول نوشتم و خود آقای بازپرس هم اگر اینجا بود شهادت میداد. ولی باز پاره شد و بنا شد که تناقضی نباشد که من به اینصورت نوشتم اینکه مطرح کردم من چوب ساده‌اندیشی‌ام را میخورم، نه این استنباطی است که مطرح شده بلکه من هیچ فکر نمی‌کردم این پرونده به مسیری کشیده شود که حتی روی کلمات و روی فواصل کلمات من حساسیت و وقت نشان داده شود و ماجرای عظیمی از آن ساخته شود. تحقیقات سومی که از من صورت گرفت اساساً" بعد از این بود که باتوجه به صحبتهای من در مورد سنگیری من و بازجوئی‌های اولیه که شرح مفصلی را دادم از طرف اعضای شورای انقلاب که به ملاقات من آمدند قرار شد که بازجوئی سومی هم صورت بگیرد و فلسفه آن این بود که بازجوئی‌های اول و دوم به این دلائلی که گفتم اصالتی نداشت. بعداز این هم برنگی قابیوی از من عیادت‌کرد که البته در حال اعتصاب‌غذا بودم وعلائم شکنجه را روی پای من گزارش کردند که گزارشش باید در پرونده باشد و روی کتاب هم هست. (کتاب سعادتی زندانی دونظام) ولی خب این پرونده ماجرایش به اینجا کشید که در این دادگاه من به اینصورت مطرح شدم. از نظر من سرقتی که از پرونده بقوبی صورت‌گرفته کار خود عوامل سیا در ایران است و از نظر من سرقت‌کنندگان همانهایی هستند که برای من چنین سرنوشتی را تدارک دیده‌اند و برای سازمان.

سعادتی ادامه داد و گفت: ممکن است یک سری مسائل الان روشن نباشد و مدارکی در دست من موجود نباشد ولی بالاخره آینده خیلی‌چیزها را روشن خواهد کرد و مسائل بالاخره رو خواهد شد که سرقت‌کنندگان چه کسانی بودند و توطئه‌گران چه‌کسانی بودند.

انگیزه من همانطور که در اعلامیه‌های سازمان، چه آنهایی که الان داده شد و چه آنهائیکه‌از همان ابتدا و آغاز ماجرا مطرح شده و چه توضیحاتی که همان ابتدا سازمان به شورای انقلاب داد روشن ومشخص است و با تنها بخاطر کشف ردپا شبکه‌ها، عوامل، شیوه‌ها و نحوه توطئه‌های سیا و بقایای ساواک در ایران علیه‌انقلاب ومردممان عمل کردیم و هیچ انگیزه خاص دیگر مطرح نبوده و بازبچه سازمان در این مدت روشن و مشخص است. همینطور که بعد از دستگیری من نمونه‌هائی از فعالیتهای سازمان و تلاش سازمان و خبرهائی که بطور رسمی و مشخص بعرض دفتر امام و یا شورای انقلاب و یا اخیراً" به ریاست جمهور رسانده‌اند روشن و مشخص است و فعالیت من هم چیزی غیر از نهایتاً" رسیده به چنین اطلاعاتی نبوده که در نهایت عملکردی خزبهای جمهوری اسلامی‌نداشته و فعالیتهای سازمان هم از این به بعد خواهد داشت، که مدارکش نزد آقای حاکم‌شرع است و اگر نبود من گوشه‌ای ازاین فعالیتها را الان به عرض هموطنان و دادگاه محترم میرسانم.

سعادتی آنگاه گفت: من یک صحبتی هم به مردم میهنمان دارم میخواهم بگویم که فکر نکنند کاطلی مدتی که‌در این دادگاه بودم بدور از مسائل و دردهای آنها بودم ودادگاه را هم من تشکیل ندادم و وقتش را هم خود دادگاه و دادسرا انتخاب کرد من میدانم که بسیاری از هموطنان - عزیزم در این ماه عزیز برمزار شهدای خودشان نشسته‌اند، بسیاری از هم‌میهنان در زیر بورش آتش رژیم عراق خانه و کاشانه خودشان را از دست داده‌اندواز شهر و دیارخودشان آواره شده‌اند و بطورکلی تمام مردم ایران، آنهائیکه بهاین میهن، به این وطن به این انقلاب و به سرنوشت خودشان عشق می‌ورزند در زیرضربات ناشی ازتوطئه‌های امپریالیستها زندگی میکنند و مطمئن باشید، من حدای از دردها و سرنوشت شما هم‌میهنان عزیز نیستم. و اگر اینجا آمدم و مسائلی را مطرح کردم و صحبتهائی کردم و صحبتها و مسائلی را هم مطرح نکردم این‌هم باز در همین رابطه بود. که چیزی جز سرنوشت شما مردم و عشق بخدا و یکتنی که من بخاطر آن زندان رفتم و شکنجه کشیدم و فکر میکنم واساسا زندگی میکنم چیزی بجز اینها نیست.

سعادتی گفت: خب در اینجا آقای دادستان‌سعی کردند که کلا مرا به ابتذال بکشند و چنین شیوه‌ای را در پیش کشیدند. به اصطلاح خودشان فکر میکنم برای اینکه یک نوع تنفر و نفرت علیه شخص من و به طبع علیه سازمان ایجاد بشود ولی خب من برخورد متقابلی نمیکنم و فعلا قضاوت را برعهده آنهائی میگذارم که مرا میشناسند و همانها هستند که حقیقت‌را بالاخره اگر اثبات تندی است، اثبات میکنند.

حتما در جریان بودید که من در اینجا در دادگاه عمومی ناراحت شدم و این حتما از چهره و رفتار و نیافه من هم روشن و مشخص بود. من اگر هم در بیدادگاه آرباه‌پری محاکمه میشدم و انواع و اقسام تهمتها و شیوه‌های غیراسانی بکار برده میشد من ناراحت نمیشدم و حتی به این شیوه‌ها می‌خندیدم چون مسئله روشن بود و اینکه من در این دادگاه ناراحت شدم علتش تنها این بود که من چنین انتظاری نداشتم و هنوز هم ندارم و برای من همانطور که مثلا هم مطرح کردم ممکن بود که باچنین شیوه‌ها و چنین برخوردهائی روبرو شوم اگر عده‌ای فکر میکنند که واقعا با این شیوه‌ها که افراد را با سازمان را با هواداران سازمان را به‌ابتذال بکشانند و از این طریق یک سازمان را یک جریانی را از میدان سیاسی‌از صحنه سیاسی خارج یا دور کنند من اینجا صریحا میگویم که این شیوه‌ها به آنجاها نمی‌انجامد و موفق نخواهند شد.من اگر از اینجا به اعدام هم محکوم‌شوم و چه بسا که مثلا زیاد هم به پایان زندگی من نمانده باشد ولی من به مردم‌خودم قول میدهم که مطمئن باشید من بازهم با احساس بهتر نسبت به دشمنان این مردم و دشمنان شما به میدان اعدام میروم و مطمئن باشید که هیچ‌کینه و هیچ نفرت شخصی حتی نسبت به آن برادر پاسداری که به من تیرانداری میکند برای من وجود ندارد و این فکر میکنم در مدتی که من در زندان بودم برای خودشان هم روشن شده که یک مجاهدهیچ کینه و نفرتی بلحاظ شخصی نادر برخوردهائی که با او میشود پیدا نمیکند و ممکن است یک عکس‌العمل عاطفی در لحظاتی نشان بدهد ولی در نهایت و در جوهروجودش چیزی جز عشق بخدا و علاقه به مردمش و سرنوشت‌مردمش ندارد و بخاطر همین هم زندگی میکند. و بخاطر همین‌هم مرگ را انتخاب میکند و من اگر به‌اعدام هم محکوم بشوم بازهم به عشق بخدا و با علاقه عمیق نسبت بمردم و سرنوشت توده‌های محروم و تهیدستان خلقمان میروم و گلوله‌ها را می‌پذیریم با نفرت و کینه نسبت به دشمنان شناخته‌شده و جنایتکار مردممان، و آخرین‌صحبت من این است که چیزی که در مورد خودم گفتم اگر من‌چیزی دارم اگر من ارزشی دارم و اگر ارزشی برای من در ذهن کسی وجود دارد این ارزش نه معلق به شخص من است نه به لحاظ مهارتها یا تخصص من است بلکه این ارزش تنها و تنها بخاطر ارزشهائی است که جوشهای زیادی بابت آن ارزشها ریخته شده جوشهای غیرایرانی که بسیاری از آنها در آخرین لحظات ما را در آغوش گرفتند و ما آنها را در آغوش گرفتیم و همدیگر را بخدا سپردیم.این ارزشها بخاطر ریخته‌شدن چنین جوشهائی است و من تا آخرین لحظاتم هیچگاه خون مهدی‌رضائی و ارزشی را که آن خون وآن مقاومت با آن حماسه به من هدیه کرده فراموش نخواهم کرد. و اگر الان هم چیزی مطرح است نه بخاطر شخص من بلکه تنها بخاطر اینه که اونها احساس خطری میکنند که به چنین ارزشهائی تهاجم شده به اینکه من زندانی هستم یا زندانی نیستم یا باید آزاد شوم. و مجاهدین هم اگر الان برای بسیاری از هم‌میهنان‌مامطرحه نباز نه بخاطر حضور افراد خاصی و بخاطر فرد خاصی است بلکه بخاطر بار همان ارزشهائی است که میکنه تیلورش را در سازمان با در افراد خاصی احساس کنند و نسبت به اون ارزشها اعتقاد عمیق داشته باشند و تمام هستی خودشان را بخاطر آن ارزشها فدا بکنند. من‌صحبت دیگری ندارم و به تمام هم‌میهنانم بخصوص آنهائیکه در جبهه هستند و ممکن است از این مسائل اطلاعی‌اساسا نداشته باشند درود میفرستم و آرزوی موفقیت و پیروزی میکنم برای آنها و بویژه برای تمامی‌آن عزیزانی که بخاطر این ارزشها بیش از یکسال انواع و اقسام سختی‌ها را تحمل کردند و درود عمیقی‌میفرستم و برای آنها نیز آرزوی پیروزی و موفقیت در کنار تمامی خلق قهرمانمان از خدا طلب میکنم و در آخر سرهم این آیه قرآن را میخوانم که سلام‌علیکم بما صبرتم فنعمه فی‌الدار، عرض‌دیگری‌ندارم.

قضا در اسلام

آیت‌الله محمدی گیلانی حاکم شرع تهران

قسمت بیست‌ویکم

و حتماً هم چنین است، زیرا عین این‌اشکال در مورد قاضی معزول نیز در بعضی از صور لازم میآید. بدین تقریر که محکوم علیه پس از عزل قاضی دوم، بقاضی سوم وهکذا بقاضی چهارم وپنجم رجوع کند، علیهذا در مورد قاضی معزول هرباسخی که صاحب حرایج ودیگران میدهند، پاسخ با نیز همان است و اگر پاسخ این باشد که شان قضاوت، فصل خصومت ورفع تشاجر است نه بازبچه بهانه‌گیران وتداوم بخشیدن به درگیریها و تخاصم، و اقامه دعوی محکوم علیه نزد قاضی سوم علیه قاضی دوم معزول، بازبچه بهانه‌گیری است، لذا قابل استماع نیست، میگوئیم که اقامه دعوی محکوم - علیه نزد قاضی سوم علیه قاضی دوم غیر معزول، نیز بازبچه ولجاجت خواهد بود وشرائط وجوب استماع راندارد بنابراین از فتح باب تجدید نظر به قضاوتی لازم نمیاید بلکه خود فتح باب دیگری از عدالت‌گستری اسلام واعانه مظلومان است.

موارد جواز نقض‌حکم‌قاضی‌شرع

مورد تجدید نظر درحکم قاضی شرع روشن گردید، و معدلک لازم میبینم که قبل از بیان مواضع جواز نقض حکم، توضیحی درحدودموارد آن داده شود تا از اشتباهی که ممکن است واقع گردد جلوگیری بعمل آید:

چنانکه گذشت مورد وجوب تجدیدنظر صوری است که محکوم علیه‌مدعی شودکه حاکم بروی بجور حکم داده‌است و در توجیه ادعا خود فرقی نمیکند که‌مدعی خطاء حاکم گردد و یا فقدان یک یا چندشرط از شروط معتبره درقاضی اماًاگر حاکم راجامع‌الشرائط میداندومدعی خطاء وی هم نیست، تجدیدمرافعه حرام است. درهمین صورت، چنانچه محکوم‌لهراضی به‌تجدیدمرافعه باشد ظاهراً" تجدیدرسیدگی جائزاست و مرحوم صاحب‌جواهر وصاحب عروةالوثقی، به جواز فتوی داده‌اند ودرمقام استدلال برجواز فرموده‌اند که‌تجدید مرافعه بارضا" محکوم له مصداق ردحکم نبوده از شمول حدیث "الرادعلینا" خارج است ولی مرحوم‌نراقی درکتاب مستند معتقد بودم‌جواز است وچنین تصور فرموده که‌تجدید مرافعه دراین صورت چون مصداق ردحکم است‌بر متخاصمین حرام‌است.

مورد دیگری برای وجوب تجدیدنظر ذکر شده‌است و به نظرمیرسد که نقل عبارت شرایع دراین‌مقام مناسب است. "لوقضی الحاکم‌علی غریم بضمان‌مال وامر بحبسه فعند حضور الحاکم الثانی، ینظرفان کان الحکم موافقا" للحق لزم والاابطله سواءکان مستندالحکم قطعیا" اواجتهادیا" یعنی چنانچه حاکم اول، محکوم علیهرا بدون تشخیص دهد و بپرداخت مال نابینی‌بردهمان حکم کند وامر به حبس اونماید‌هنگامیکه حاکم دوم، حوزه قضائی حاکم‌اول راتحویل میگیرد، درحکم حاکم‌اول تجدیدنظر مینماید که اگرحکم اوموافق حق‌باشداینجا هرگونه ابطال در این جهت فرعی نمیکند کمدرک حکم حاکم ثانی قطعی مانند اجماع‌وخبرمتواتربااجتهادی باشد خیرواحد واجماع منقول باشد" ترجمه وتوضیح عبارت شرائع.

شهید ثانی درمسالک ازاین‌عبارت وجوب تجدیدنظر را استنباط فرموده وصاحب جواهرنیزابتدا" تعیین پرداخت رادارد‌وحتی میفرماید که عبارات فقهاء درمبحث آداب قضاوت ظهور دارد که وجوب تجدید نظر درشان زمامداریها یکامرمسلم وقطعی است پس دروجوب تجدید نظر دراین موردااشکال میکند وسپس میگوید: بدیهی‌و محسوس بودن محکوم علیه ازاثار حکم اول است که رد‌آن‌حرام است مگرآنکه گفته شود مراد محقق صاحب‌شرائع درمورثی است که طرفین بتجدید مرافعه رضایت داده‌اند ودراینصورت نیز تجدید نظرجائز است‌نه واجب وناگفته نبود: که ثبوت حق نزد حاکمی ملازمه باثبوت آن‌نزدحاکم دیگر ندارد و از آنجائیکه حاکم دوم درمقام استیفاء حق از محبوس به نفع له است بنابجار باید حق بودن دین نزداوثابت شود تااستیفاء حق ممکن گرددچه آنکه بدون احراز حق، موضوع استیفاء منتفی است و روشن است که‌احراز موضوع استیفاء برای حاکم دوم، منوط بتجدید نظراست وبااین تعبیر میتوان گفت که تجدیدنظر مربوط رد بر حکم حاکم اول نیست، بلکه‌مقدمه‌ای است برای استیفاء حق دائن از مدیون و بعبارت دیگر وجوب تجدیدنظر دراین مورد از سنخ وجوب مقدمی وغیری‌است که ذی‌المقدمه، استیفای حق طلبکاراز‌بدهکاراست، ولی این بیان نیزبرای تصحیح وجوب تجدید نظر دراینمورد قانع‌کننده نیست زیرا تنفیذ حکم حاکم اول برحاکم دوم واجب‌است علیهذا جاری‌ای جز این نیست که‌این عبارت شرایع رابرجواز تجدیدنظرحمل کنیم نه بروجوب "ترجمه وتوضیح عبارت جواهر".

ازعبارت جواهر که نقل شدبر میاید که‌تنفیذ وامضاء حکم حاکم اول مطلقاً" برحاکم ثانی واجب است‌لیکن به احتمال قوی مرادآن بزرگوار اطلاق و وجوب تنفیذ درهمه موارد نیست بلکه‌زمانی که ضرورت اقتضاء کند تنفیذ واجب است لذا مرحوم سیدطباطبائی قدس‌سره درعروةالوثقی چنین میفرماید: "بجوزله امضاء ومنع‌کونه اهلاً" عنده بل ندبجب.

یعنی: (برحاکم دوم‌جائزاست‌که‌حکم حاکم اول را در صورتیکه او را جامع‌الشرائط میداند تنفیذ وامضاء نماید) در بارهای ازموارد نتیجه حکم حاکم اول برحاکم دوم، واجب است اسناد بزرگوارحجةالله‌البالغه امام خمینی مدظله در تحریرالوسیله چنین میفرماید:

تنفیذ حکم حاکمی که اهلیت قضاوت دارد، برای حاکم دیگر جائز است نه‌دراینکه در مستند حکم او تشکیک کندولی جائز نیست بدون آگاهی بموافقت اجتهاداو با اجتهاد حاکم اول، درمورد‌ی بروتو حکم اوحکم دهد"

ادامه‌دارد

نامه دکتر لاهیجی ...

از صفحه قبل

اولا - آیا این سند در پرونده اتهامی موکل وجود دارد یا خیر؟ ثانیا - چنانچه در پرونده موجود است چرا در کیفرخواست بآن اسناد نکرده‌اند؟ ثالثا - چرا سند یا حداقل فتوکپی آنرا قبل از محاکمه موکل یا انتخاب ارائه نداده‌اند و شاید بلحاظ وجود اسناد سری این چنین پرونده‌را دراختیار ما نگذاردند. رابعا - دادستان باسناد چه قانونی وبطانی چه مجوزی غیر از دلائل کیفرخواست بدلیل دیگری‌تمسک میکند اتهام دلیلی که بکمال دراختیار دادسرا بوده و ابرا مکتوم داشته‌اند؟ خامسا - دیگر درهمین سند گذائی خبرنگاربودن فردروسی بتصریح و تائید شده است چرا درکیفرخواست از او بعنوان دیپلوماتیک سفارت سوروی در تهران نام نبرده‌اند؟ سادسا - دادستان انقلاب بچه مجوز شرعی یا قانونی سندی را که توسط یک جاسوس دیگر یعنی یکی از اعضای لانه‌جاسوسی آمریکا تهیه شده است بعنوان دلیل و مدرک تلقی میکند؟ این‌معلوم است که از نظر سفارت آمریکا هر فرد روسی که در ایران سر میبرد جاسوس و عضو کا.گ.ب است ولی چرا تشخیص لانه جاسوسی آمریکا باید برای دادستان انقلاب حجت باشد؟

درهرحال آنچه که دربالا آمد خلاصه‌ایست از مخالفات و تعدیات و مطالبی که متصدیان دادسرا و دادگاه ویژه انقلاب تهران درجریان محاکمه موکل مرتکب شده‌اند و هرچه سعی درکتمان و اخفاء آنها داشته باشند نه نفس از دیدگاه خدا و خلق و تاریخ مکتوم و مخفی نخواهد ماند و شما اعضای شورایعالی قضائی اگر درقبال اینهمه قانون - شکنی و تعدیاتی احساس تکلیف می‌فرمائید بایدهرچه زودتر دستور تعطیل و توقف این محاکمه را صادر نمائید. عرضحال را با آیه‌ای از قرآن‌کریم بپایان میبرم:

یا ایها الذین امنوا کونوا قوامین‌لله شهداء بالقسط ولایجرمنکم شنان قوم‌علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی و اتقوا الله ان الله خبیر بما تعملون.

با تقدیم احترام

لاهیجی

مابقی دفاعیات سعادتی

از شماره پیش

سعادتی: آن جور که شما می‌گوئید که من میدانستم این فرد جاسوس است من نمی‌دانستم، قبلا" گفتم یک خبرنگار سوروی یا یک خبرنگار غربی فرق نمیکند چون این خبرنگار از سایر خبرنگاران فرق میکرد.

دادستان: در سالهای ۴۷ و ۴۸ که در ذوب‌آهن اصفهان کار میکردید آیا با مهندسین و تکنسین‌های روسی تماس داشتید؟

سعادتی: شما چه قضاوتی دارید؟

حاکم شرع: شما در بازجوئی گفته‌اید آنها احتمالا" شما را می‌شناسند.

سعادتی: بخیر اینجوری نیست.

دادستان: از نظر من ارتباط شما و جاسوس شما صددرصد است و مورد اعتماد کا.گ.ب قرار گرفته‌اید و.... بعد دادستان‌اشاره به عینکی کردند که از سعادتی بدست آمده است و گفت که این عینک را از مسجد بدست نیاورده‌اید که؟ مگر نماز شب.....؟

حاکم‌شرع خطاب به دادستان: آقای دادستان شما به نماز شب کار نداشته باشید.

سعادتی: این عینک ساده‌ای است. سازمان مجاهدین وسائل پیشرفته‌تری دارد. و این شیوه‌ای که شما دادستان پیش گرفته شیوه غریب است. سازمان مجاهدین در مقابله با ساواک راههای کوتاکوتی داشت و این عینک هم متعلق به سازمان است.

دادستان: سازمان از کجا تهیه کرده است.

سعادتی: تیلیغاتی که دادستان میکنند که مثلا" ۲۰۰ متر.... هر دو این وسیله عینک و آن وسیله هم متعلق به سازمان است و میتوانید از سازمان بپرسید.

دادستان: سازمان از کجا بدست آورده است. سازمان متهم به تصرف عدوانی است شما به چه‌حق مصادره کرده‌اید

سعادتی: ما اصلا" بوجود مصادره کرده‌ایم. ما حق حیات داریم.

حاکم شرع: تنها قانونا" حق مصادره ندارید کتاب دارید. کنفرانس دارید و...

سعادتی: زندانی هم دارد.

حاکم‌شرع: من یکبار هم گفتم مگر کسی در زمان شاه به زندان رفت حالا اگر اتهام داشت نباید به زندان برود؟ حالا اگر جرم داشته باشید محکوم می‌شوید وگرنه تبرئه می‌گردید.

سعادتی: من میگویم چون از مجاهدین خلق هستم در زندان هستم.

حاکم‌شرع: موسی خیابانی و مسعود رجوی باید در دادگاه حاضر باشند البته موسی خیابانی که می‌بایست بیاید.

دادستان: هر کس تخلف کند باید در زندان باشد هم‌اکنون پاسدارانی در زندان داریم که تخلف کرده‌اند. بنابراین حال میخواهد این پاسدار یا مجاهد باشد و یا غیرمجاهد.

سعادتی: اموالی که در دست سازمان است دولت میداند"... آیامن از ذوب‌آهن نشان‌ندهام؟

آیا من بخاطر خدا و خلق مبارزه کرده و زندان کشیدم. حضرت علی(ع) در نامه ۲۳ نهج‌البلاغه هم میگوید جاسوس من در مغرب (جنس می‌گوید.....). این امر آگاه کردن حضرت از توطئه‌ها... چه بسا کسانی جاسوسی و خیانت تلقی کنند. این حرکت جاسوسی نیست. بلکه در حفظ نظام است. نوشته من همچنین ویژگیهایی دارد و جوهر و ماهیت این حرکت را نشان میدهد. کسب اطلاع از سفته‌های سیا و در اختیار امام و دولت‌قرار دادند.

حاکم شرع: قبلا" باید اجازه می‌گرفتید.

سعادتی: مسئله آنچنان مهم و حساس نبود و با توجه به آن شرائط انقلابی که میهن ما داشت وظیفه هر سازمان انقلابی است که تلاش کند که از فعالیتهای سیا اطلاع پیدا کند. بخصوص سازمان مجاهدین..... خوب اگر دولت وقت می‌گفت که چنین کاری را بکنند این فرق میکند.

حاکم‌شرع: این‌جور ارتباط لطمه میزند.

شما باید از دولت و رهبری اجازه می‌گرفتید.

گفتگوی اختصاصی با حجة‌الاسلام محمدباقر حکیم

وقتی خلقی مصمم شود و ایمان بخدا داشته باشد میتواند بدون داشتن سلاحی، قوی‌ترین رژیمها را سرنگون سازد

چندی پیش بمنظور بررسی اوضاع و تحولات عراق با حجت‌الاسلام محمدباقر حکیم به گفتگو نشستیم که متن آن در زیر از نظر خوانندگان میگذرد:

س ـ ممکن است درمورد تاریخچه حرکت اسلامی در عراق توضیحاتی بدهید؟

حجت‌الاسلام حکیم: تاریخچه مبارزاتی مردم عراق ازچندجهت قابل بررسی است از نظر انقلاب اسلامی عراق باید به گذشته و تاریخ جنبش اسلامی عراق مراجعه‌نمود:

پس از فوت آیت‌الله بروجردی، آیت‌الله محسن حکیم مرجعیت شیعیان عراق را عهده‌دار گردید که‌این‌امر نقطه عطفی در جنبش اسلامی عراق محسوب میشود. چرا که ایشان توانستند درمیان مسلمانان و بخصوص شیعیان جهت سیاسی و اجتماعی عمیق‌تری بوجود آورند. اگرچه قبل از آن درمیان سنی‌ها، اخوان‌المسلمین و حزب‌التحریر فعالیت داشتند اما مرجعیت آیت‌الله حکیم موجب‌بوجودآوردن روح جدیدی برای برقراری سیستم حکومتی اسلامی دراین حرکت گردید. بخصوص در اواخر حیات ایشان‌این امر بیشتر بچشم میخورد.

در اواخر حیات مرحوم حکیم، ایشان بمقابله با دشمنان اسلام پرداختند که این‌وضعیت برای استعمار ودستنشاندگانش غیرقابل تحمل بود و عاملی گردید تاکودتای رژیم بنام‌حزب بعث صورت گیرد.

درسال ۱۹۷۰ میلادی فوت آیت‌الله حکیم شکستی برای جنبش اسلامی عراق گردید و یکحالت خمودی دراین جنبش پدید آورد. اما پس از انقلاب اسلامی ایران‌تحرکی دوباره درمبارزین مسلمان عراقی ایجادگردید.

انقلاب اسلامی ایران این‌موضع را درعراق احیاءنمود که وقتی خلقی مصمم‌شود و ایمان‌بخدا داشته باشد میتواند بدون داشتن سلاحی، قوی‌ترین رژیمهای طاغوتی را کنار سوی کشورهای خارجی حمایت‌میشوند، سرنگون سازدودر حقیقت انقلاب ایران نقطه عطفی درروحیه برادران عراقی بوجود آورد.

س ـ بنظر شما علت شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران چیست؟

حجت‌الاسلام حکیم: پس از انقلاب اسلامی ایران، جنبش اسلامی عراق روزبروز شدت‌بیشتری گرفت ومنجر به شهادت صدها نفر و شکنجه و تبعید مبارزان بسیاری‌گردید تا اینکه رژیم صدام برای حفظ منافع خود واربابانش و کمترین حقوق مردم‌عراق را نیز رعایت نمیکندوفشارهای وارده برمردم عراق سبب گشته ناچیزراهی‌برای‌بیوستن مردم برژیم باقی نماند.

اما برای‌اینکه این‌جنگ بنفع دوانقلاب‌خاتمه‌یابد انقلابیون ایران باید بایک ابتکارعمل این‌جنگ را خاتمه دهند که این‌ابتکار عمل باید دردوجهت صورت‌گیرد.

۱ ـ واردآوردن ضربه‌مهلکی به ارتش‌عراق

۲ ـ همکاری جدی با انقلابیون عراق جهت سرنگونی صدام.

س ـ احتمال رویاروئی مستقیم نیروهای خارجی‌را در این‌جنگ چگونه می‌بینید؟

حجت‌الاسلام‌حکیم: بنظرما‌این‌جنگ‌جنگی‌میان‌منافع امپریالیستها از یکسو و خلقهای مردم منطقه از سوی دیگر است. اما در حال حاضراحتمال دخالت مستقیم ابرقدرتها وجود ندارد زیرا که ابرقدرتها از طریق دخالت مخفیانه و غیرمستقیم خود بهتر میتوانند به منافع خود دست‌یابند اما در صورتیکه عوامل جدیدی در این جنگ پدید آیند، چنین‌امکانی وجود خواهد داشت.

س ـ نقش‌احزاب و سازمانها در حرکت مردم عراق چه بوده است؟

حجت‌الاسلام حکیم: در درجه اول باید گفت که مرجعیت وروحانیت عراق نقش‌به‌سزائی در هدایت و تحرک جنبش اسلامی عراق داشته‌اند ولی نباید نقش‌احزاب و گروهها را در این رابطه نادیده گرفت زیرا که احزاب و گروهها که اکثر آنها احزاب اسلامی بودند به رشد سیاسی مردم کمک بسیاری کردند و نقش بیشتام را در این رابطه عهده‌دار بودند.

س ـ در صورت سقوط صدام، آیا بنظر شما جناح دیگری از حزب بعث زمینه بقدرت‌رسیدن را دارد؟

حجت‌الاسلام حکیم: شکی نیست که استعمارگران و دشمنان اسلام در صورتیکه قادر به حمایت از رژیم‌های حافظ منافعشان نباشند، سعی میکنند تا در هیئت حاکمه تغییراتی (ظاهری) بوجود آورند و رژیم وابسته دیگری را روی کار بیاورند. چنانچه در ایران نیز قبل از پیروزی انقلاب چنین کردند. اما مردم عراق چنین تغییراتی را قبول نخواهند کرد و تا بروی کارآمدن حکومت اسلامی در این کشور ایستادگی خواهند نمود و این امر مستلزم رعایت دوموضوع ذیل است:

۱ـ احساس مسئولیت و آگاهی نسبت به انقلاب.

رژیم بعث عراق برای انحراف افکارعمومی از اوضاع داخلی کشور ش دست به جنگ تحمیلی علیه جمهوری اسلامی ایران زد

۲ـ متحدشدن کلیه صفوف مبارزین و جلوگیری از تفرقه و تزلزل درجبهه مبارزه.

س ـ نقش حوزه علمیه نجف در این رابطه چیست؟

بنظرمیرسد که روحانیون وعلمای حوزه نجف چندان فعالیتی ندارند و سکوت اختیار نموده‌اند.

حجت‌الاسلام حکیم: علت این امر آن است که در عراق اکثریت علما و روحانیون مبارز یا در زندان هستند یا شهید شده‌اند و یا مجبور به هجرت گشته‌اند. و آنهائی که مانده‌اند فعالیت مخفی میکنند در حقیقت مبارزه بیشتر بصورت مقاومت منفی و عدم مشارکت در زندگی سیاسی رژیم بوجود میباشد.

مردم نیز متوجه شده‌اند که عدم شرکت آنها خود نوعی مبارزه و مقاومت است. در این جنگ نیز رژیم برعلما فشار آورد تا آنها اعلامیه‌ای علیه امام خمینی منتشر سازند که این امر بعلت مخالفت علما به شهادت آنها منتهی گردید که از جمله محمدطاهر حیدری را میتوان نام برد که اخیرا به شهادت رسیده است.

افشای یکی از اسناد سری آمریکا درمورد تحولات اخیر ایران

بیروت ـ خبرگزاری پارس ـ روزنامه نشرین چاپ سوریه مورخ ۵۹/۸/۲۲ یکی از اسناد سری آمریکا را که از کاخ سفید در پاسخ به یادداشت وزارت خارجه آمریکا صادر شده بود انتشار داده است.

متن این سند بشرح زیر است:

کاخ سفید ـ واشنگتن ـ سری

یادداشت برای وزیرخارجه ـ در ۶ اوت ۱۹۷۹:

رئیس جمهور یادداشت مورخ ۱۸ جولای شما را که درباره اتخاذ تصمیمات فوق‌العاده درباه تحولات ایران بود مطالعه کرده و به شما اجازه میدهد تا در عملی که در اختصاص وزارت خارجه بوده و هدف آن تغییر در تحولاتی است که ایران شاهد آن است، اقدامهای مربوطه را اتخاذ کنید.

رئیس جمهوری عقیده دارند که این عمل باید با هماهنگی وزارت دفاع و آژانس "سیا" مرکزی و سایر آژانسها و دفترهای ویژه صورت گیرد. ضمنا" رئیس جمهوری همچنین ضرورت استفاده از محیط شک و بی‌اعتمادی که میان ایرانیان و همسایه‌های آنان برقرار میباشد را یادآوری کنند.

در ادامه سندآمده‌است: رئیس جمهور معتقد است برای ضعیف کردن سیاست خارجی‌جمهوری‌اسلامی ایران باید جلوی حامیان رژیم جمهوری اسلامی و آیت‌الله خمینی گرفته شود.

رئیس جمهوری یادآور میگردد‌شد که به‌صورت خلوت هر گونه تحولات پیش‌بینی نشده در آینده باید با کلیه رهبران گروههای سیاسی حتی با گروههای تندروی چپ که علیه رژیم آیت‌الله خمینی شورش میکنند تماس حاصل کرد. ضمنا" رئیس جمهوری اجرای دقیق و حساس این همکاری را درمد نظر خود قرار داده و مخالف هر گونه تماس با رهبران دینی و سیاستمداران رژیم جمهوری‌اسلامی بدون انجام مشورت قبلی با مدیران سیاسی میباشد.

نماینده شوروی در کنفرانس امنیت اروپا

مسئله افغانستان ناشی از افزایش مسابقه تسلیحاتی غرب است

مادرید ـ آسوشیتدپرس: اتحادشوروی دیروز مسئله افغانستان را نتیجه افزایش مسابقه تسلیحاتی غرب دانسته و علیه مداخله در امور داخلی این کشورهشدار داد.

لئونیدایلیچف رئیس هیئت نمایندگی شوروی در کنفرانس امنیت اروپائی گفت با هرگزدادن‌نسبت‌های ناروا به افغانستان از هر سو که باشد را نمی‌پذیریم.

وی همچنین اتهامات جهان غرب را در مورد نقض موارد حقوق‌بشر و نیز موافقت‌های هلسینکی از سوی شوروی را رد کرد و افزود کشورش همواره به حقوق‌بشر و آزادیهای اساسی احترام میگذارد.

رئیس هیئت نمایندگی شوروی در کنفرانس مادرید پیرامون دفاع از اقدامات شوروی گفت برخی ازنیروها کوشش کردهاند مسایل حساس و مشخص‌جهان را به اروپا بکشانند.

شکاف عمیق دربین مقامات عالیرتبه رژیم بعث عراق

تهران ـ خبرگزاری پارس ـ هفته‌نامه فارین‌ریپورت‌چاپ لندن‌در آخرین شماره خود طی‌گزارشی‌درباره‌مخالفت‌های داخلی‌درعراق‌نوشته است:

سرنوشت عراق در کسب پیروزی سریع در جنگ هم اکنون‌اثرات سیاسی خود را در بعداد ظاهر کرده‌است. گرچه‌تابحال از صدام‌حسین انتقادی نشده، اما مشاور اصلی وی طارق عزیز طی دهروز گذشته مورد حمله شدید قرار گرفته‌است.

طارق عزیزکه‌مسئول سرویسهای امنیتی عراق است از سوی سایر اعضای شورای حکومتی عراق متهم به کشاندن عراق به یکجنگ‌نامعلوم و بی‌پایان‌شده‌است. سردسته انتقادکنندگان وزیر دفاع، رئیس ستاد ارتش و سایر افسران ارتش و وزیر خارجه این‌کشورند. مهمترین‌حامیان طارق عزیزورئیس‌ضداطلاعات ارتش عراق هستند. انتقادکنندگان، طارق عزیزرا به خاطر کسب‌اطلاعات نادرست درباره‌توانائی‌مقاومت ایران قابل سرزنش میدانند. سرویسهای اطلاعاتی عراق تنهاها نتوانستند ارزیابی صحیحی از موقعیت نظامی ایران بعمل آورند بلکه پیش‌بینی کرده بودند رژیم جمهوری اسلامی ظرف ۴۸ ساعت از آغاز حمله عراق سقوط خواهد کرد. نگرانی دیگر عراق افزایش‌وقایع در رابطه با شیعیان این کشور است.

تابعانی درباره مبارزه شیعیان عراقی منتشر شده بطوری‌که برخی واحدهای ارتش از ترس شیعیان از جنگیدن در شهر خودداری می‌کنند.

مثلث فرانسه، عربستان وعراق

تهران ـ خبرگزاری‌پارس ـ هفته نامه فارین ریپورت چاپ لندن در آخرین شماره خود طی گزارشی تحت عنوان "مثلث فرانسه، عربستان، عراق" می‌نویسد:

عراقیها از عربستان تقاضا کردند در طول جنگ عربستان از مشتریان نفتی این کشور مواظبت نماید. بر اساس این طرح عربستان مقادیری از افزایش تولید نفت خود را به خریداران عمده نفت عراق مانند فرانسه و برزیل فروخته و درآمد حاصله را به عراق قرض میدهد تا عراق پس ازخاتمه جنگ این پولها را بازپرداخت نماید.

فرانسه به عربستان برای قبول این طرح فشار آورده و گفته در این صورت کمکهای نظامی بیشتری به عربستان خواهد داد.

گزارش آنگاه به پیشنهاد پرنس فهد برای ملاقات محرمانه با رئیس جمهور فرانسه در این مورد اشاره کرده و می‌نویسد این ملاقات در آخرین لحظه به درخواست فهد لغو گردید

سادات پادشاه اردن را دلقک خواند!

دفتر مرکزی خبر از بیت‌المقدس ـ انورسادات در مصاحبه‌ای با سرورزنامه فلسطین اشغالی، شخص شاه حسین پادشاه اردن را مورد حمله قرارداد و وی را دلقکی منحصر به جمع‌کردن پول که برای تظاهرات علی‌گرایانه‌اش مشغول است توصیف کرد. سادات گفت: شاه‌حسین از کشورهای‌عرب که همان نقش او را ایفاء میکند، ۱/۳ میلیارددلار دریافت کند. سادات‌تاکید کرد حاضرنیست درمرحله کنونی گفتگوئی بین رژیم اشغالگر قدس ومصر با شاه حسین همکاری کند. وی‌گفت: پیش از آنکه رژیم‌اشغالگر قدس و مصر و آمریکا برسر ایجاد یک منطقه باصطلاح خودمختار برای فلسطینی‌ها در کرانه باختری رودارن و غزه به توافق رسندمناسب نیست بماردن دراین‌مرحله به اصطلاح صلح‌نقشی برای بازی به او داده شود.

سادات گفت: موضع رونالدریگان درموردا‌عطای نقش حساس بشاه‌حسین‌در مرحله کنونی برای تلاشهای صلح زیانبخش است.

بمباران قندهار

اسلام آباد ـ یونایتدپرس: سخنگوی سازمان اسلامی اتحاد برای آزادی‌افغانستان مقیم اسلام‌آباد دیشب‌گزارش داد جنگنده‌های بمب‌افکن شوروی و هلیکوپترهای‌توپدار این کشور شهر قندهار را وحشیانه بمباران کردند. این سخنگو افغانی اضافه‌کرد در این یورش، تعداد بیشماری غیر نظامی کشته شدند. به گفته این سخنگو حمله هوائی علیه قندهار دوشنبه گذشته صورت‌گرفته است مسلمانان دوهفته قبل کلیه بودند کنترل قندهار را در اختیار دارند

اخبار کوتاه جهان

کیسینجر سرپرستی هیئت آمریکائی را در گفتگوی خودمختاری فلسطین بعهده گرفت

قاهره ـ خبرگزاری فرانسه ـ روزنامه نیمه رسمی‌الاهرام چاپ قاهره گزارش داد. هنری‌کیسینجر وزیر امور خارجه پیشین امریکا به جای سل‌لیفووینس سرپرستی گروه امریکائی شرکت کننده در گفتگوهای خودمختاری فلسطینی‌ها را به‌عهده خواهد گرفت.

الاهرام تصریح میکندکه‌کیسینجر در همین زمینه دستوراتی از رونالد ریگان رئیس‌جمهور منتخب آمریکا دریافت داشته است ظاهرا ایالت متحده درصدد دنبال کردن استراتژی تازه‌ای درقبال این گفتگوها میباشد.

زلزله درهفته گذشته ۵۲ بار پرو را به لرزه درآورد

"پرو" آسوشیتدپرس ارپرو ـ نشریه گفته آگاهان دولتی این هفته نزدیک به ۵۲ بار دربخش‌جنوبی پرو زلزله‌هایی بوقوع پیوسته وحداقل ۷نفر کشته وهزاران نفر بی‌خانمان گشته‌اند.

موسسه زلزله‌نگاری درشهر هوانکایو که در ۳۱۴ کیلومتری شرق لیما قراردارد ۳۴ تکان را ازدوشنبه گذشته ثبت نموده‌اند که ۱۱زلزله نسبتاشدید بوده‌است.

آزمایش هسته‌ای آمریکا

واشنگتن: خبرگزاری فرانسه ـ سخنگوی دولت ایالات متحده اعلام کردکه این کشور دیروز در عمق زمین در صحرای نوادا دست‌به انجام یک آزمایش اتمی زده‌است.

مقامات رسمی گفتند قدرت تخریبی این بمب حدود ۲۰هزار تن بوده و چهاردهمین بمب هسته‌ای است که به وسیله آمریکا درسال جاری‌مسیحی آزمایش میشود و روسیه دراین مدت ۸آزمایش هسته‌ای انجام داده‌است.

زدوخورد میان جبهه دمکراتیک ملی یمن شمالی ونیروهای دولتی

عدن ـ خبرگزاری فرانسه ـ براساس اطلاعیه جبهه دموکراتیک ملی یمن شمالی از پانزده روز پیش ناگسون نبردهایی بین ارتش منظم یمن شمالی ونیروهای این جبهه در نقاط‌مختلف کشور جریان داشته است.

این جبهه دراطلاعیه خود گفته‌است طی این زدوخوردها که ارتش یمن شمالی از نیروی هوایی توپخانه و تانک کمک گرفته‌است، بسیاری کشته وزخمی شده‌اند.

این جبهه‌همچنین فرماندار نظامی ناحیه‌ای را به خودداری از آتش بس وبه آتش کشیدن مزارع ومساکن دهقانان طرفدار این جبهه متهم کرده‌است، درپایان اطلاعیه مذکور آمده‌است این جبهه درنگرادامه گفتگو با مقامات یمنی میباشدولی‌حق‌دفاع‌ازخودرا نیز قائل است.

ضد پنجری شیمکس
CHIMEX
پدیده‌ای شگفت‌انگیز که عادت‌های قدیمی لاستیک‌شما را از پنچرشدن درامان نگهمیدارد
جدید
«پنچری» وسایط نقلیه (اتومبیل ـ موتورسیکلت ـ دوچرخه) چه در حال حرکت و چه بهنگام توقف، دردسر و مشکل بزرگی است که رانندگان همیشه با آن سروکارداشته‌اند.
کارخانجات صنایع شیمیائی (شویش) برای حل‌این مشکل و رفع این دردسر «شیمکس» را به بازار عرضه کرده است.
* «شیمکس» با برخورداری از خواص فیزیکی ـ شیمیائی، عمل (آلیاژ) (پنچرگیری) را بطور خودکار در لاستیک انجام میدهد.
* ورود «شیمکس» در لاستیک هیچگونه تغییری در حرکت طبیعی وسیله نقلیه بوجود نمیآورد. درباد لاستیک تاثیر نمیگذارد. بالانس چرخها را بهم نمیزند.
* «شیمکس» بصورت لایه محافظی جداردونی لاستیک را میپوشاند و درصورت ورود (پنچری) خارهای داخل لاستیک، مقداری از ماده «شیمکس» را درمورد سوراخ پنچری فرورده و مانع پنچری را برای همیشه مسدود میکند.
* «شیمکس» درون لاستیک هرگز خشک نشده و خاصیت خودرا هیچوقت از دست نمیدهد.
* از همین امروز یک «شیمکس» در اتومبیل خود داشته باشید
CHIMEX
نماینده توزیع‌کننده در ایران: (حاج عرب‌نژاد)
خیابان خاوران، ایستگاه آفارضا، تلفن: ۳۵۹۲۹۵
نماینده فعال درشهرستانها پذیرفته میشود

قلم انداز

دیدی که چگونه گور بهرام گرفت؟

"لقد کان فی قصصهم عبرة لاولی الالباب"
"همانا در داستانهای ایشان عبرتی برای خردمندانست"
(قرآن مجید)

اگر خاطرتان باشد بیشترها ماشینهای تصادفی را در جاده‌ها به نمایش می‌گذاشتند و کنارشان هم تابلوئی که روش نوشته بود "ببینید و عبرت بگیرید"!! ولی دل عبرت‌بینی پیدا نمیشد، چرا که قابلیت عبرت‌گیری سه خیلی لوازم و اسباب و زمینه‌ها نیاز داشت که این صحنه‌ها منجمله کوچکترین و آخرین آنها بود. و همین بود که اکثر قریب به اتفاق رانندگان وقتی این ماشینهای مچاله و بعضاً پست و رو شده را میدیدند همان دم کمی سست میگردید و تاثری هم نثار، و جای "عبرت"، سالفی "ترس"! می‌اندوختند و آرام می‌گذشتند. و همین که این نمایشگاه دلخراش را در آینه‌ای که پیش رو داشتند نمیدیدند بوضعت فراموشی سریعاً" بدادشان میرسید و ترسشان را می‌زدود و دوباره دود میگردید و چون باد می‌رفتند. این فراموشی آنچنان زود سر میرسید که آدم شک میکرد که اگر برای تماشای این صحنه‌های دلخراش نبود، شاید آن چند لحظه را هم دست از سرعت‌اندوزی برنمیداشتند.

آدمها همیشه همینطورند، همیشه فکر می‌کنند که "مرگ مال همسایه است" و اینها زرنگتر از همسایه!! تعجب اینست که آدمها همه تصور میکنند که از بقیه زرنگترند و فارغ از اشتباهات و اشکالات همه دیگران؛ اما اگر این زرنگی همه بود شاید که کار جهنم خیلی کساد میشد!! و میدانیم که نمیشود.

حالا طاغوت هم برای ما حکم ماشین تصادفی ومحاله شده‌ای را یافته که شاید تنها حسنش همین عبرتی باشد که "میشود" از آن گرفت! و میشود هم نگرفت!! این دیگر بخود ما مربوط است و هیچ تعهد و ضمانتی هم، جز دیده‌ٔ بینای خودمان، نیست که ما خود مایهٔ عبرتی برای آیندگان و روندگان دیگر نباشیم. خدا با هیچکس قوم و خویش نیست.

قصه از قراری که برادرمان برایمان نوشته اینست که اخیراً "آن طفلک مهجور! رضا پهلوی، گویا بهمراه مادرش! و بهمت آخرین حواری طاغوت! بختیار، برای مصاحبه‌ای در تلویزیون فرانسه ظاهر شده و ضمن حملاتی به بزرگان و سکانداران انقلاب و جمهوری اسلامی‌مان، اعلام کرده بود که حاضر است!!! مسئولیتهای پادشاهی را برعهده بگیرد!! غافل از اینکه برای نقل!! این مسئولیت عظیم! آدم کم نیست!؟ این الههٔ هوش چرا هنوز بهوش نیامده، و بزور چقدر دوا و دکتر توانسته این مصاحبه را با موفقیت!! برگزار کند، خدا میداند. علی‌الحال، پس از او مادرش، مسلماً "صمیمیت و صداقت!! همان نوبه نامهٔ کذائی طاغوت، آخرین سفارش و وصیت طاغوت را خوانده؛ او از "ملت ایران" استدعا کرده بوده که به "قانون اساسی" احترام بگذارند!!! حیرت‌انگیز است. طاغوت آگاه نوبه کرده که دیگر فرصت شکستن آن را نداشته!!! و با کنایه دستی روشن چراغ ریخته را وقف امامزاده کرده! این وصیت هم فال است‌هم تماشا! و علاوه بر عبرت‌آموزی، ازچندین جهت دیگر نیز تحسین‌برانگیز است! منجمله اینکه، بیخود ایمانمان را سوزانده‌ایم! و طاغوت به "قانون اساسی" را فراموش کرده بوده و نه "ملت ایران" را!!!

ولی گویا بخاطر کم‌حافظگی ناشی از عادت دیرینهٔ قراءت مقرط از قانون!! اشتباه تایپی‌ای در ذهنش پیش آمده و "احترام به قانون اساسی" را به "ملت ایران" توصیه میکند!! نه به "دولت ایران"! درست است که در نهایت‌امر "ملت" است که خود ضامن حسن اجرای تمام قوانین است و در این راه مشترکاً و منفرداً" مسئولیت دارد، ولی گویا قرار دبیرست‌بر اینست که "دولت"ها مسئول اجرای قانون‌اند و قانون اساسی، و احترام به قانون دقیقاً" یعنی حسن اجرای آن.

بهرحال، از طاغوت در این زمینه بیشتر از این انتظار نمیرفت که حتی دم مرگ نیز دولت را از احترام به قانون اساسی بی‌نیاز بداند!! ولی از آنجا که خدا هیچ مجلوقی را بی‌فایده خلق نکرده، شاید که تنها فایدهٔ طاغوت هم همین باشد که بالاخره توانسته با بیان راز موفقیت!! خود، بطور نقی‌ای موضوعی باشد برای عبرت یافتن‌ما. شاید که لقمان‌های ما از این بی‌ادب تاریخ ادب مردم‌داری و احترام به قانون بیاموزند. انشاءالله

والسلام

برنامه‌ریزی برای آموزش گروه پزشکی

بسمه تعالی

ستاد انقلاب فرهنگی منتخب امام در اواسط مردادماه گروه پزشکی ستاد را بمنظور برنامه‌ریزی برای آموزش گروه پزشکی انتخاب کرده وگروه نیز کمیته‌ها و شاخه‌های خود را در رشته‌های مختلف علوم پزشکی در اواسط شهریورماه تشکیل داد. شاخه پزشکی مرکب از دونفر جراح، یک متخصص بیهوشی، دو متخصص کودکان و نوزادان، یک متخصص داخلی، فقد مترشحه داخلی و طب هسته، یک خواهر و یک برادر دانشجوی پزشکی بمطالعه کلیه طرحها و پیشنهادهای رسیده پرداخت و پس از طی سلسله مراتب خود به همراهی گروه پزشکی که شامل چند پزشک داروساز دندانپزشک، پرستار، پیرا پزشک و دانشجو و وزارتی علوم و آموزش عالی، بهداری و بهزیستی میباشند، اصول آموزش پزشکی را تدوین و بنظر ستاد انقلاب فرهنگی رسانید این طرح ذیلاً جهت اطلاع عمومی و نظرخواهی از صاحبنظران منتشر میگردد.

در جریان بررسی و برنامه‌ریزی‌های آموزشی گروه به این نتیجه رسید که آموزش پزشکی بدون در نظرگرفتن اصل بیست‌وسهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که برخورداری از وجوه مختلف تامین اجتماعی و از آن جمله خدمات بهداشتی و درمانی را حق ملت میداند، میسر نیست و برای اجرای اصل فوق لازم بود که با در نظر گرفتن معایب هر دو نظام خدماتی وآموزشی طرحی در جهت از بین بردن این معایب ریخته‌شود.

بطور خلاصه معایب آموزش پزشکی عبارتند از:

۱) محصور کردن دانشجو در محیط دانشکده و بیمارستانهای تخصصی و جلوگیری از تماس او با مردم، تدریس بیماریهای نادر و عدم توجه به آموزش مسائل اصلی و بومی کشور و بالاخره تربیت دانشجو برای طب تجملی و سپس رها ساختن پزشک در جامعه مملو از مشکلاتی که با آنها آشنائی ندارد.

۲) آشنا کردن دانشجو بمدت طولانی با فرهنگ غریبه شهر بزرگ و غیربومی که از اشتیاق او برای برگشتن به زادگاه خویش میکاهد.

۳) میل به تخصص گرائی

۴) تماس استاد و دانشجو بعلت اشتغالات استاد در مطبها و بیمارستانهای خصوصی بسیار ناکافی است.

۵) طبیب پس از فارغ‌التحصیل شدن عملاً" از آموزش جدا میشود و در طول مدت طبابت در رکود علمی بسر میبرد.

در برنامه‌های آموزش پزشکی کشور معایب دیگری نظیر تدریس علوم پایه دور از نیاز آموزش بر مبنای القای یک طرفه و بدون تجربه و تحقیق و غیره وجود دارند که رفع آنها لازم ولی بحث در مورد آنها از حوصله این مقاله خارج است.

دربررسی وضع بهداشت و درمان مملکت معایب زیر آشکار است:

۱) کمبود نیروی انسانی و تاسیسات بهداشتی و درمانی وکمبود بودجه و سهم بهداشت در مملکت.

۲) عدم توزیع صحیح نیروهای انسانی و امکانات دیگر.

۳) محرومیت قسمت اعظم جامعه روستائی و گروه کم‌درآمد شهری از ابتدائی‌ترین خدمات بهداشتی و درمانی.

۴) کمبود امکانات و برنامه‌ها برای پیشگیری بیماریها.

۵) عدم مدیریت صحیح در امر بهداشت و درمان.

۶) ناآگاهی مردم و عدم هماهنگی آنها با خدمات پزشکی.

پس از بحثها و بررسی‌های دقیق، شاخه پزشکی باین نتیجه رسید که جهت رفع معایب آموزش پزشکی، انتظاراتی را که ازیک دانشکده میتوان داشت عبارتند از:

۱) قادر به تربیت پزشکانی بصیر و مورد اعتماد باشد که تامین بهداشت و درمان مردم را وسیله‌ای برای رضای خدا و تقرب با و بدانند و با حفظ سلامت انسانها به شکوفا شدن صفات خداگونه در مردم کمک کنند و لذا رسالتی روحانی برای خود قائل باشند. یعنی برنامه‌های پزشکی و تعالیم اسلامی باید بگونه‌ای باشد که انسانهای متعهد و متعالی و آشنا به مکتب (با حفظ حقوق اقلیتهای مذهبی) تربیت نماید.

۲) در رابطه با بهداشت تغذیه و درمان نیازهای موجود و رو به افزایش جامعه را بشناسد و همواره با استفاده از آخرین تحقیقات علمی و ارتباط با مجامع علمی در سطح بین‌المللی برنامه‌ریزیهای خود را بر اساس خودکفائی و برآورد نیازها متکامل سازد.

۳) در برنامه‌های دانشکده پزشکی اولویت به تدریس اصلی و مومی کشور و آموزش بهداشت و تغذیه داده‌شود.

۴) دانشجو را به کل اجتماع و بخصوص شهرهای کوچک و روستاها گسیل دارد و برنامه‌ریزیهایش به گونه‌ای باشد که استاد و دانشجو هیچگاه خود را فارغ‌التحصیل و بی نیاز از مطالعه و تحقیق احساس نکنند.

۵) استادان و دانشجویان بطور تمام وقت و بدون هیچگونه انتقالات خارج بامر تعلیم و تعلم بپردازند.

۶) درمان‌آموزی پزشکان و استادان احساس مسئولیت کرده و شرکت فعال داشته‌باشند.

۷) متعهدبه‌تربیت هیئت علمی مورد نیاز آینده برای آموزش پزشکی باشد.

۸) در مقابل ارائه خدمات بهداشتی و درمانی به مردم صرفنظر از جنبه آموزشی بیمار احساس و طبقه کند.

با توجه به نکات بالا اصول زیر لازم تشخیص داده شد:

۱) تعلیم و تعلم باید توام باشد و بموازات یکدیگر جریان یابد، یعنی معنی که هر فردی در نظام آموزش پزشکی باید ضمن کسب آموزش قادر به آموزش دادن به رده‌های پائین‌تر باشد و در عین حال به مملکت خود خدمت ارائه دهد.

۲) آموزش پزشکی در سطح کشور از نظر کیفیت، مدت و سایر جهات یکنواخت باشد.

۳) مقاطع پزشکی وجود نداشته باشدو کلیه دانشکده‌های پزشکی یکنوع پزشک تربیت کنند.

۴) آموزش پزشکی حتی‌الامکان بصورت منطقه‌ای انجام گیرد و بیشتر دانشجویان از مناطق محروم هر منطقه با ضوابط خاصی برگزیده شوند.

۵) دانشجو از ابتدا از حمایت مالی دولت برخوردار باشد و در حقیقت با ورود به دانشکده پزشکی وارد اجتماع گردد.

پس از بررسی کلیه طرحها، بنظر میرسد که طرح پیشنهادی زیر میتواند کلیه معایب و نارسائیهای بهداشت و درمان و آموزشی را مرتفع کند و انتظارات ما را از آموزش صحیح برآورد.

نظام واحد آموزش، بهداشت و درمان:

ـ آموزش پزشکی و خدمات بهداشتی ـ درمانی هر استان بصورت شبکه‌ای عرضه خواهد شد. هر شبکه مسئولیت امور آموزشی و برنامه‌ریزی خدمات بهداشتی و درمانی را در آن استان بعهده خواهد داشت.

ـ سازمان مرکزی وزارت جدید فقط میان شبکه‌های هماهنگی ایجاد میکند و نظارت بر برنامه‌ریزی کل و ارزشیابی و نظارت بر نحوه اجرای برنامه‌ها را خواهد داشت.

ـ ارائه استانداردهای آموزشی و ایجاد هماهنگی بین رشته‌های مختلف آموزش عالی کماکان بعهده وزارت علوم خواهد بود.

ـ ارائه خدمات بهداشتی و درمانی از روستا آغاز میشود. نظر باینکه بیش از ۶۰ هزار روستا در سطح مملکت موجود است، حضور پزشک در کلیه روستاها عملاً" غیرممکن میباشد و با توجه باینکه ۷۲٪ از شکایات مهم روستا در شش شکایت خلاصه میگردد (اسهال و استفراغ، سرماخوردگی، دل درد، درد اعضاء عوارض پوستی و چشم درد).

یک نفر بامواد که از ماکسین روستا است (مراجعه بشکل) و چندین ماه آموزشهای لازم اولیه بهداشتی و درمانی را دیده است مثلاً" بهورز در خانه بهداشت روستا قادر به پیشگیری و درمان اولیه بیشتر بیماریهای ساده خواهد بود. بیماران پیچیده‌تر به درمانگاه بخش (مرکز بهداشتی و درمانی) که دارای پزشک و وسایل نسبتاً" مجهز است، اعزام میگردند و درصورت لزوم بیمار از آنجا به بیمارستان شهرستان که مجهزتر است، فرستاده میشود و چنانچه به مراقبتهای تخصصی احتیاج داشته باشد به مرکز استان اعزام میشود.

همانطور که از شکل ضمیمه (۲الف) استنباط میشود، در کلیه سطوح، خدمات بهداشتی، درمانی و آموزش پزشکی و پژوهش وجود دارند. دانشجویان سالهای اول و دوم پزشکی پس از آموختن دروس مربوط به بهداشت، تغذیه، کمکهای اولیه و علوم پایه در مرکز استان، به مدت ۳ماه در هر سال در روستاها وبخشهای شهرهای استان با احتیاجات و مشکلات اولیه مردم آشنا شده و در متن اجتماع به آموختن تجربه و ارائه خدمت مشغول میشوند.

آموزش دانشجویان سالهای سوم و چهارم پزشکی شامل فیزیوپاتولوژی و بیماریها و ارائه خدمت ۴ ماهه، سالانه در درمانگاههای بخشها وشهرها میباشد. در دوسال آخر دانشکده پزشکی که دوره کارورزی بحساب می‌آید دانشجویان در بیمارستانهای شهرها و مرکز استان در حین آموزش و تجربه به خدمت مشغول خواهندبود.

در این نظام کلیه پزشکان و دانشجویان بطور تمام وقت به امر آموزش پزشکی و بهداشت و درمان اشتغال برای پزشکان رفاه و امکانات کافی تامین میگردد و درآمد آنها تقریباً" بادرآمد پزشکان خصوصی (که حتماً" تعدیل خواهدشد) یکسان خواهد بود.

برغم ما نظام واحدآموزشی، بهداشتی و درمان که بصورت استانی اداره میشود دارای مزایای بیشماری است و به دلایل زیر قادر است جوابگوی احتیاجات انقلاب اسلامی ما باشد:

۱ـ حضور دائم دانشجو درامصی نقاط کشور و آموزش توام با خدمت او امکان ندارد مگر اینکه مدیریت بیمارستانها و درمانگاههای موجود از جهات آموزش و خدماتی تحت یک پوشش درآید تا از اصطکاک این دوجلوگیری شود.

۲ـ نیروی جوان دانشجویان متعهد و مسئول در بالابردن سطح آگاهی عمومی مردم در روستاها و بخشها و بیدار کردن نیازهای خفته آنها، بخصوص از نظر بهداشتی و پزشکی بسیار موثر خواهد بود.

۳ ـ حضور دائم دانشجوی کنجکاو و پیگیر در سطح روستاها و بخشها و مشارکت آنها در امور بهداشتی مانند واکسیناسیون و غیره موجب تعالی کیفیت خدمات بهداشتی میشود.

۴ ـ حضور دائم دانشجویان پزشکی در مراکز درمانی و بحث و تبادل نظر آنها با پزشک مسئول باعث بالارفتن کیفیت خدمات درمانی بیماران محروم میگردد.

درصفحه ۶

ـ ارائه خدمات بهداشتی و درمانی از روستا آغاز میشود. نظر باینکه بیش از ۶۰ هزار روستا در سطح مملکت موجود است، حضور پزشک در کلیه روستاها عملاً" غیرممکن میباشد و با توجه باینکه ۷۲٪ از شکایات مهم روستا در شش شکایت خلاصه میگردد (اسهال و استفراغ، سرماخوردگی، دل درد، درد اعضاء عوارض پوستی و چشم درد).

یک نفر بامواد که از ماکسین روستا است (مراجعه بشکل) و چندین ماه آموزشهای لازم اولیه بهداشتی و درمانی را دیده است مثلاً" بهورز در خانه بهداشت روستا قادر به پیشگیری و درمان اولیه بیشتر بیماریهای ساده خواهد بود. بیماران پیچیده‌تر به درمانگاه بخش (مرکز بهداشتی و درمانی) که دارای پزشک و وسایل نسبتاً" مجهز است، اعزام میگردند و درصورت لزوم بیمار از آنجا به بیمارستان شهرستان که مجهزتر است، فرستاده میشود و چنانچه به مراقبتهای تخصصی احتیاج داشته باشد به مرکز استان اعزام میشود.

همانطور که از شکل ضمیمه (۲الف) استنباط میشود، در کلیه سطوح، خدمات بهداشتی، درمانی و آموزش پزشکی و پژوهش وجود دارند. دانشجویان سالهای اول و دوم پزشکی پس از آموختن دروس مربوط به بهداشت، تغذیه، کمکهای اولیه و علوم پایه در مرکز استان، به مدت ۳ماه در هر سال در روستاها وبخشهای شهرهای استان با احتیاجات و مشکلات اولیه مردم آشنا شده و در متن اجتماع به آموختن تجربه و ارائه خدمت مشغول میشوند.

آموزش دانشجویان سالهای سوم و چهارم پزشکی شامل فیزیوپاتولوژی و بیماریها و ارائه خدمت ۴ ماهه، سالانه در درمانگاههای بخشها وشهرها میباشد. در دوسال آخر دانشکده پزشکی که دوره کارورزی بحساب می‌آید دانشجویان در بیمارستانهای شهرها و مرکز استان در حین آموزش و تجربه به خدمت مشغول خواهندبود.

در این نظام کلیه پزشکان و دانشجویان بطور تمام وقت به امر آموزش پزشکی و بهداشت و درمان اشتغال برای پزشکان رفاه و امکانات کافی تامین میگردد و درآمد آنها تقریباً" بادرآمد پزشکان خصوصی (که حتماً" تعدیل خواهدشد) یکسان خواهد بود.

برغم ما نظام واحدآموزشی، بهداشتی و درمان که بصورت استانی اداره میشود دارای مزایای بیشماری است و به دلایل زیر قادر است جوابگوی احتیاجات انقلاب اسلامی ما باشد:

۱ـ حضور دائم دانشجو درامصی نقاط کشور و آموزش توام با خدمت او امکان ندارد مگر اینکه مدیریت بیمارستانها و درمانگاههای موجود از جهات آموزش و خدماتی تحت یک پوشش درآید تا از اصطکاک این دوجلوگیری شود.

۲ـ نیروی جوان دانشجویان متعهد و مسئول در بالابردن سطح آگاهی عمومی مردم در روستاها و بخشها و بیدار کردن نیازهای خفته آنها، بخصوص از نظر بهداشتی و پزشکی بسیار موثر خواهد بود.

۳ ـ حضور دائم دانشجوی کنجکاو و پیگیر در سطح روستاها و بخشها و مشارکت آنها در امور بهداشتی مانند واکسیناسیون و غیره موجب تعالی کیفیت خدمات بهداشتی میشود.

۴ ـ حضور دائم دانشجویان پزشکی در مراکز درمانی و بحث و تبادل نظر آنها با پزشک مسئول باعث بالارفتن کیفیت خدمات درمانی بیماران محروم میگردد.

درصفحه ۶

درسهائی از فلسفه اسلامی

در محضر استاد علی تهرانی

(۳۷)

و صدوق در کتاب معانی‌الاخبار از حضرت صادق روایت کرده که در پاسخ از تفسیر آیه " و نضع الموازین القسط لیوم القیامة " فرمود: آن میزانها انبیاء و اوصیائند و در روایتی دیگر فرمود: با میزانهای قسطیم و از امیر مومنان روایت شده که فرمود: من میزان جسمم، با سبکی دیگر به بیان این توضیح اقدام میکنیم:

برای هر علم و اعتقاد درست و هر عملی از اعمال نیکو و کفتاری از گفتارهای راست و بجا تا مادامیکه نفس بندن مادی عنصری تعلق دارد، تاثیری معین در نورانی شدن نفس و خلاصش از ظلمت مادیات و بردگی شهوات و جذبش از دنیا بسوی آخرت و از منزل پست‌تر بمنزل برتر دارد و افزایش علوم و اعتقادات درست و تکرار و تضاعف اعمال و اقوال صحیح (بمقدار افزایش و تضاعف) بمقدار تاثیرشان در نورانیت افزایش و شدت می‌یابد و همچنین برای هر علم و اعتقاد نادرست هر عملی از اعمال بد و هر گفتاری از گفتارهای دروغ و ناجا، تاثیر معین از ظلمانی شدن نفس و کثیف و کدر گشتن آن و تعلقش بدنیا و شهوتها و دربند درآمدنش در زنجیرها و غلهای طبیعت دارد و چون این چنین علوم و اعتقادات نادرست و اعمال بد و اقوال دروغ افزایش یابد و تکرار شود، اثرشان که ظلمت وکثافت و تعلق بمادیات و گرفتاری بدامهای طبیعت است بهمان مقدار افزایش و شدت می‌یابد و تا در نشئهٔ دنیا است این تاثیر و تاثر از چشم خلق و آنها که چشم ملکوتی بینشان باز نشده پوشیده است ولی هنگام فرا رسیدن ساعت و برپا شدن قیامت و برکنار رفتن پرده‌ها، حقیقت امر برایشان مکشوف میگردد و هر کس بهمان مقدار از نتیجه و اثر کوشش علمی و فعالیت عملیش که در نشئهٔ دنیا تحصیل کرده، میرسد و جزیش یکی از دو کفه میزان و ترازوی خود و قوت مرتبهٔ نور طاعت یا ظلمت کفرانش را درمی‌یابد.

و خلاصه انسان در مدت زندگی دنیویش برایش پندارها و کردارها و گفتارهای متفرقی است که با واقعیات ونیکوئی‌ها و راست‌هایند و یا برخلاف واقعیات و بدی‌ها و دروغهایند و یا مقداری از آن و مقداری از اینند و در روز قیامت که هنگام جمع اثرهای درست و نیکو با نادرست و بد این متفرقات است، یا یکطرف بر طرف دیگر رجحان دارد و یا ندارد. در صورت اول از اهل سعادت است اگررجحان‌برای درستیها و نیکوئیها و راستیها باشد و از اهل شقاوت است اگر رجحان برای نادرستیها و بدیها و دروغها باشد و در صورت دوم متوسط مابین دو طرف است و امرش بمشیت نکوئینی خدایتعالی بسته که با رجحان یافتن طرف درستی و خوبی و راستی در اثر پیدایش علتی از علل (همانند شفاعت بمعنای درستش) بخشوده شود و یا بارجحان‌یافتن طرف نادرستی و بدی و دروغ در اثر پیدایش علتی ازعلل معدت گردد ولی بی‌شک جانب رحمت حضرتش مقدم است.

با روش سومی این توضیح را تحریر مینمائیم:

هر کس مادامیکه با قوت یقین و نور ایمان و توحید از قید طبیعت و بردگی دنیا خلاص نشده، ذات و وجودش مرهون و بسته بعملش است و تنها بحسب عملها و رفتارها و نیروها و اثرهای عملها و رفتارهایش و کشتان نفس او را بجانبی از دو جانب سعادت و شقاوت و دو طرف بلندی معنوی و پستی مادی، همانند میزان و ترازوئی است که دو کفه دارد یکی از دو کفه‌هایش بجانب پستی که جحیم است بقدر آنچه در آن از متاع دنیای فانی است، میل مینماید و کفه دیگرش بجانب بلندی که خانه نعمت‌ها و بهشت است باندازه آنچه در آن از متاع آخرت است، میل مینماید و چون میان دو کفه تعارض افتد و بسوی دو جانب مذکور بجاذب رجح دهد و خلاصه هر دو کفه با هم برابر باشند، حکم با خدایتعالی است که بی‌شک رحمتش بر غضبش پیشی میگیرد.

و در اینجا، قسم چهارمی از اولیاء خدا هستند که با قوت یقین و نور ایمان و توحید از قید طبیعت و بردگی دنیا خلاص شده‌اند و دواشتان در شهود جلال الله، مستغرق است و التفاتی بعمل صالح و ناصالح ندارند و دو کفهٔ میزان و ترازویشان را فراموش کرده و دنیا و آخرت را ترک نموده و از عالم سنجش‌ها و عملها و انحرافها و اعتدالها بسوی عالم معارف و حالها و مطالعه انوار جمال و جلال حق رو نموده‌اند که دیگر حسابی و میزانی برایشان متصور نیست.

مقالهٔ ـ۸ـ

در این مقاله بر طبق روش صدرالمتالهین، احوال و امور اخرویای را که در مقاله‌های گذشته بر میزان برهان یقینی و بیرون آوردن مغز از پوست و برگردانیدن ظاهر آیات و روایات بباطنشان، شرح دادیم و بعضی از احوال و امور دیگر اخروی را که هنوز مورد بحث قرار نداده‌ایم، بنظر سرشته و اجمال و مطابق با ظواهر آیات قرآنی و روایات، متذکر میشویم:

چون با کنار رفتن پرده‌ها، نورالانوار ظاهر شود و جلال وجه‌الله مکشوف گردد و با از میان رفتن کثرت سلطان احدیت غالب آید و با برطرف شدن موانع مادیت جهات فاعلی و تاثیر شدت یابد و دارندگان استعدادها از قوه بفعلیت رسند و حرکات و تحولات نهایت‌ها و نتایجشان منتهی شوند و حقایق از مخفی‌گاهها و پرده‌های مادیها و امکانها بسوی جلوه‌گاههای آشکاریها و فعلیت‌ها بروز نمایند هر دارندهٔ سعدی بسعادتش برمیگردد و هر فرعی باصلش رجوع میکند و هر ناقصی بکمالش برمیگردد و همه امور به خدایتعالی پایان میگیرد " ولله میراث السماوات والارض ـ سوره آل عمران آیه ۱۸۰

ادامه دارد

دکتر رضا جمالیان

سهمیه بنزین برای کادر پزشکی

ازاولین روزهای جنگ ایران وعراق همه‌مردم جبرمندی بنزین رااز صمیم قلب قبول کردند. دراین جبرمندی برای پزشکان عضوسهم پزشکی روزی ۳ لیتر سهمیه معین شده‌بود یکی‌از همکاران مادرنهم پزشکی که پرستار اطاق عمل است بحق گفته‌داشت که‌چطور من بعنوان یکزن بتوانم شب‌های کشیک بمیارستان برسم درحالیکه‌اگر من نباشم، صبح عمل‌جراحی صورت‌نخواهدگرفت.

خانم‌های پرستاروبهیار که کشیک‌شبانه مراقبت از بیماران‌ومصدومین‌جنگ‌رابعهده دارند، باتوجه به اشکالاتی که اوایل شب درروشن بمشکار بخصوص برای خانم‌های جوان وجوددارد، برای انجام‌خدمت خواستار سهمیه بنزین‌میشدند.

ساعات‌کار مطب پزشکان کنار سنگین خدمات درمانی بیشتر از ۶میلیون جمعیت تهران رابعهده دارند، بجای ۲ تا ۸ بعدازظهرباکمی اختلاف بین ۳ تا ۶ بعدازظهر تشکیل میشد ومیشود ودراین موقع شب پزشکان بانورکم وباخطر تصادف باغابر پیاده یااتومبیل‌های دیگر بخانه خود میروند وبطور متوسط هفته‌ای یک‌تصادف کوچک یامتوسط برای بدنه اتومبیل متحمل‌میشوند.

پزشکانی که درمطب کارمیکنند معتقدندکه نباید دراین‌روزهای بحرانی‌مردم ازجمله خانواده‌افرادی راکه در جبهه جنگ هستند، ازخدمات پزشکی محروم‌کرد وبخصوص در روزهای اولیه جنگ اکثراً" درشرایط خاموشی و وضع ترمز بمنزل برمی‌گشتند.

طبق خبری که دراریخ ۵۹/۸/۱۶ ازرسانه‌های‌گروهی پخش‌شد، گویا درنظراست این سهمیه روزی ۳ لیتر به روزی یک‌لیتر تقلیل‌پیداکند نتیجه عملی این‌کار یکی ازسوءاه‌ل محتمل‌زیراست:

۱ـ پزشکان باتوجه بروزهای سردوبارانی آینده کمتر به مطب بروند.

۲ـ پزشکان ساعات خدمت خودرا بازهم‌کمترکنند.

۳ـ درشرایطی که‌دراوایل شب عبور ومرور در تهران بسیار مشکل‌است، پزشکان هرشب مسیر مطب ومنزل را که بطورمتوسط برای‌اکثر آنها بیشتر از ۱۰ کیلومتر است پیاده طی‌کنند.

درشرایطی که بعلت فرارسیدن سرما و وهور و شیوع سرماخوردگی‌ها وافزایش بیماریهای عصبی بعلت شرایط بحرانی بیازمند خدمات درمانی بیشتراست وپزشکان هم با کمال میل، علاقه بانجام خدمت بمردم درمطب و بیمارستانها دارند، بهتراست مسئله سهمیه بنزین بماعضاء تیم پزشکی ازجمله پرستاران وبهیاران شکار وسایر اعضای تیم پزشکی‌با واقع‌بینی بیشتری مورد توجه قرارگیرد.

چـــرا...؟

بسم الله القاصم الجبارین

سکوت هر مسلمان خیانت است به قرآن ، رهبری خمینی اساس وحدت ماست .

بر مبنای خاش‌نبودن به قرآن و حفظ اساسی‌وحدت مجلس چند را که شیعت شده از آه سوختگان نسبت به اسلام وانقلاب و رهبر عظیم‌الشان است بصورت سئوال و جوابی چند مطرح میکنم باشد که خدای‌ناکرده توهینی نسبت به امید مستضعفین جهان و امت مسلمان ایران نبوده ، تا امیدان و دردمندان را مرحمی و برای مغرضین وآنانکه هر چه را بگونه‌ای در مخالفت بامکتب و اسلام و انقلاب و وحدت و آمریکائی‌بودن ترجمه و تفسیر میکنند وسیله‌ای فرار گیرد .

چرا گردهم‌آئی‌های میلیونی توده‌جه در راهپیمائی و چه در نمازهای جمعه و . . . . به چشم نمیخورد ؟ آن ۲٪ مخالف روز اول در رفراندم جمهوری اسلامی بسیار بسیار فزونی یافته است . چرا؟ چگونه قانون اساسی که در راه تبیین و تصویب آن هزاران انسان بیگناه جان نثار کردند در حالیکه‌بیشتر از یکسال از عمرش‌نمی‌گذرد هر روز بنا به " مصلحتی " ۱۸۰ درجه تفسیر جهت میدهد ؟ چرا هیچگاه آنها که چشم وگوش و زبان و دست و پا ماموریتشان‌دائما " در جهت لوث‌کردن زحمات‌مسئولان قبلی فعالیتهای تفرقه‌افکنی داشته وقتی خود بر مسند امور تکیه میکنند وزمانیکه در مقام پاسخگوئی بر میایند با طفره رفتنها و لوث‌کردن عملشان سرو ته قضیه را هم میآورند؟ از جمله . . . . . چگونه است ضوابط دستگیری و توقیف افراد که هر که را احتیاطی است با بزرگان و هر کار را زبانی است سخنگو جایگاهش زندان و دهانش بسته است ؟

اداره‌کل آموزش و پرورش در اوائل تابستان اعلام کرد که احتیاج به صدهزار کارمند و آموزگار دارد چه شد که چندی بعد صدا در گلوی مسئولان گم شد و این عده پس از تعیین عقاید بسیاری بصورت‌های گوناگون و با عنوانین مختلف وارد مدارس شدند و مشغول بکاری‌شبیه جاسوسان اف ـ بی‌ـآی که کوچکترین سخن مخالف را گزارش کرده وعمل " پاکسازی " بلافاصله بدون هیچ ضابطه و مجوزی انجام گیرد . این عده از چه طریقی وارد کادر ادارات شدند؟

چگونه میخواهند اصول سکولاری را که انقلاب بر مبنای آنها انجام شد یعنی‌استقلال و آزادی وجمهوری اسلامی را برقرار کنند؟ با اتکال به زور ـ حافظیی از دست ندادن هر فرصتی حتی هر نریبونی برای بدست آوردن مقاصد و اهداف گروهی؟ چرا به خواست عده‌ای جلسات مجلس بطور مداوم و کامل از شبکه سراسری‌پخش نمیشود با چند بار شاهد بوده‌ایم که جلسات را اصلا " پخش نمیکنند . علت چیست ؟

شرم‌آور است . خداوند قادر متعال و امام زمان‌را بر این اعمالی کمیه اسم اسلام و نه برای اسلام انجام شده گواه میگیرم و جزائیش را به الله واگذار میکنم .

رئیس‌جمهور چون بعداز امام محبوبترین شخصیت نسوه جامعه است باید از اول کوبیده میشد تا این محبوبیت را لوث کنند . دریغا که این کارها روز به روز برعلاقه مردم افزوده است .

احتیاج و فصاحت بجائی رسیده که حتی عضو شورای انقلاب وزیر امورخارجه و یکی از موسسین‌انجمن اسلامی را در کشورهای غربی که به عنابت فرزند امام است و سالها در محضر ایشان درس تقوا ـ شجاعت مردانگی و آزادمردی آموخته است را به جرم حقگوئی و عدالت‌خواهی به زندان می‌افکنند و این شاهکار آنوقت نقاق‌انگیزتر میشود که بشنوی کسی که در رژیم کثیف‌پهلوی نیز به همین علل‌آواره بود در این زمان هم بعلت تحریک و تفرقه بدست مکتبیون زمان که در " جمهوری اسلامی " در کنار دیگر مجرمین کم وبیش از این قبیل بسر برد ؟

راه صدور انقلاب اینست ؟ چه کسی و مرجعی میتواند این دردها را جوابگو باشد؟ کدامیک از این آقایان بخود جرات میدهد که در مقام دفاع برآید؟ بانکیه بر کدام ادله؟ اینست پاسداری از خون شهیدان و دست‌آوردهای انقلاب‌اسلامی؟ بدست آوردن وحدت و انسجام میان اقشار مختلف آیا به این شکل ممکن است؟ آنها که دیگران را در خط آمریکا میدانند و آمریکائی وجاسوس،بدانند که با این کارها خط آمریکا را مردم‌بهتر از ایشان که میپندارند مردم نمی‌فهمند و نمیدانند درک میکنند و می‌شناسند .

آیا نمیدانند که با این اعمال نمیتوانند اسلام و انقلاب را نابود کنند؟ آنها که نمی‌اندیشند که در جهت تضعیف رهبری و روحانیت و درکمال تضعیف اسلام قدم برمیدارند آمریکائی نیستند؟

دنیادار فنائست لیک چگونه در محشر عدل‌الهی پاسخگویند؟ تجربه‌کنند و بترسند از سرنوشت زورگویان و قدرت‌پرستان که آه سوختگان اینک همچون هاله آتشفشان ، خاموشی است و اگر امروز گریبانشان را نگیرد فردای روزگار، با انفجاری دامانشان را به‌آتش میکشد . وآنجاست که حشک وتر باهم میسوزند . این انقلاب‌الهی است نمیتوانند با خدا در افتند .

چه مکتبی‌دارند؟ که به اسلام وفادار نیستند و آنچه میکنند در مخالفت اسلام است و هرکه با اسلام‌سیز کرد سرنوشتی همچون ابرمه در انتظارش است .

در خط کدام امامند ؟ رهبرشان کیست؟ چه‌آنچه کردند قلب برمهر رهبر، روح خدا را به درد آورد و علی زمان را خانه‌نشین‌کرد . چرا که امام عملا " در امور دخالت ندارند و خود مردم را شاخص تشخیص و تصمیم‌گیری دانسته‌اند .

جیست که در برخورد با هرچه در جهت خلاف امیالشان است بیراهنی از عثمان است که بردار رفته و طلحه‌ها و زبیرها را سرفراز و پیروز و مسلمانان راعزلت نشین و رنجور کرده‌است ؟

جان‌برکفان در خط مقدم جبهه‌ی جنگند و فرصت‌طلبان جاهپرست جب و راست مشغول مصاحبه‌اند. بـا آرزوی سلامتی و موفقیت و صبرجمیل وعمرطولانی برای امامان خمینی بت‌شکن و نیز رئیس‌جمهور فداکار و از جان‌گذشته و همه کسانی که در امور فقط خدا را در نظر دارند نه اشخاص و پست و مقام را و واقعا " فدائیان اسلامند ، محترما " از مقام رهبری و فرماندهکل قوا تقاضای رسیدگی به مسائل فوق و نیز کوتاه‌کردن دست افراد وابسته و آنان که جو تهمت و افترا و نقاق را از اول انقلاب به صورت‌مختلف در میان ایجاد کردند و اکنون نیز پست‌هائی که نابستگی آنرا ندارند اشغال کرده‌اند .دارم .

والسلام

تیره

ای پاسدار سنگر آزادی

به : پاسداران و سربازان دلیر اسلام که در محنه نبرد حق وباطل مبرق سلاحشان ظلام قیرگون سیاه‌کاریها را میشکافند و طنین ملکوتی الله‌اکبرشان رویای شوم‌دشمنان قرآن را می‌آشوبد .

ای جوشش قیام دلیران
سرباز!
ای نبرده ایران
اندیشه بلند تو از وادی ظلام
تا اوج گرم چشمه خورشید میرود
پژواک آسمانی الله‌اکبرت
گل واژه‌های سرخ شهادت را
تا پهنه مقدس توحید می‌برد .
سرباز!
سرباز پاکباز
ای شعر انقلاب
ای قامت بلند حماسه
اشک میان شهر
چشم امید خلق مسلمان به رزم توست
تا از دیار خون
از سرزمین آتش وپاپوت
راهی بسوی عشق‌گشائی
تاگرمای دوست
تا سیمای یار
سرباز!
سرباز پاکباز
جرثومه قیام
ای پیرو امام
دستی به آیه‌های خدائی
دستی دگر سلاح
جان را به کف نهاده
تکبیرگو، حضور و خروشان
با رزم خویش
آیه سبز جهاد را
تفسیر میکنی
سرباز!
سرباز پاکباز
افسانه شجاعت و ایمانت
آشفته است خواب سیاه معاندین
پیروزباشی ای تپش قلب مسلمین
سرباز!
ای مجاهد اسلام
ای پاسدار سنگر آزادی
ای حامی و مدافع مکتب
دل را قوی بدار
که این است دلیر
همراه توست
تا عید خون
در کربلای سرخ شهادت
نماز بگزارد
سرباز!
سرباز پاکباز
ای باورستوگ
با لطف و با عنایت الله
در سایه رعایت روح‌الله
با همت و درایت فرمانده قوا
دلگرم از مجاهدت خلق
پیروزمند صحنه پیکاری
سرباز!
سرباز پاکباز
افسانه شجاعت و ایمانت
آشفته است خواب سیاه معاندین
پیروزباشی ای‌تپش قلب مسلمین

از سعید عندلیبه ـ بیرجند

اهداف و وظایف کمیته ترجمه وتالیف وتصحیح کتب دانشگاهی

مقدمه

کمبود کتابهای مناسب دانشگاهی ، مسئله‌ایست که همواره گریبانگیر دانشگاهها و موسسات عالی آموزشی بوده است ، درحال حاضر ، بدلیل تعطیلی موقتی دانشگاهها فرصتی پیش آمده است که این مسئله مورد رسیدگی جدی ـ تری قرارگیرد ، براساس اطلاعات حاصل از پرسشنامه هائی که ستادانقلاب فرهنگی درمیان کادر آموزشی دانشگاهها توزیع کرده‌است ، تعداد کثیری ازاعضای هیئت علمی دانشگاهها اظهار علاقه به ترجمه یا تالیف کتابهای درسی دانشگاهی نموده وکتابهایی رادراین زمینه پیشنهاد کرده‌اند ،برای استفاده هرچه بیشتراز نیروهای علمی مملکت وبیشبرد اهداف‌انقلاب‌فرهنگی‌وهمچنین بمنظور جلوگیری ازدوبارکاریها وهزرورفتن نیروها وایجاد هماهنگی وبرنامه‌ریزیهای صحیح درزمینه تالیف وترجمه ونشر کتابهای دانشگاهی ستاد انقلاب فرهنگی کمیته خاصی بنام "کمیته ترجمه وتالیف وتصحیح کتب دانشگاهی " مرکب از اساتید متعهد دانشگاهها تشکیل داده‌است .

اهداف

با توجه به امکانات ونیازهای فوری دانشگاهها و موقعیت خاص‌مملکت کمیته‌دونوع‌هدف‌برای‌خود‌درنظرگرفته‌است :

۱ـ هدفهای عاجل (کوتاه مدت)

۲ـ هدفهای آجل (درازمدت)

اهداف فوری وعاجل‌کمیته‌عبارت است‌از تشکیل گروه‌های تخصصی در رشته‌های مختلف دانشگاهی مرکب از اساتید مبرز ومتعهد ، این گروهها انتخاب کتابهای مناسب رشته خودرا با رعایت طرحها وبرنامه‌ریزیهای دانشگاههای آتی ونیازهای کشوروهمچنین باتوجه‌به پیشنهادهای اساتید دانشگاهها بعهده خواهندگرفت . پس از انتخاب کتابها صلاحیت متقاضیان برای ترجمه وتالیف کتابهای جدید و تصحیح متون قدیمه بررسی شده کتابهای مربوطه به اشخاص واگذار خواهدشد .

اهدافآجل‌این کمیته‌برآوردن‌کلیه نیازهای دانشگاهها به کتابهای لازم خواهدبود ، تشکیل این کمیته خود آغازی است برای تاسیس یک مرکز انتشارات دانشگاهی که فعالیتهای کلیه موسسات انتشارات علمی دانشگاههای کشوررا هماهنگ کرده کارچاپ وانتشار کتابها را از مرحله انتخاب تاچاپ ونشر زیرنظر خواهندگرفت .

ـ وظایف گروههای تخصصی

۱ـ بررسی پرسشنامه‌ها و طبقه‌بندی کتابها وتهیه لیست موضوعی آنها

۲ـ انتخاب کتابها برای ترجمه وتالیف ویا تصحیح با توجه به ضوابط ذیل

الف :کتابها باید بمنظور رفع نیازهای علمی جامعه انتخاب شود

ب : محتوای کتابها باید درجهت گسترش بینش اسلامی ونیل به اهداف انقلاب فرهنگی باشد .

ج : اولویت به کتابهای دوره عمومی داده‌شود .

د : درمورد کتابهای دوره‌های عمومی دوبا به کتاب مختلف برای تخصص‌های متفاوت انتخاب گردد .

ح : اولویت به کتابهایی داده شودکه بتواند مورد استفاده رشته‌های متنوع قرارگیرد .

و : درزمینه علوم انسانی باید سعی شودکه کتابهای جدید تالیف شودیا متون اصیل اسلامی‌تصحیح‌واحیاء‌گردد این رشته‌ها ، ترجمه‌ها باید دردرجه اول از متون‌اصلی و کلاسیک صورت گیرد .

۳ـ انتخاب مترجمان باید براساس پرسشنامه‌ها بارعایت ضوابط ذیل انجام گیرد :

الف : اولویت به مترجمانی داده شود که مهارت خودرا در ترجمه متون یا تالیف نشان داده باشند .

ب ـ اولویت برای مترجمانی قائل‌شوندکه‌قبلا کتاب مورد نظررا ترجمه‌کرده وترجمه آنها موردتائید قرارگرفته باشد .

۴ـ نمونه‌های ترجمه ویا خلاصه کتابهای تالیفی باید دقیقا ارزیابی گردد(این ارزیابی یا راسا " توسط گروه تخصصی انجام خواهدشد یا توسط افراد ذیصلاحی که از طرف هیات اجرائی کمیته تعیین خواهند گردید .)

۵ـ چون حجم کتابی که باید تالیف یا ترجمه شود لازم است به اندازه‌ای باشدکه تالیف یا ترجمه‌آن دربدتی که دانشگاهها تعطیل است انجام پذیرد ، لذا درصورتی که حجم کتابی ازاین حد بیشترباشد بهتراست ترجمه وتالیف بصورت جمعی صورت گیرد .

(باید دقیقا روشن شودکه چه قسمتی از هرکتاب را چه کسی ودرچه مدتی باید تالیف یاترجمه کند .)

۶ـ نحوه تشکیل جلسات بعهده خود گروههاست .

۷ـ گروهها موظفند که کارهای محوله را ظرف یک تا سه هفته ازتاریخ تشکیل اولین جلسه انجام دهند و گزارش هفتگی ونهایی فعالیت خودرا به کمیته "ترجمه و تصحیح کتاب" تسلیم نمایند .

ستاد انقلاب فرهنگی

گزارش نهضت سوادآموزی استان خراسان

بسمه تعالی

اکنون که برادران رزمنده ارتش و سپاهی ما در راه اعتلای اسلام به‌مبارزه‌بی‌گیر خود با شیطان بزرگ ومزدور سرسپرده‌اش ادامه میدهند و با ندای اللهاکبر شجاعانه صفوف پوشالی دشمن رادر هم میشکنند برادران و خواهران متعهد مسئول درگیر با دیوجهل وبیسوادی نیز آماده‌اند که هزاران‌امام است اجازه دهند کلاس‌های درس را به کلاس‌رزم تبدیل و دوشادوش‌برادران رزمنده مسلح خود ازاسلام ووطن اسلامی خود دفاع کنند .

اینک توجه شما را بگوشه‌ای از فعالیتهای بی‌نظیر نهضت سوادآموزی دراستان خراسان که از تاریخ‌بیستم دیماه ۵۸ رسما کارخود را آغاز کرده‌است جلب‌می‌کنیم .

۱ ـ ۱۴۲ کلاس توسط مربی باشرکت ۳۵۶۲ نفر از خواهران و برادران تشکیل و پس از پایان دوره و انجام امتحانات لازم ۱۶۵۶ نفر انتخاب و مامورتشکیل کلاس‌گردیدند

۲ ـ تاکنون توسط نهضت سوادآموزی ۳۲۰ کلاس آموزش قرآن و اصول عقاید با ظرفیت ۹۰۲۳۷ نفر دائر گردیده است

درصفحه ۸

برنامه‌ریزی ...

ازصفحه ۵

۵ ـ برای دانشگاههای عملی امکان پذیر نیست‌که برای تامین نیروی انسانی و پزشکی مورد نیازو ارائه آموزش همراه با خدمت ، در افقی نقاط کشور مجتمع آموزشی و بیمارستانی دانشگاهی ایجاد کند و برای این منظور میبایست از امکانات موجود که در خدمت وزارت بهداری است استفاده کرد و این کار تنها تحت یک پوشش امکان پذیر است .

۶ ـ در حال حاضر وسایل بسیار گرانبها و مفیدی در دانشگاهها و مراکز درمانی وزارت بهداری موجودند که از آنها صرفا " یا در جهت آموزشی یا درجهت درمانی استفاده میگردد . در حالیکه در نظام واحد از هر وسیله در هر دوبخش درمان و آموزش استفاده خواهد شد و با توزیع عادلانه وسایل و تجهیزات در سطح کشور به‌خودکفائی استانهای محروم کمک میگردد .

۷ ـ در نظام جدید از پزشکان وزارت بهداری که اکثریت پزشکان مملکت را تشکیل میدهند ، گروهی که قابلیت آموزش‌دادن را دارند ، بکار گرفته میشوند و بقیه نیز که در حال رکود و تحلیل تدریجی هستند بعلت حضور دانشجو و شرکت در امر تعلیم و تعلم بحالت فعال درمیآیند

۸ـ با توجه به تمام وقت شدن اساتید دانشگاهها وخدمت آنها در سیستم شبکه‌ای پیشنهادی از وجودشان در ارائه خدمات درمانی در سطح وسیع‌تر و برای عامه مردم بهره‌گرفته میشود .

۹ـ وجود آموزش وکیفیت درمان بهتر و در نتیجه ایجاد جاذبه در شهرستانها باعث جذب نیروی متمرکز در مراکز استانها و پایتخت میشود . همچنین گرمش وآموزش منطقه‌ای باعث میشود که فارغ‌التحصیلانی که در نزدیکترین محل به موطنشان تحصیل کرده‌اند ، رغبت بیشتری باشتغال و زندگی درآنجا داشته باشند . با توجه به دلایل فوق توزیع عادلانه نیز بطور طبیعی انجام خواهد گرفت .

۱۰ـ مناسفانه تحقیق و پژوهش در دانشکده‌های پزشکی در نظام گذشته بدون درنظرگرفتن نیاز جامعه آنهم بطور ناقص انجام میگرفت . باین معنی که در مراکز بعضی استانها بدون توجه به مسائل و مشکلات موجود در شهرهای کوچک و روستاها طرحهای پژوهش برای این مناطق تنظیم میشد در حالیکه در طرح پیشنهادی بعلت وجود سیستم ارتباطی دانشجو و استاد که تا سطح روستا آماده‌دارد ، پژوهش و تحقیق حالت پویایی و بومی بخود گرفته و فقط در حد نظریه‌های غیرقابل عمل باقی نمی‌ماند

بدیهی است که تحقیق محدود به نیازها نمیشود و بودجه تحقیقاتی مستقل جهت پژوهشهای تخصصی و پایه‌ای منظور میشود .

۱۱ـ از دوبارکاری در امر درمان و بهداشت و تحقیق‌جلوگیری شده و لذا در بودجه مصرفی صرفه‌جویی خواهد شد .

۱۲ـ با همراه کردن آموزش، بهداشت و درمان سطح خدمات درمانی دولتی بالا خواهد رفت . لذا بیماران رغبت بیشتری بآن نشان خواهند داد . این امر موجب بروز رقابت باطب خصوصی شده از قیمتهای سرسام‌آور خدمات درمانی خصوصی خواهد کاست .

بعضی از مزایای فوق با طرح مجتمع‌های پزشکی وزارت بهداری حاصل میشد ولی بنظر ما این مجتمع‌ها از نظر آموزشی و علمی دانشکده‌های پزشکی نیز مورد استفاده قرار میگرفت که در طرح حاضر بصورت واحد و منطقی‌تری آن مقاصد تامین میشود .

نتیجه :

پس از مطالعات و بررسیهای فراوان بنظر میرسد که برای از بین بردن نیازهای بهداشتی و درمانی کشور و اعتلای امر آموزش پزشکی ، لازم‌است نظام طبی کشور بصورت منطقه‌ای و شبکه‌ای عهده‌دار آموزش و خدمات پزشکی در یک قالب جدید و رشد یابنده گردد و بتدریج در طول چند سال در کلیه استانها بر پا شود و وظایف نظام‌های دوگانه کنونی یعنی وزارت بهداری و موسسات آموزش پزشکی را بعهده بگیرد .

والسلام

ستاد انقلاب فرهنگی

۱۹۲۰۸/م الف

شماره پرونده ۵۳۲/۵۶ و ۱۷۱۷/۵۸ آگهی اعلاء وقت دادرسی و دادخواست و تسلیم به آقای فیروزجاجیان ساکن سابق تهران خیابان کریمخان زند شماره ۱۳۲ آقای عباس علی‌محمدی وکیل مالک ابراهیم داد خواستی بخواسته مبلغ ۸۰۰۰۰۰۰ ریال و کلیه خسارات باستناد قبوض بعدی ۴ فقره سند واخواست‌نامه و سایر مدارک بطرفیت شما و غیره تقدیم دادگاههای عمومی تهران نموده که جهت رسیدگی باین شعبه ارجاع و بکلاسه ۵۰۲/۵۶ ثبت و ۱۷۱۷/۵۸ ثبت چون طبق گزارش مرجع ابلاغ اخطاریه در محل بعلت مجاهله مکرر دیده باید حسب نظامی وکیل خواهان و موافقت دادگاه و بدستور ماده ۱۰۰ قانون آئین دادرسی مدنی مراتب بخواست سوالی در یکی از جرائد کثیرالانتشار محلی روزنامه رسمی کشور آگهی میشود که با مراجعه بدفتر دادگاه و دریافت دادخواست و ضمائم در جلسه دادرسی دوشنبه ۵۹/۱۱/۲۴ ساعت ۱۰ صبح حاضر شوید عدم حضور شما مانع رسیدگی نخواهد بود و چنانچه بعداً ساری بمشترکا آگهی باشد مراتب یکنوبت درج و مدت آن ۱۰ روز خواهد بود.

مدیر دفتر شعبه ۱۸ دادگاه عمومی تهران

۱۹۲۱۰۶/م الف

آگهی ابلاغ دادخواست و وقت رسیدگی به آقای حسین مرادلو فرزند عیسی بانو فاطمه رضائی دادخواستی بخواسته صدور گواهی عدم‌امکان سازش بعلت مجهول‌المکان بودن خسرو ۵/۵ سال باین شعبه تقدیم دادنامه کلیه بکلاسه ۹۱۱/۵/۵۸ شعبه و غیر جریان رسیدگی میباشد و شما را مجهول‌المکان معرفی نموده لذا حسب نظامی خواهان و صدور دادگاه طبق ماده ۱۰۰ آئین دادرسی‌مدنی مراتب سه نوبت سوالی در روزنامه رسمی کشور جمهوری اسلامی ایران و یکی ازجرائد کثیرالانتشار درج ومنتشر میگردد که در جلسه یکشنبه ۵۹/۱۱/۲۶ ساعت ۴ بعدازظهر در شعبه ۵ دادگاه عمومی جاجرم‌واقع در میدان ارک باشمان ولایت بازرگانی طبقه سوم حاضر شوید و هراظهاری دارید بنمائید و در صورت عدم‌حضور دادخواستی و وقت رسیدگی ابلاغ شده بحساب و دادگاه پس از رسیدگی اقدام بغضی معمول و در صورتیکه مرتبه آگهی لازم‌باشد فقط یک نوبت آگهی در روزنامه درج و مدت آن ده روزخواهد بود.

مدیر دفتر شعبه ۵ دادگاههای عمومی جاجرم تهران

۱۹۲۹۲/م الف

آگهی ابلاغ شعبه‌ثانی دادخواست و ضمائم جهت اطلاع آقایان‌نام جوهری تهرانی ومهدی کلاهدوزان آقای محمودنامیان بوکالت بانک بین‌المللی ایران دادخواستی بطرفیت شما بخواسته مبلغ ۷۵۰/۰۰۰ ریال بضمیمه کلیه خسارات باستناد قبوض مختلفها واخواست‌نامه‌ها و عامل مدیریت وکلاهیچ پرداخت مالیات و وکالتنامه بدادگاههای عمومی‌تهران تقدیم داشته که جهت رسیدگی بشعبه ۲۶ دادگاه عمومی‌تهران ارجاع و بکلاسه ۷۲۶/۵۸ ثبت گردیده است چون طبق گزارش ماموز شما و گماشتگان درنشانی تعیین شده بلافات بتوانید ماموردادخواست وضمائم راباصدور اطلاعیه بمحل اقامت شما ابلاغ نموده علیهذا مراتب برطبق ماده ۱۹۲ قانون آئین‌دادرسی مدنی یکنوبت در روزنامه آگهی‌میشود که ازتاریخ مشراتکهی ظرف یکماه برای رویت دادخواست و ضمائم بدفتر شعبه ۲۶ دادگاه عمومی‌تهران مراجعه برای روز یکشنبه ۱۳۶۰/۲/۶ ساعت ۹/۵ صبح جهت رسیدگی حاضر شوید درصورت عدم حضور ومراجعه و انطباق معامله مجری دادخواست ابلاغ شده محسوب است و دادگاه غیابا رسیدگی و تصمیم نایسته اتخاذ خواهدنمود.

مدیر دفتر شعبه ۲۶ دادگاه عمومی‌تهران

۱۹۲۳۸۱/م الف

بدینوسیله‌بآقای نعمت‌الله موسی‌زاده و شرکت پرتی با مسئولیت محدود ابلاغ می‌شود که بانکملی ایران بوکالت مصدر دادنامه و محمدحسن حسین دادخواستی بخواسته مطالبه ۴۰۰/۰۰۰ ریال تقدیم‌دادگاههای صلح نموده که پس از ارجاع به این شعبه تحت کلاسه ۲۲۹/۵۸ ثبت و تحت رسیدگی است. از آنجا که مامور ابلاغ اخطاریه جلسه رسیدگی را طبق ماده ۱۹۲ ابلاغ نموده است اینک باطلاع میرساند که پرونده مورد بحث در تاریخ ۵۹/۱۰/۱۷ ساعت ۹ صبح در شعبه ۲۰دادگاه صلح واقع در ساختمان شماره ۳ وزارت دادگستری خیابان جنوبی پارکشهر جلسه رسیدگی دارد. و خواندگان فوق می‌توانند ظرف یکماه از تاریخ نشر آگهی به دفتر دادگاه مراجعه و نسخه ثانی دادخواست و ضمائم را دریافت دارند. والا دادخواست ابلاغ شده محسوب است.

مدیر دفتر شعبه ۲۰دادگاه صلح تهران

۱۹۲۳۸۲/م الف

ابلاغ وقت دادرسی به آقای ایرج اوتیرانی

آقای ایرج مهدی تیمور مهدی‌هایون‌کشانی و مهندس هرمز رادپور بطرفیت شما دادخواستی بخواسته تعیین داور اشتراکی و اختصاصی درصورت امتناع شما از تعیین داور اختصاصی خود باستناد اساسنامه و قوانین اظهارنامه و غیره بدادگاههای عمومی تهران تقدیم داشته که باین دادگاه ارجاع و بکلاسه ۹۷۸/۵۸ ثبت‌وتاتعیین وقت رسیدگی بروز سه‌شنبه ۵۹/۱۲/۱۹ ساعت ۱۰/۳۰ صبح نسخه ثانی دادخواست و ضمائم بنشانی شما ارسال که هیچیک از سکان و سیوسین شما در محل سوده ومامور با تنظیم اطلاعیه والصاق آن به محل اقامت شما طبق ماده ۹۴ قانون آئین دادرسی مدنی اقدام نموده است. لذا باستناد تبصره تبصره ذیل ماده مذکور مراتب یکنوبت در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار محلی درج میشود که ظرف‌یکماه پس از انتشار بدفتر شعبه دهم دادگاه عمومی تهران مراجعه و نسخه ثانی دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی در دادگاه حاضر شوید والا نسخه ثانی دادخواست و ضمائم ابلاغ‌شده محسوب و دادگاه غیابا اتخاذ تصمیم خواهد نمود.

مدیردفتر شعبه ۱۰ دادگاه عمومی‌تهران - بلوی

۱۹۲۳۸۰/م الف

آگهی ابلاغ وقت دادرسی به بانو راضیه محمدپور گلی بدین وسیله به شما اخطار میشود که پرونده کلاسه ۱۱۲۰/۵۸ شعبه ۲۱ دادگاه موضوع دعوی وارث مرحوم حیدرعلی احمدی علیه وراث مرحوم حسن خدادادی برای روزسه‌شنبه ۵۹/۱۰/۲ ساعت ۸/۵ صبح وقت رسیدگی تعیین شده است مراتب بشما اخطار که اخطاریه طبق ماده ۹۲ آئین دادرسی مدنی ابلاغ واعلامیه بدرب محل سکونت شما الصاق شده است لذا روز بالا جهت رسیدگی حاضر شوید.

مدیر دفتر شعبه ۲۱ دادگاه عمومی تهران - ناصحیدری

۱۹۲۹۲/م الف

آگهی ابلاغ اخطاریه

بدینوسیله به اطلاع آقای احمد صادقی ارجمند فرزند مسیح‌الله دارنده شناسنامه شماره ۹۲ صادره از تهران بدهکار میرساند؟

بانو فرزانه امیرعلوی فرزند حسین وخانم مهرناز رضوان مجرد فرزند عنایت باستناد سند شرطی شماره ۴۲۴۱۰-۵۷/۶/۱۲ دفتر خانه شماره ۱۱۷ تهران در تاریخ ۵۹/۵/۹ برای وصول مبلغ چهار میلیون ودویست و چهل هزار ریال اصل وخسارت دیرکرد مراجع مقررات علیه شما بدادرت بصدور اجرائیه نموده که به کلاسه ص/۱۲-۲۰۹ درفایده ۱۱ اجرائیات تهران پرونده تشکیل و چون آدرس شما طبق سی سند تهران نارمک‌آباد نارمک خیابان فرحان شرقی پشت دانشکده علم وصنعت ۲۰ متری رفیعی ۱۸ متری گلستان ۸ متری لاله‌پلاک ۷۲ منزل مورد معامله تعیین شده و هر جوزنیستی فلیک نبوده اجرائیه برای ابلاغ باجرای ثبت فلیک‌ارسال و طی شماره ۴۱۶۲-۵۹/۷/۱۲ دستور اجرای ماموز اجرا داده شده‌طبق گزارش ماموز آدرس شما مشخص نبوده ودر آدرس مذکور شناخته نشده‌اید وبستانکار هم از آدرس دقیق شما عاجز بوده وتقاضا نموده ابلاغ اجرائیه وسیله درج در روزنامه انجام شود لذا باستناد ماده ۱۷ اصلاحی آئین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی ماده اجرائیه فوق‌الذکر یک نوبت درگیکی از جرائد کثیرالانتشار محل آگهی میشود و از تاریخ انتشار این آگهی که روز رسمی ابلاغ اجرائیه محسوب میشود عملیات اجرائی مراجع مقررات علیه شما مطلب وبجز این آگهی، آگهی دیگری صادر نخواهد شد.

تاریخ انتشار آگهی یکشنبه ۵۹/۸/۲۵

رئیس اجرای ثبت فلیک - فلاح

۱۹۱۱۰۵/م الف

آگهی راجع به غایب مفقودالاثر

در پرونده کلاسه ۱۰۶۲/۵۸ شعبه هشتم دادگاه عمومی تهران خانم فاطمه خنگ ادعا نموده است که همسرش آقای جلال فروش‌نژاد خراسانی فرزند محمد اهل و ساکن تهران چهارراه حسن‌آباد کوچه شاط پلاک ۲۷ کارگر بازنشسته دخانیات در حدود چهار سال است که مفقودالاثر شده است مراتب به تجویز ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی به نار به فاصله یک ماه آگهی میشود که اگر اشخاصی از ناصرده خبری دارند باطلاع دادگاه برسانند.

مدیر دفتر شعبه هشتم دادگاه عمومی تهران - نصیریان

۱۹۲۹۶/م الف

آگهی ابلاغ وقت‌دادرسی طبق‌ماده ۹۲ قانون آئین دادرسی مدنی به آقای حاج عباسعلی خرازی‌فرد در مورد دادخواست تقدیمی بانک فرهنگان با وکالت آقای حسن لطفی وقبل دادگستری بطرفیت شما بخواسته مطالبه مبلغ دویست وپنجاه هزارریال‌ضمائم‌دادخواست شده که پرونده باکلاسه ۱۴/۵۹ در شعبه۲۳ دادگاه عمومی تهران‌مطرح‌برای روز ۶۰/۲/۲۶ ساعت ۱۰ صبح تعیین وقت گردیده نظر باینکه اخطاریه خوانده با تنظیم اطلاعیه طبق ماده ۹۲ قانون آئین دادرسی مدنی ابلاغ شده حسب نظامی خواهان مراتب یکنوبت در یکی‌از جرائد کثیرالانتشار آگهی که در وقت مقرر به شعبه ۲۳ دادگاه عمومی تهران حاضر شوید درصورت عدم‌حضوروقت‌دادرسی‌ابلاغ‌شده محسوب و دادگاه تصمیم قانونی‌اتخاذ مینماید.

مدیردفتر شعبه ۲۳ دادگاه‌عمومی تهران درویش‌زاده

۱۹۲۹۴/م الف

آگهی ابلاغ وقت‌دادرسی به ترک صمدیان

بانک‌تهران دادخواستی بخواسته چهارصدوپنجاه‌هزارریال و خسارات علیه شما بدادگاههای شهرستان سابق تقدیم کرده شعبه ۸۲ ارجاع و پس از انحلال در این شعبه و بکلاسه ۲۲۶/۵۸ ثبت و بروز ۱۳۶۰/۳/۵ ساعت ۹ صبح وقت رسیدگی تعیین شده است اخطاریه و ضمائم بنشانی شما ارسال که طبق ماده ۹۲ ابلاغ شده است لذا مراتب یکنوبت جهت اطلاع شما از مطلوبات آگهی میشود که روز فوق جهت رسیدگی حاضر شوید.

مدیردفتر شعبه ۲۲ دادگاه عمومی تهران - علیرضا ناهوردی

۱۹۱۱۰/م الف

شماره پرونده ۱۴۵۰ آگهی ابلاغ وقت دادرسی و دادخواست و ضمائم به شرکت کوتک آئران آقای حسن لطفی بوکالت از طرف بانک فرهنگان ایران دادخواستی بخواسته ۸۰۰۰۰۰/ ریال با کلیه خسارات باستناد ۷ فقره سفته و واخواست بطرفیت شما و یاباشماره‌اده و عبدالرضا صفری تقدیم دادگاههای عمومی تهران نموده که جهت رسیدگی به این شعبه ارجاع و بکلاسه فوق ثبت چون طبق گزارش مرجع ابلاغ اخطاریه در محل بعینه شناخته نگردیده‌دادخواست نظامی وکیل خواهان و موافقت دادگاه بدستور ماده ۱۰۰ قانون آئین‌دادرسی مدنی مراتب سه نوبت سوالی در یکی از جرائد کثیرالانتشار و روزنامه رسمی کشور آگهی میشود که با مراجعه بدفتر دادگاه و دریافت نسخه دوم اخطاریه و دادخواست و ضمائم در جلسه دادرسی روز یکشنبه ۱۳۵۹/۱۱/۲۶ ساعت ۱۰صبح حاضر شوید عدم حضور شما مانع رسیدگی نخواهد بود چنانچه بعداً ساری به نشر آگهی باشد مراتب یکنوبت درج و مدت آن ۱۰ روز خواهد بود.

مدیر دفتر شعبه ۱۸ دادگاه عمومی تهران - مسعود سولی باسی

۱۹۳۶۸/م الف

ابلاغ وقت دادرسی به آقای هوشنگ موزوری

آقای پرویز نامیشان اصفهانی بوکالت ازطرف بانک پارس (ملت) سهامی عام بطرفیت شما دادخواستی بخواسته باستناد پشتوانه‌دادگاههای صلح تهران بشعبه دادگاه کلیه باین دادگاه ارجاع وبکلاسه ۲۰۹/۵۹ ثبت وبا تعیین وقت رسیدگی بروز ۵۹/۹/۲۶ ساعت ۹/۵ صبح نسخه ثانی دادخواست وضمائم بنشانی شما ارسال که هیچیک از سکان و سیوسین شما در محل سوده ومامور با تنظیم اطلاعیه والصاق آن به محل اقامت شما طبق ماده ۹۴ قانون آئین دادرسی مدنی اقدام نموده است. لذا باستناد تبصره تبصره ذیل ماده مذکور مراتب یکنوبت در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار محلی درج میشود که ظرف یکماه پس از انتشار بدفتر شعبه۱۵ دادگاه صلح تهران مراجعه ونسخه ثانی دادخواست وضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی در دادگاه حاضر شوید والا نسخه ثانی دادخواست وضمائم ابلاغ شده محسوب و دادگاه غیابا اتخاذ تصمیم خواهد نمود.

مدیردفتر شعبه ۱۵ دادگاه صلح تهران - قدمگاهی

۱۹۲۳۷۳/م الف

آگهی مزایده یکدستگاه اتومبیل

بموجب رای صادره از دادگاه کل کار و امور اجتماعی تهران از آقای سید - علی نادل‌زاده و علیه کارفرمای کارسنگ‌سوئیس ایران وابسته به گروهی سرمایه - گزاری الوند در پرونده کلاسه کار - ۲۳۶/۵۹ در قبال مبلغ ۲۲۰۰۰۰ ریال یکدستگاه اتومبیل وانت سوزوکی شماره شهربانی ۱۲۶۲۷ - تهران وسیله این اجرا بازداشت شده و کارشناس رسمی دادگستری بقیمت ۲۳۰۰۰۰ ریال اتومبیل مذکور را تقویم و ارزیابی نموده است و باتمین باد شده پس از تشریفات قانونی از طریق مزایده در روز ۱۳۵۹/۹/۵ از ساعت ۱۲ تا ۱۴ بعد از ظهر به نشانی خیابان طالقانی پارکسنگ مقابل اطریش بمزایده گزارده میشود و باتمین ذکر شده به قیمتی واگذار میشود که بالاترین قیمت را خریداری نمایند.

رئیس اجرای شعبه اول دادگاه عمومی تهران

۱۹۲۳۲۱/م الف

آگهی

پیرو آگهیهای قبلی درروزنامه رسمی ومحلی شرکت آباسکو وشرکت مهندسی کرن مجهول‌المکان مبنی‌بشرح پرونده شماره ۱۳۶۸/۵۸ ودادنامه شماره ۱۳۳۳ - ۵۰۴ - ۵۹/۶/۲۵ نامبرده محکوم است بپرداخت مبلغ شش‌میلیون‌وهشتصد هزارریال بابت اصل خواسته ومبلغ ۲۵۰۸۴۱ ریال بابت هزینه دادرسی وخسارات واخواست واگهی وحق‌الوکاله درحق بانک فرهنگیان ایران بپرداخت لذا دادنامه ومفادآن یک نوبت درروزنامه محلی کثیرالانتشار آگهی وبشما ابلاغ میشودکه از تاریخ انتشار آگهی شرکت آباسکو وشرکت مهندسی کرن ظرف ده روزازحکم صادره میتوانید بهمین دادگاه یا دادگاههای عمومی اعتراض نمایند وچنانچه بعداً آگهی لازم باشد یکنوبت منتشر خواهدشد.

مدیردفتر شعبه ۲۲ دادگاه عمومی تهران - هلالی

۱۹۲۳۷۶/م الف

آگهی ابلاغ دادنامه

پیرو آگهیهای منتشره درروزنامه‌های رسمی وپیام امروز و شماره ۶۱ مورخ ۱۳۵۹/۴/۷ روزنامه‌دیرمدت باطلاع آقایان غلامحسین شیرازی وعلی لاجوردی خواندگان پرونده کلاسه ۲۹۰/۵۸ شعبه ۱۵ دادگاه صلح تهران (پرونده ۴۸۶/۳۲ شعبه ۷۷ دادگاه شهرستان سابق) میرساند که جلسه فوق‌العاده مورخ ۱۳۵۹/۷/۱۲ دادگاه منجر بصدور دادنامه شماره ۵۵۲ مبنی برمحکومیت شما بشرح زیر شده است - ۱- تعدیل اجاره‌بها ازمبلغ هشتادوپنج ریال به بیست وشش‌هزارریال در ماه ۲- مبلغ سیصدوهشتادوچهارهزار ریال بابت مابه‌التفاوت اجاره‌ازتاریخ تقدیم دادخواست (۵۷/۵/۲۴) تا صدور حکم ۳- مبلغ ۲۵۹۲۶ ریال بابت خسارات دادرسی قسما رای صادره غیابی وقابل واخواهی است.

مدیردفتر شعبه ۱۵ دادگاه صلح تهران - قدمگاهی

۱۹۲۳۷۵/م الف

آگهی

پیرو آگهی شماره ۹۸۵۷ منتشره درروزنامه رسمی وشماره ۱۷۰۸۷ م الف در روزنامه پیام امروز باطلاع آقای احمدشکوهی میرساند که وقت رسیدگی پرونده شماره ۱۱۰۱/۵۸ موضوع دادخواست آقای حاج ابوالقاسم سیدنصیر بابطال سند انتقال ۱۰۰۱۰۱ مورخ ۵۷/۱۰/۲۸ به روز یکشنبه ۵۹/۱۰/۲۸ ساعت ۸ صبح تعیین گردیده است درمادگاه شعبه ۳۳ صلح تهران واقع درخیابان جنوب پارک شهر حاضر شود والا دادگاه غیابا تصمیم نایسته اتخاذ خواهدنمود.

مدیردفترشعبه ۳۳ دادگاه صلح تهران - ساری

۱۹۲۶۹/م الف

ابلاغ وقت دادرسی به آقایان یعقوب کادی کلیمی ویعقوب یعقوبیان

آقای یعقوب احمدوبطرفیت شما دادخواستی بخواسته تعدیل اجاره بهاء بشعبه صلح سی‌وشهزارریال بامضاء اعتماد رسی بدادگاههای صلح تهران تقدیم داشته که باین دادگاه ارجاع وبکلاسه ۱۷۱/۵۹ ثبت وباتعیین وقت رسیدگی به روز ۵۹/۱۰/۶ ساعت ۱۰ صبح نسخه ثانی دادخواست وضمائم بنشانی شما ارسال که هیچیک از سکان وسیوسین شما درمحل سوده ومامور باتنظیم اطلاعیه والصاق آن بمحل اقامت شما طبق ماده ۹۴ قانون آئین دادرسی مدنی اقدام نموده است لذا باستناد تبصره ذیل ماده مذکور مراتب یکنوبت دریکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار محلی درج میشود که ظرف یکماه پس از انتشار بدفترشعبه ۱۵ دادگاه صلح تهران مراجعه ونسخه ثانی دادخواست وضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی در دادگاه حاضر شوید والا نسخه ثانی دادخواست و ضمائم ابلاغ شده محسوب ودادگاه غیابا "اتخاذ تصمیم خواهدنمود.

مدیر دفترشعبه ۱۵ دادگاه صلح تهران

۱۹۲۷۰/م الف

آگهی

پیرو آگهیهای منتشره در روزنامه‌رسمی شماره۱۹۶۲۱ الی ۹۶۴۲ و روزنامه بورس شماره‌های ۲۰۰۱ الی ۲۰۰۳ بدینوسیله به آقای علی مرادگرو مجهول‌المکان ابلاغ میشود که پرونده کلاسه ۵۲۹/۲۶ شعبه ۷۶ دادگاه شهرستان سابق تهران موضوع دادخواست اقرار آقای خلیل‌مبینی آزاد علیه شما به شعبه ۱۵ دادگاه شهرستان‌ارجاع‌وبکلاسه۱۲۴۲/۵۸ تحت‌رسیدگی میباشد و بتاریخ ۱۳۵۹/۱۱/۱۳ ساعت ۱۰/۵ صبح تعیین وقت شده‌است درموقع تعیین وقت جلسه رسیدگی و تحدیدسهام با استقرار حاضر شوید محل دادگاه خیابان جنوبی پارک شهر باختران شماره۲۰ دادگستری میباشد.

مدیر دفتر شعبه۱۵ دادگاه صلح‌تهران

۱۹۲۷۱/م الف

تاریخ - ۵۹/۶/۲۲ شماره پرونده ۲۱۲/۵۸ شماره دادنامه - ۶۸۷ - ۵۹/۶/۲۶ مرجع رسیدگی - شعبه ۵۰دادگاه صلح تهران - خواهان - آقای محمدحسین حسین‌زاده تهران خیابان آزادی مقابل دانشکده صنعتی پلاک ۶۲۰ خواندگان آقای موجهر وثوق انصاری مجهول‌المکان خواسته - یکصدهزارریال گردشترکار - پس از وصول دادخواست و نسبت به بکلاسه فوق‌الذکر و انجام تشریفات قانونی و دفتری در تاریخ فوق دادگاه بتصدی امضاءکننده زیر تشکیل و پس از بررسی محتویات پرونده امر را اعلام ختم رسیدگی شرح زیر صادرمینماید. رای‌دادگاه - به خواهان شرح دادخواست تقدیمی بتوراثی داری صلح یکصدهزارریال‌بمعاشرت‌داخلی‌خواندگان موضوع قولنامه مورخ ۵۷/۲/۲۷ مضبوط در پرونده را با احتساب خسارات مطالبه نموده است مدعی‌در جلسه دادگاه ضمن اعلام وصول سهمیه طلب خود از آقای فریدون‌وثوق‌انصاری و استرداد دعوی نسبت بخواننده خواستهمعود را نسبت بخوانده دیگر میخواهد مطالبه مبلغ پنجاه‌هزارریال بابت مابه‌التفاوت‌اجاره سهمیه نامبرده بانضمام مبلغ ۱۱۵۰ ریال بدهی پدرا قبضه‌شده به اقای اسماعیل وصادرات اعلام نموده‌است دادگاه با توجه بمراتب و عنایت بمندرجات پرونده بویژه‌ضمن قولنامه تنظیمی و قبوض قبض رسید بانک بازرگانی و اینکه از ناحیه خوانده سند بدعوی و مستند دفاعی شده است دعوی اقامه‌شده از تحمیل بر صحت تشخیص و مستند ماده ۳۵۷ قانون آئین دادرسی مدنی‌مورد خوانده را بپرداخت مبلغ ۵۱۱۵۰ ریال بابت اصل خواسته و مبلغ ۱۵۵۵۰ ریال بابت خواندرج‌آگهیهای منتشره در روزنامه رسمی و جمهوری اسلامی و مبلغ ۶۸۴۵ ریال بابت خسارت تاخیر تادیه از تاریخ تقدیم دادخواست تاروان صدور حکم در حق خواهان محکوم مینماید دایره اجرا مکلف است در صورت‌اجرای دادنامه‌مصارت تاخیر تادیه از این تاریخ‌تا روز اجرا را بماخذ ۵۱۲ در سال‌محاسبه و بدفع خواهان از خوانده وصول‌نماید رای غیابی بوده و ظرف دهروز از تاریخ ابلاغ‌در قسمی دادگاه قابل واخواهی است.

رئیس شعبه ۵۰دادگاه صلح تهران - عبدالله طالع‌زاده

رونوشت برابر با اصل است - به مفاد رای دادگاه بخوانده ابلاغ میشود که ظرف مهلت مقرر قانونی از حق قانونی خود استفاده نماید و پس از انقضاء مهلت و درخواست صدور اجرائیه از ظرف دهیم اجرائیه صادر و مفاد آن در روزنامه‌کیهان و یا انقضاء مهلت اقدام قانونی بعمل خواهد آمد مگر آنکه محکوم علیه قبلا رئیس اجرا را ازعمل اقامت خود مطلع نماید.

مدیر دفتر شعبه ۵۰دادگاه صلح تهران - جلیلوند صدقی

۱۹۲۷۸/م الف

تاریخ - ۵۹/۴/۴ شماره دادنامه ۴۴۴ - ۵۹/۵/۴ پرونده کلاسه - ۱۴۶/۵۸ - مرجع رسیدگی - شعبه ۵۰ دادگاه صلح تهران خواهان - گروه صنعتی عاج شرکت سهام‌عام بلوار التراپت سابق کوچه سوم پلاک ۲ خواندگان - آقای محمدعلی حامی - مجهول‌المکان - خواسته - ۷۵۹۰۰/ ریال. گروه‌شرکاء پس ازوصول‌دادخواست‌خواهان‌و ثبت بکلاسه فوق و انجام تشریفات قانونی و دفتری در تاریخ فوق دادگاه بتصدی امضاءکننده زیر تشکیل و پس از بررسی محتویات پرونده امر را اعلام ختم رسیدگی بشرح آتی‌مبادرت به صدور رای مینماید.

رای دادگاه - دعوی خواهان بشرح دادخواست و مدارک پیوست عبارتست از مطالبه مبلغ ۷۵۹۰۰ ریال وجه یکدفتر سفته بضمیمه کلیه خسارات. با عنایت بمحتویات‌پرونده نظر باینکه‌سند خواهان یکبرگ‌سفته واخواست‌شده بشماره ۳۳۴۲۸-۵۶/۱۱/۸ - میباشد و عرفا سر بست به دعوی و مستندات آن دفاع‌وایرادی بعمل نیاورده‌است علیهذا با شناسائی ادعای خواهان و باستناد ماده ۲۵۷ قانون آئین دادرسی مدنی خوانده را بپرداخت مبلغ هفتادوپنج هزار و نهصدوریال باضمائم خواسته و مبلغ ۳۳۰۹۲/ ریال بابت هزینه دفتر - خسارت تاخیر تادیه و هزینه درج آگهی در مطبوعات در حق‌خواهان محکوم مینماید. دایره اجرا مکلف است در صورت‌اجرای دادنامه خسارت تاخیر تادیه فاصله زمان صدور رای‌تا روز اجرا را بماخذ ۵۱۲ درسال محاسبه از خوانده وصول و بخواهان انتقال دارد. این رای غیابی بوده و ظرف دهروز از تاریخ ابلاغ در قسمی دادگاه قابل واخواهی است.

رئیس شعبه ۵۰دادگاه صلح‌تهران - عبدالله طالع‌زاده

رونوشت برابر با اصل و اداری است.

مفاد رای دادگاه بخوانده ابلاغ می‌شود که ظرف مهلت مقرر قانونی از حق قانونی خود استفاده نماید و پس از انقضاء مهلت و درخواست صدور اجرائیه از ظرف دهیم اجرائیه صادر و مفاد آن در روزنامه‌کیهان و یا انقضاء مهلت اقدام قانونی بعمل خواهد آمد مگر آنکه محکوم علیه قبلا رئیس اجرا را ازعمل اقامت خود مطلع نماید.

مدیر دفتر شعبه ۵۰دادگاه صلح تهران - جلیلوند صدقی

۱۹۲۳۷۲/م الف

ابلاغ وقت دادرسی به حسن حیدری زنگنه

آقای رضاعلی سلطان محمدی بطرفیت شما دادخواستی بخواسته مبلغ سه میلیون وپانصدهزارریال باستناد چکبرگه بشماره ۲۲۲ ثبت وبا تعیین وقت رسیدگی بروز ۵۹/۱۰/۱۲ ساعت ۱۱/۵ صبح بشکل ثانی دادخواست وضمائم بنشانی اعلامیه والصاق آن به محل اقامت شما طبق ماده ۹۴ قانون آئین دادرسی مدنی اقدام نموده‌است. لذا باستناد تبصره ذیل ماده مذکور مراتب یکنوبت درروزنامه‌محلی کثیرالانتشار محلی درج میشودکه ظرف یکماه پس از انتشار بدفترشعبه ۳۰ دادگاه عمومی تهران مراجعه ونسخه ثانی دادخواست وضمائم را دریافت ودروقت مقرر جهت رسیدگی در دادگاه حاضر شوید والا نسخه ثانی دادخواست وضمائم ابلاغ شده محسوب ودادگاه غیابا "اتخاذ تصمیم خواهدنمود.

مدیر دفترشعبه ۳۰ دادگاه عمومی تهران - سجودی

۱۹۲۷۶/م الف

آگهی حضوروراثت

خانم باهره روسا بشناسنامه ۲۸۰ صادره ۹ تهران بشرح دادخواست کلاسه ۲۵۶ این شعبه توضیح داده شادروان فاطمه حرب بشناسنامه ۲۵۵ - تهران در تاریخ ۵۹/۱/۲ (در مکه معظمه هنگام مناسک) فوت نموده ودر محل‌فاعلگاه دائمی وی تهران بوده وحین‌الفوت ورثه نامبرده عبارتند از ۱- خانم باهره روسا (متقاضیه) ۲- زهره روسا بشناسنامه شماره ۲۸ صادره از حوزه ۲ تهران ۳- فهیمه روسا بشناسنامه شماره ۸۸ صادره حوزه ۹ تهران وبیک پسر بنام سوجهر روسا بشناسنامه شماره ۱۲۶۲ صادره حوزه ۹تهران وبنحو از نامبردگان فوق دیگر وارث دیگری ندارد.

لذا مراتب یک نوبت اعلام می‌گردد در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از مرگشته نزد اشخاصی باشد ظرف یک ماه از تاریخ اولین آگهی به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد وهر وصیتنامه‌ای جز رسمی وسری که بعداز این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

رئیس شعبه ۲۴ دادگاه صلح تهران اعتمادی

۱۹۲۱۶۶/م الف

آگهی حضوروراثت

آقای سیدمحمد فرجالله‌زاده موسوی بشناسنامه ۲۲۰ گیلان (رشت) بشرح دادخواست کلاسه ۲۵۹/۵۹ این شعبه توضیح داده شادروان سیدمهدی فرجالله‌زاده موسوی بشناسنامه ۱۲۹۲۲ در تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۱ درگذشته وراث حین‌الفوت آن مرحوم عبارتند از ۱- متقاضی باشخصات فوق‌الذکر همسر دائمی متوفیه ۲- نصرت فرجالله زاده موسوی به شناسنامه ۱۲۹۲۷ صادره از رشت ۳- اشرف فرجالله زاده موسوی به شناسنامه ۱۰۵۳۱ صادر از رشت ۴- محترم السادات فرجالله‌زاده موسوی به شناسنامه ۲۰۰۱۵ صادره از تهران ۵- سیده زهرا فرجالله زاده موسوی به شناسنامه ۱۶۹۸۱ صادره از رشت ۶- فروغ فرجالله‌زاده موسوی بشناسنامه ۱۲۱۷۵ صادره از رشت دختران متوفیه ورثه دیگری ندارد.

لذا مراتب معنونت ماهی یکنوبت در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از مرگشته نزد اشخاصی باشد ظرف یک ماه از تاریخ اولین آگهی به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد وهر وصیتنامه‌ای جز رسمی وسری که بعداز این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

رئیس شعبه ۲۵ دادگاه صلح تهران - محمدابراهیم طالقانی

۱۹۲۰۲/م الف

آگهی حضوروراثت

خانم صغری علیزاده صالحی بشناسنامه ۱۳ بشرح دادخواست کلاسه ۲۲۲۸/۵۹ این شعبه توضیح داده شادروان حسن علیزاده صالحی بشناسنامه ۱۹۸۳۲ درتاریخ ۵۹/۵/۱۲ درگذشته ورثه وی عبارتند از ۱- متقاضیه خانم صغری علیزاده صالحی بشناسنامه ۲۹۱ ودختران علیزاده صالحی بشناسنامه ۲۷۱ واکرم علیزاده صالحی بشناسنامه ۲۰۹ دختران ومعیده نوبی بشناسنامه ۲۲۲۸ همسر متوفی. لذا مراتب به نوبت‌ماهی یکنوبت درروزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از مرگشته نزد اشخاصی باشد ظرف یک ماه از تاریخ اولین آگهی به دادگاه تقدیم‌دارد والا گواهی صادر خواهد شد وهر وصیتنامه‌ای جز رسمی وسری که بعداز این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

مادرس شعبه‌اول دادگاه صلح تهران - احمدی

۱۹۲۰۹/م الف

آگهی حضوروراثت

خانم‌عصمت‌الشریعه ناظادی بشناسنامه ۲۲۲۱۸ تهران بشرح دادخواست کلاسه ۲۵۹۶-۵۹/۲۵ این شعبه توضیح داده شادروان سیدمطلبی مدرس قمری بشناسنامه ۱۲۸۰۸ درتاریخ ۱۳۵۹/۵/۵ درگذشته وراث حین‌الفوت آن‌مرحوم عبارتند از ۱- مطلقه باشخصات فوق‌الذکر عیال دائمی متوفی ۲- علی اکبر مدرس قمری بشناسنامه ۱۲۰۰ صادره ازتهران ۳- سیدحسن قمری بشناسنامه ۱۲۹۹ صادره ازتهران ۴- سیدعبداله (مسعود) مدرس قمری بشناسنامه ۶۲۶ صادره ازتهران پسران متوفی ۵- خانمهاآذاب مدرس قمری بشناسنامه ۱۰۵۰ صادره ازتهران ۶- فروزانسادات مدرس قمری بشناسنامه ۲۰۲۴ صادره‌از تهران دختران متوفی ورثه دیگری ندارد.

لذا مراتب به نوبت ماهی یکنوبت در روزنامه محلی آگهی میشود تاچنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از مرگشته نزد اشخاصی باشد ظرف یک ماه ازتاریخ اولین آگهی به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد وهر وصیتنامه‌ای جز رسمی وسری که بعداز این موعد ابراز شود از درجه اع

بنیاد بعد از ۲ سال،

از صفحه ۹

حاموشی نشستند و عملاً" هم نگذاشتند که کارشناسان بخوانند و دربعضی از موارد دیگر هم درعزل ونصبها و خصوصات دیگر و کارهای اجرائی که بالاخص بنیاد‌های شهرستانها مراجعه میکردند هیئت دراین مسائل دخالت میکرد.

انقلاب اسلامی ـ در رابطه با استعفای آقای خاموشی و باتوجه بدستور عدم عزل‌ونصب، هم شما و هم آقای خاموشی اشاره کرده بودید که به این مسئله رسیدگی خواهد شد و ایشان مجاز نبودند که دراین شرایط بنیاد را رها کرده بروند و تصمیم مانعی دراین زمینه گرفته خواهد شد. آیا این تصمیم اصولاً" گرفته شده یا خیر؟

عمیدزنجانی ـ به این سئوال درمسئله دادگاه جواب خواهم داد که هیئت کلیه مسائلی را موکول کرده به دادگاه و یکی از مسائلی که دادگاه باید رسیدگی کند مسئله آقای خاموشی

یکی از مسائلی که دادگاه باید رسیدگی کند مسئله آقای خاموشی است

است که باوجود آنکه هیئت استعفای ایشان را پذیرفته اما ایشان عملاً" بنیاد را رها کردند مجدداً بخشی درآن زمینه دارند.

از جمله کارهائی که هیئت انجام داده، که کار بنیادی بوده تعیین تکلیف و خط مشی بنیاد بوده تا از روز اول بنشینیم و کنیم بالاخره مسئله بررسی و رسیدگی یکطرف واینکه این اموال چه سودی برای مستضعفین داشته‌باشد مسئله مهم و اساسی دیگری است. اموال مستضعفان بصورت انبار نگهداری شده بود. تمام آنها را به انبار برده بودند و بنیاد یک قسمت کارش شده‌بود انبارداری. ما کنیم بنیاد باید ازصورت انبارداری خارج شود و تکلیف این اموال را روشن کند. آمدیم طبقه‌بندی کردیم مسئله مهم و حاد، مسئله ماشینها بود. بنیاد چهارسری ماشین داشت.

ماشینهائی که جنبه عمده دارد بدل ماشینهای قدیمی که خودمهم وارد نیستم ولی جنبه عمده دارد یعنی فرض کنید کارخانه ماشین‌سازی رولزرویس (که بنیاد یک بدل از همین ماشین دارد) خواسته که این رانگیرد و درمقابل یکدستگاه ماشین آخرین سیستم این‌نوع رابدهد بعلاوه ۲۵ میلیون. یکسری ماشینهای اینجوری بود یکسری هم ماشینهای گرانقیمتی بود که اینها را سفارشهای خصوصی داده بودند. اشرف ماشینی داشت که توی آن بار و غیره و ذالک داشت و درتمام دنیا هم‌همین یکمدل بود یعنی این را سفارش داده بود بسازند با هزینه همچنین و یکسری ماشینهای گرانقیمت دربار بودند بهزینه‌های ۶۰۰ به بالا که اینها هم‌نوع دیگری بودند. یکسری هم ماشینهای متوسط گرانقیمت بودند ازنوعهای ۲۵۰ گرفته تا ۴۵۰ مدلهای مختلف که بنظر هیئت اینهائی‌که بایستی زیرپا برود و زیرپای هرکه باشد جنبه بنظرطاغوتی دارد ماشینهای پائین‌تر ازآنها که مثلا سیرهای ۲۵۰ و ۳۰۰، ۳۵۰ بود و..... تاماشینهای نظیر فولکس.

ما تکلیف ماشینها را روشن کردیم و گفتیم که ماشینهای‌بزرگ مدل ۳۵۰ به بالا همه دراختیار دولت قرار گیرد و دولت دراین زمینه تصمیم بگیرد. یکسری ماشینهای تندرو رامثلا میتواند دراختیار مبارزه با مواد‌مخدر قرار بدهد ویکسری ماشینها را برای مهمانانی که از بیرون می‌آیند نگهداردو غیره. و ماشینهای‌مدل ۲۵۰ به بالا را دولت در داخل مصرف نداردیا نگهداری میکند یا آنرا دربازارهای‌خارج میفروشد که پولش عاید دولت شود. این را بعهده خود دولت میگذاریم کمیراکر تصمیم‌گیری هرچه کمتر وهرچه محدودتر بهتر و لذا دریک جلسه با نماینده وزارت‌دارائی و بحث‌وزیری و نماینده وزارتخانه‌های وابسته‌جلسه‌ای تشکیل شد و قرارداد معامله این ماشینها بسته شد، ماشینهای عادی و پائین‌هم‌اکنوا" دراختیار بنیاد نبودو دراختیار جهاد یا سپاه و غیره بوده‌ازاین مسائل‌ردمیشوم.

دومین تصمیمی که هیئت گرفت راجع به جواهرات بود. ما گفتیم اگراین‌جواهرات را دربازار آزاد بفروش برسانیم شاید ۲ یا ۳ برابر قیمت داشته باشد بنفع مستضعفان‌است‌امابنده‌ایم اینها بلافاصله ازمملکت خارج میشودکه از لحاظ اقتصادی ضربه‌ای به مملکت است و چون هرنوع معامله طلا که با بانک مرکزی نباشد یک نوع خلاف قانون است ما تصمیم‌گرفتیم طلاوجواهرات رادراختیار بانک مرکزی بگذاریم که این به نفع مستضعفین است وقبل ازورود هیئت به بنیاد چنین کاری انجام نشده‌بود، مسئول این کار خودم بودم.

اینهادریک هیئت ۷نفری از متخصصان قیمت‌گذاری شدو تحویل بانک مرکزی گردید و چون این متخصصین ذینفع‌نبودند نظرشان برای ما قابل توجه بود.

انقلاب اسلامی ـ آیا پول آنها از طرف بانک مرکزی مسترد میشد به بنیاد.

عمیدزنجانی ـ بله، ازاین ۷نفر، ۲نفرشان از بانک مرکزی معرفی شده‌بودندو۵ نفرار بنیاد، خانم‌زنجانی بخاطرم آمد

ما برخوردکردیم به یک زیرسیگاری کوچک‌بعضی کارشناسان گفتند این زمرداست یعنی گنده بودند زمرد را وازآن جا سیگاری درآورده بودندو تحمل خسارات زیادی‌را برای این تبدیل، کرده بودند، بعضی ازکارشناسان گفتند زمرد نیست ولی بهرحال سنگ گرانبهائی بودکه حداقل ۱۵۰ هزارتومان قیمت گذاشتند.

درهرحال جواهرات کلاً" تحویل بانک مرکزی شد و قیمت‌گذاری شد البته هنوزمعامله جواهرات تمام نشده و این مسئله با موافقت خودآقای نوبری بود، موقعیکه، طلاها را تحویل میدادیم قیمت طلا درتومان بود، روز اول مثلا گرمی ۱۷۰ تومان بود واین اواخر گرمی ۲۴۰ تومان بود و این مسئله هنوز مانده که ما درقیمت‌گذاری کدام معیار را درنظر بگیریم، البته بانک مرکزی صورت آنهارا بما داده وجمع‌بندی هم کرده‌اندکه کل مبالغ این جواهرات چقدر بوده قسمتی ازاین‌جواهرات وطلاهاراهم تحویل بانک مرکزی دادیم ولی قیمت‌گذاری نشده.

ازجمله تصمیمات دیگر تصمیم راجع به عتیقه‌جات بودکه مثلا تابلوها وچیزهای دیگری را از خارج با قیمت گزافی خریده‌اند که شاید در داخل قیمت چندانی نداشته باشدولی دربازارهای جهانی صاحب قیمتهای بالایی است ماتصمیم گرفتیم که کلیه عتیقه‌جات را تحویل بانک مرکزی بدهیم وبه آنها بفروشیم، آقای‌نوبری گفتند ما اینهارا میخواهیم جکار چون بانک مرکزی با عتیقه‌جات رابطه‌ای ندارد، ماپیشنهادکردیم که تصمیم راجع باین عتیقه‌جات را بانک مرکزی بگیرد که موافقت شد. اماعملی نشد چون ما هنوز از مسئله جواهرات فارغ نشده‌بودیم ویک سری مسائل دیگری هم بود بهرحال این عتیقه‌جات اکنون در اختیار بنیادودر نمایشگاه است.

درمورد شرکتهاوکارخانجات نظر هیئت این بود که کلیه آنچه واگذار کردنی است بدولت واگذار شود به وزارتخانه‌های مختلف وبعضی هم اگر امکان دارد به بخش خصوصی واگذار شود. البته بخش خصوصی نه بصورت سرمایه‌گذاری بلکه بصورتیکه سهم قابل توجهی ازآن کارمندان وکارگران باشد.

هیئت با بررسی‌اش مواردی پیدا کرد که جواهرات، عتیقه‌جات و فرشهای عتیقه فروخته‌اند

انقلاب اسلامی ـ آیاشما تصمیم نداشتید این را در اختیارنهادوبنیادی‌مشکل‌ازفارغ‌التحصیلان‌بیکار قرار دهید؟

عمید زنجانی ـ این مسئله کاملا برای ما بخته نشده بود وماتصمیم داشتیم بعداز اینکه ازکار عتیقه‌جات و جواهرات فارغ شدیم نظرخواهی بکنیم راجع به بقیه اموال غیرمنقول نظری که شما میفرمائید مطرح شدکه آنهم نقاط مثبت ومنفی داشت واحتیاج به بررسی داشت، در مورد مستغلات‌وخانه‌هاهم بگویم که اینها از مشکلات بنیاد است کاخهای متعددخانواده‌شاه مخلوع مدفون‌داشت که فامیل بکلی نیست وبعضی از آنها در نقاط دورافتاده است. بعضی از کشورهای خارجی تقاضای خرید داده‌بودند که آنها هم بعللی درست نبود مثلا کاخ شمس را کشه شدکه از طرف سفارت شوروی پیشنهاد خریداده‌شدکه البته این خیلی بنفع نیست‌وبصورت تحمیل وبنال عرض میکنم که معلوم نبود صلاح باشد.

بعد از کاخها خانه‌های طاهونی ۲۰ هزارمتری است که معلوم نیست چگونه بعنوان از آن استفاده کرده بعضی خانه‌های ۲ـ۳ هزارمتری وپائین‌تر، شاهانه تصمیم فاطمی دراین زمینه گرفته شده که باید گرفته شود. امکان این خانه‌ها روی نظم ورال بوده ویک مقدارحساب وکتاب کنار گذاشته شده‌ورابطه‌های ضابطه هارا گرفته. الان متجاوز از ۶۰۰ واحد سکونی مصادره شده است که همه پر است و اکثرا افرادی درآنها نشسته‌اند که قدرت تهیه مسکنی در جای دیگر نداشته‌اند و بعضی‌ها اجاره داده شده و فعلا آپارتمانی که ۸۰۰۰ تومان اجاره‌اش هست به ۱۰۰۰تومان اجاره داده شده و آنوقت آن هزارتومان هم مقداری داده شده و مقداری هم داده نشده است که باید رسیدگی می‌شد.

برای تصمیم نهایی درمورد تخلفات، هیئت دادگاهی مرکب از نماینده دادستان و حاکم شرع تشکیل داده شده است، نماینده دادستان را از بهترین بچه‌های گروه تحقیق انتخاب کرده چون اینها عملا همه جا رفته‌اندبدینه‌اند لذا وارد هستند از بهترینشان انتخاب شده و بعنوان نماینده دادستانی و حاکم شرع انتخاب شده و دادگاه در آغاز کارش است و انشاءاللهحکم های مناسب خواهد داد.

انقلاب اسلامی ـ در مورد آقای خاموشی هم؟

عمید زنجانی ـ طبعا و ایشان هم در مورد مسائلی‌که برایشان مطرح است باید پاسخگو باشند. شاکیانه‌درسلک ماجوی‌بوجودآمده که دعوت به پاسخ در دادگاه به معنای محکومیت تلقی میشود. ولی ممکن است شخصی پاسخ قانع کننده داشته باشد و تبرئه شود. در مورد آقای خاموشی‌هم برای اینکه بیطرفی نشود، این را تاکید می‌کنم که باید پاسخگو باشند اما ممکن است احتمالا پاسخ قانع کننده‌ای داشته باشد و محکومیتی نداشته باشد

آخرین مسئله اینست که ما مجبور بودیم برای‌مدیریت و سرپرستی شخصی را تعیین می‌کردیم. پیشنهادهای مختلفی بود که ۴ نفر از مسئولین سابق بنیاد و یک نفر از اعضای هیئت یک شورای پنج نفری مدیریت و سرپرستی را تشکیل دهند ابتدا این نظریه در هیئت تصویب شد ولی بعد بعللی بهم خورد. بعدا هیئت افرادی راکاندیداکردند برای سرپرستی بنیاد ازجمله‌آقای روزهای، آقای غروی استاندار آذربایجان غربی که آنهم بعللی منتفی شد

ادامه‌دارد

نیازمندی‌ها: ۳۲۸۵۱۹ - ۳۱۱۰۸۶ - ۳۱۵۵۳۰

تدریس

مجتمع آموزشی آزادی
رادیو و تلویزیون
نقشه‌کشی، نقشه‌برداری،
حسابداری دفترداری بایگانی
ماشین‌نویسی انگلیسی ۶۶۸۱۵۲
آذربایجان مقابل پست
سرس ۱۵۵۰۵۱

کلاسهای نقشه‌کشی،
طراحی، پرسپکتیو و
نقاشی بصورت آزاد،
آتلیه گالری دیسا
خدمات آموزشی فوق رابا
بهترین کیفیت ارائه میدهد
تلفن ۶۵۴۶۱۰

کلیه دروس ابتدائی،
راهنمائی، نظری‌هنرستان
قبولی‌صد در صد با قیمتی
مناسب
۲۳۶۳۴۳ - ۵۶۶۹۶۷

نقشه برداری
شرکت ساختمانی جزین
خیابان مهمان ۸۵۵۳۵۴

فروش لوازم

دستگاه ویدئو ناسیونال
رسید ۹۳۷۷۸۰

اجاره وفروش نوار
ویدئو بدون حق عضویت
تلفن ۶۶۳۶۷۴

اجاره وفروش نوار
ویدئو درمحل تلفن
۹۳۷۷۸-۹۳۱۶۳۴

فلاسکاسیل اسکاج نوبل
و انواع کارد آشپزخانه،
۸۱۵۴۳۹ حرمسانی

شستشوی مبل و موکت

باتضمین ۱۰۰٪
بهترین شرکت مبل و فرش
تشخیص ترکیدگی
لوله بازکنی با کامپیوتر
نظافت کلی و نقاشی ساختمان
۲۲۷۰۴۱

تاپ‌سرویس
خشکشوئی موکت مبلمان تشک
اتومبیل نظافت کلی ساختمان
نقاشی وه کوراسیون کامل ۸۵۵۹۱۲

دوراکلین سرویس
خشک‌شوئی مبلمان، موکت،
فرش وتشک اتومبیل درمحل
مطابق باآخرین تکنیک متداول
دروئیا
گرانت رمطهمن تر
تلفن: ۸۴۵۶۸۳
۸۴۸۳۹۵-۸۴۸۳۹۶

سرویس نظافت و
دکوراسیون ساختمان
شستشوی موکت، مبلمان،
شیشه، پولیش کف‌پوش و
نصب پارکت، موکت، کاغذ
دیواری و نقاشی ساختمان
تلفن: ۸۳۴۱۴۸

کلین سرویس ایران
خشکشوئی موکت‌مبلمان
و نظافت کلی ساختمان
تلفن: ۷۸۱۸۳۶

نظافت کامل ساختمان
خشکشوئی موکت مبل‌واکس
پارکت پاکساز ۸۵۵۳۲۹

برای ساختمان

توجه

شرکت ساختمانی سنقف مقاوم
آمادگی خود را جهت‌کار-
های ذیل اعلام میدارد
اجرای کلیه کارهای اسکلت
بتون اسکلت فلزی و سقفهای
تیرچه بلوک باصالح بدون
مصالح در تمام نقاط ایران.
۸۲۷۹۳۱

ایزولاسیون
با عایق محکم با تضمین
۱۰ ساله وقیر گونی با
تضمین ۵ ساله
شرکت قیر بام
ایزولاسیون ایران
۸۵۵۵۰۶-۸۵۵۷۴۴

ایروکام ـ آسفالت ـ
قیرگونی فوری ۷۰۲۲۶۳

ایروکام ـ آسفالت ـ
قیرگونی فوری شرکت تاب
تکنیک ۸۲۰۷۶۹

آسفالتکار
قیرگونی‌اروان ۷۳۷۶۶۹

پیچ رولپلاک
داربستهای فوری ۸۲۵۲۲۰

تعمیر شوفاژ

سرویس و تعمیر شوفاژ
شبانه روزی ۷۹۲۷۳۰

قالیشوئی

قالیشوئی
شربت‌اوغلی
۹۳۴۸۴۶
۹۲۰۰۸۹

قالیشوئی
نائین
با رنگ ثابت
۳۷۶۴۱۸ ۵۴۳۷۴۴
کرج ۷۶۱۷

تزئینات

قیمت شکن
موکت هندی ۲۳۵ ریال
موکت کشمیری ۴۸۵ ریال
کاغذ دیواری فرنگی ۴۰ تومان
پارکت ۱۴۸ تومان
۲۹۴۰۲۸ قبل از ظهر
۳۲۹۸۱۸ پکر و ترقه ۲۲۵۵۸۶

ماده تحویل
فرش ماشینی ـ موکت
بقیمت تجارتی
۶۶۳۹۰۷-۶۶۱۵۱۵

شرکت رادیکو کاغذ
موکت، کفپوش، نقاشی
قیمت تجارتی ۶۷۴۳۳۱

فروش سرقفلی

شبکه سرقفلی‌های مغازه
های تهران ۶۵۱۲۱۲

فروش لوازم برقی

شرکت گزیک
فروش لوازم برق فشار
قوی فشارضعیف ۸۹۹۳۴۳

مبل

پیراهن مبل تعویض
پارچه مبل ۸۵۵۲۶۱

تعمیرات و تعمیرات مبلهای
قدیمی مبل ۹۳۴۹۶۶

فروش اتومبیل

پاناما ۲۰۰، دو سیلندر
تمیز ۱۷ تومان شهرآرا،
کیا، کوچه اشراقی پلاک ۷
بعدازظهرها.

پیدا شده

مدارکی بنام خانم مریم
وکیلی پیداشده با تلفن
۲۹۴۰۲۸ قبل از ظهر
تماس بگیرید.

فرش

شرکت فرش
بهترین خریدارفرشهای
نو و کهنه شما ۷۵۲۶۳۰

تلفن

خرید وفروش تلفن
درجا ۱۹-۶۳۴۶۱۸

مرکز خرید و فروش تلفن
درجا ۲۲۶۲۸۷-۲۲۴۴۳۰

خرید و فروش تلفن
۳۰۳۴۳۶

ترجمه

ترجمه رسمی ۸ ساعته
راهنمای خارج ۹۳۹۱۵۲

خدمات

تخلیه چاه
تشخیص ترکیدگی
و ترمیم
لوله بازکنی فوری
۸۴۳۵۴۸-۸۵۶۲۱۶

تشخیص
ترکیدگی و ترمیم
بابنائی ومصالح،
لوله بازکنی فوری
۸۵۱۸۸۶-۸۴۶۲۵۲
۲۶۹۳۸۷

بارکش شهری

خوش بار
بارکش شهر و شهرستان
حمل بار با اتومبیل
۹۵۶۰۰۰
۹۵۶۰۰۱
۹۶۰۰۹۶

نیازمندی‌ها

دقت نمائید اجناس تضمین شده و با سلیقه انتخاب فرمائید
کادوئی زیبا برای شما
سماورهای برقی تمام اتوماتیک شش لیتری
امینیان فرد (ایران کادو)
روی نقطه اتوماتیک،
هرگز بدون آب نمیسوزد
• مجهز به گرمکن و ترموستات الکتریکی
• با سابقه بیش از ۲۰ سال در صنایع نفتی و الکتریکی
• از نظر بهداشت داخل سماور نیز آب تمیز داده شده است
مراکز پخش:
تمام فروشگاههای معتبر و شرکتهای تعاونی
امینیان فرد
عمده فروشی ۳۵۱۷۴۴
اولین سازنده سماور و کتری برقی و دونوله نفتی و برقی در ایران

تجارت کاشی وسرویس ۶۹
عالیترین کاشی و سرویس ایستالیائی
عباس‌آباد میرعماد شماره ۸۱ تلفن
۸۴۸۵۵۸

تبدیل فیلمهای ۸ میلیمتری خانوادگی کارتون
آموزشی کودکان به نوار ویدئو تلفن ۳۹۸۸۵۰
شهرستانها صندوق ۴۱/۳۵۳۶

برای اولین بار از تولید بمصرف بصورت
حراج در محل
تولید ۲۰ آبان ۵۹ مزون زنانه مداگس
انواع لباسهای زمستانی زنانه وصال
شیرازی بین طالقانی و انقلاب پلاک ۵۴
طبقه چهارم ۶۶۱۳۵۰

ادامه دارد

نیازمندی‌ها: ۳۲۸۵۱۹ - ۳۱۱۰۸۶ - ۳۱۵۵۳۰

حجة‌الاسلام عمید زنجانی عضو هیئت منتخب امام برای بررسی عملکرد بنیاد مستضعفین در مصاحبه با انقلاب اسلامی

بنیاد بعد از ۲ سال، فرصت پیاده کردن نظر امام را پیدا نکرده بود

از شماره پیش

قسمتی از شکایات هم مربوط میشود به تصرفاتی که میشد کرد در این اموال و نقل وانتقالها، چه بصورت فروش و چه بصورتهای دیگر. فروشهای متفرقه بوده، اجاره و واگذاری بوده خانه‌ها را واگذار کردند واجاره دادند مزرعه‌ها و باغات را اجاره دادند شکایتهای زیادی بودکه باید بررسی میشد. روزی که هیئت مشغول بررسی شد به هیئت گفته شد که جواهرات و عتیقه‌جات فروختیم ولی هیئت با بررسی‌اش مواردی پیدا کرد که جواهرات عتیقه‌جات و فرشهای عتیقه فروخته‌اند و این مورد خلافی بود که ما از مسئولین بنیاد شنیدیم.

انقلاب اسلامی ـ مسئولین آن زمان بنیاد؟

عمیدزنجانی ـ بله. خدمتتان عرض کنم ما در بررسیهائی که کردیم یک مقدار فروشها روی ضوابط بود، یعنی روی برآورده بود که بصورت قانونی است ولی در بعضی از موارد ما در تحقیقاتی که داشتیم دیدیم که کارشناس آمده و قیمت گذاشته و خود کارشناس هم آن را خریده که این از نظر افکارعمومی حداقل اتهام‌آور است که یککسی بیاید قیمت بگذارد و خودش بخرد. البته‌ما مسئولین بنیاد این بود که این کارشناسان مورد اطمینان ما بوده‌اند و وقتی قیمت گذاشته، قیمت بالا گذاشته گفته‌ایم خودت بخر. ولی تا اندازه‌ای این جواب قانع‌کننده نمیتوانست باشد. بعلت اینکه احتمال چنددرصد اینجا هست که نمایی باشد.

انقلاب اسلامی ـ این مربوط بوده به اموال منقول یا غیرمنقول؟

عمیدزنجانی ـ هم منقول داریم دراین زمینه و هم غیرمنقول. ولی بیشترش در اموال منقول است و اینها مواردی است که تشخیص داده شده که احتمالا خلاف درش هست، پرونده‌هایش تکمیل شده و دراختیار دادگاه ویژه قرار گرفته.

در تحقیقها دیدیم کارشناس آمده قیمت گذشته (روی کالاها) وخودش هم آنرا خریده

مجموعه‌هائی فروخته شده که جمعاً ۲۰ میلیون ارزش دارد و ۵ یا ۶ میلیون تومان فروخته شده

انقلاب اسلامی ـ این کار تا چه زمانی انجام گرفته؟

عمیدزنجانی ـ اینکار ادامه داشته.

انقلاب اسلامی ـ هنوز هم ادامه دارد؟

عمیدزنجانی ـ نه الان اینها تقریبا تفکیک شده است. شکایتهائی که بی‌اساس بوده، قابل بررسی نبوده و سوءتفاهم بوده و آن شکایتهائی که رویش بررسی نشده و احتمال تخلف در آنها هست. چون هنوز ما در آنها نظر نداریم. هنوز یک مورد هم نظر اینکه این خلاف است نداریم. این واگذار شده به دادگاه ویژه برای اینکه قانونی باشد.

انقلاب اسلامی ـ آقای گریمی نوری در مصاحبه‌شان با انقلاب اسلامی گفت که بنیاد الان گرانبهاترین مجموعه عتیقه دنیا را دارد و ما اجازه نداشتیم که اینها را از طرف بنیاد بفروش برسانیم و اصلا ایشان قبلا مسئول فروشگاه نمایشگاه بودند.

عمیدزنجانی ـ نخیر قبلا چنین کاری طبق مدارکی که داریم انجام شده. گروه تحقیق ما حتی فاکتورهائی در اختیار دارند که در این فاکتورها قید شده که از اموال قیمتی و عتیقه‌جات فروخته شده و این گروه تحقیق حق‌نظر ندارد ولی آنها میگویند مجموعه‌هائی فروخته شده که جمعا ۲۰ میلیون ارزش دارد و ۵ یا ۶ میلیون تومان فروخته شده است. البته نظرتهائی را باید دادگاه بدهد و این نظرها برای ما ملاک عمل نمیتواند باشد.

در واحد صنایع و معادن و شرکتها هم شکایتهائی بود و بررسیهائی شد و یک مقدار بازسائی درواحدهای صنعتی و واحدهای کارخانجات و شرکتها بوده مربوط بود به جو حاکم اقتصادی مملکت. یعنی فرض کنید بنیاد ۳۰۰تا شرکت داشته، این شرکتها از جو حاکم بر جمیع شرکتهای مملکت که جدا نبوده، مشکلاتی که جاهای دیگر بوده اینجا هم بوده. آنها مواداولیه نداشتند اینها هم نداشتند. کاربردها اینجا هم بالا رفته بود، و یکنوع بلبشوئی حاکم بوده و یک تعداد بازسائیها مربوط بوده‌به وضع عمومی اقتصاد مملکت و بعضی از کارخانجات بنیاد ضرر داده. و این در حالی بوده که این تنها نبوده، کلیه مراکز صنعتی بهمین درد دچار بوده، زیرا این واحدهای صنعتی عادت کرده بوده که با زور سود دهد، در رژیم گذشته براساس زور سود میداده و براساس استفاده از همه امکانات نامشروع مملکتی. فرضا یکی وابسته به دربار بود یا سهمی برای دربار گذاشته بود و بعد از تمام امکانات مملکت استفاده میکرد برایگان و طبعا سود میداد. وقتی اینها نظم شد و شرکت تکیه کرد فقط به کارکرد خودش و طبعا زیان میداده البته اینها را بسیاری توجه نداشتند و از دور میگفتند که فلان شرکت یا کارخانه زیان داده ودربنیاد خیلی وسیل شده ولی ما در بررسیهای خودمان دیدیم که اینها یک مسائل پیچیده اقتصادی در سطح‌مملکت بوده‌است. اما در کنار اینها شکایات قابل بررسی هم بوده که الان در دادگاه مطرح است.

از کارهایی که هیئت منتخب انجام داده منجمله تشکیل همین گروه تحقیق است. هیئت منتخب ۱۰ نفر بود که عده‌ای از روحانیون که سابقه کار در مسائل اجرائی داشتند و تجربه داشتند به ضمیمه یک نفر نماینده از طرف دادستانی کل و به ضمیمه آقای طباطبائی که آن موقع سرپرست نخست وزیری بود.

انقلاب اسلامی ـ نمایندهٔ دادستانی آقای شاهچراغی بود؟

عمیدزنجانی ـ بله. این ۱۰ نفر در عین اینکه زیاد بود ولی برای تحقیق و جمع‌آوری اسناد و مدارک و گزارشها فقط همان قسمت اول را میتوانست بعهده بگیرد یعنی گزارش تهیه کردن از جود مسئولین بنیاد. کارکنان و همچنین کسانی که بنحوی وابستگی به بنیاد داشتند، آنها را دعوت میکردیم و با آنها صحبت میکردیم و گزارشات را تهیه میکردیم. اما رفتن به شرکتها و کارخانجات و کنترل کردن این مسائل از عهده هیئت بیرون بود و لذا هیئت تصمیم گرفت عده‌ای از جوانهای مومن انقلابی بی‌غرض را دعوت کند که اینها را برای این نوع تحقیقها و بازرسی‌ها دعوت کند. در حدود ۲۰ تا ۲۵ نفر از همین جوانها که دانشجو هم بودند و بیشتر از دفتر تحکیم وحدت دانشجویان بودند، البته به ما اعتراض میشد که اینها تجربه کاری ندارند و وقتی که به یک شرکت مه کارخانه میروند، در مورد مثلا فرشها، جواهرات و نظایر آنها تخصصی ندارند و وارد نیستند، اما آنچه که هیئت تاکید کرده‌بود اول اینها این بود که اینها، بچه‌هائی هستند مومن، متدین وبی‌غرض که اینها جمع‌آوری اسناد میکنند و نمیخواهند نظر بدهند و نظر موکول به دادگاه است و روی این اصل عدم تجربه کافی برای ما مطرح نبود.

وانگهی اینها بخاطر استعداد و تحصیلاتی که داشتند اگر در اوایل کار بی‌تجربه بودند، در جریان کار تجربه را می‌آموختند و بالاخره اینها احتمال اینکه دستخوش احساس شوند و تندروی داشته باشند در روند کار منتفی میشد و وقتی به دادگاه میرسید روی آن نظر قاطع داده میشد، از اینجهت ما این ایراد را وارد نمیدانستیم کهاینکه الان هم میبینیم بیشتر برادرانی که در گروه تحقیق هستند در این چند ماه کاملا وارد شده‌اند و در نظریاتشان هم تجدید نظر کرده‌اند. آن حالتی که در روزهای اول داشتند ویک بازاری را که میدیدند به چشم یک سرمایه‌دار خونخوار نگاه میکردند، الان میبینند که نه باید دقت کنند و بازاری داریم تا بازاری. حالت معتدلی دارند در بررسی‌هایشان و کاملا بی‌نظرهستند.

از کارهایی که باز هیئت انجام داد مسئله دخالت در مدیریت بود دخالت در مدیریت از آنجائی آغاز شد که بعد از آمدن هیئت برای بررسی مدیریت بنیاد استعفا داده بود که آقای خامنوئی در آن موقع مدیر بنیاد بود. دلیل ایشان برای استعفا آن بود که هیئت آمده کارهایی میکند که کارهایش تمام با مدیریت دارد و یک مدیریت ناقص را من نمیتوانم بعهده بگیرم و به نظر من هیئت در فلان مورد و فلان‌مورد و ... نباید دخالت کند و بیشتر هم تکیه میکرد روی همین منع نقل و انتقالها، و منع فروشی که ما داده بودیم و چون هیئت را ایشان اینطور تلقی میکرد که در مسئولیت بنیاد دخالت میکند، لذا استعفا داد.

انقلاب اسلامی ـ این مسائل شامل مسدود کردن حسابها هم بود؟

عمید زنجانی ـ ولی ،لافاصله حسابها را باز کرد حسابها یک مدت بسیار بسیار کوتاه بود یعنی ماعملا دیدیم که مسدود بودن حسابها باعث رکود کار مدیریت است و در هر حال عملا هم بانکها اینکار را نکردند یعنی در عین اینکه ما دستور دادیم ولی بانکها حسابها را باز گذاشتند و لذا از آن نظر ایرادی وارد نبود. ما به آقای خامنوئی گفتیم که بله این دو مورد یعنی عدم نقل و انتقال و عدم عزل و نصب را دخالت کردیم و اینهم به این دلیل است که فرصت بررسی داشته باشیم ومسائل به هم مخلوط نشود و مدیریت بنیاد فقط این مورد که هست، شما هزاران مورد دیگر دارید، این دو مورد را اجازه بدهید ما منها کنیم از اختیارات شما برای خاطر اینکه دستمان باز باشد برای بررسی. اما ایشان این را نپذیرفتند و علیرغم اینکه ما استعفای آقای خامنوئی را قبول نکردیم ایشان عملا بنیاد را رها کرد و رفت.

بنیاد عملا بدون مسئول بود و داشت میخوابید وهیئت مجبور بود درمدیریت بنیاد دخالت کند. دخالت هیئت در مدیریت بنیاد به چندصورت بودیکی به این‌شکل بود که یک‌شخصی از اعضاء را بعنوان ناظر در بنیاد تعیین‌کرد که آقای محتشمی بود و ایشان عملا هم جای آقای

درصفحه ۸

تا پایان ماه جاری سهمیه ذغال استانها و نرخ فروش آنها اعلام خواهد شد

روابط عمومی وزارت کشاورزی وعمران روستائی اعلام کرد باتوجه به کمبود بوجود ناشی از اثرات جنگ تحمیلی، سازمان جنگلها و مراتع کشور اقدامات مربوطی برای تهیه ذغال انجام دادهاست تا ذغال بیشتری باسانرخ عادلانه در اختیار مردم قرار گیرد، وتاپایان ماه جاری سهمیه ذغال استانها ونرخ فروش اعلام خواهد شد تابتدریج وتحمیرا به نمایندگان که از طریق استانداریها معرفی میشوند ذغال مورد نیاز تحویل شود تا با قیمت تعیین شده دراختیار مردم قرار دهند.

دعوت وزارت نیرو از مهندسین و متخصصین

وزارت نیرو اعلام کرد نظر به اوضاع حساس مملکت و باتوجه به جنگ تحمیلی رژیم بعث‌عراق با ایران وزارت نیرو از امکانات‌خود جهت کمک به جبهه‌های جنگ استفاده کرده درنظر دارد از کمک افراد دلسوز و سایر ارگان‌ها نیز استفاده نماید و حتی‌الامکان با هماهنگی کارها، خدمات بهتری ارائه دهد. دراین رابطه از کلیه مهندسین و متخصصین که درامر ساخت و تهیه قالب و ارماتورجهت قطعات پیش‌ساخته بتونی امکانات ونظرائی دارندو نیز ارگانهای دولتی وشرکتها و کارگاههای خصوصی وکلیه افرادی که میتوانند دراین امر مهم و بخصوص درموارد زیر کمک نمایند باتلفن‌های ۸۹۷۵۴۲ و ۸۹۱۹۴۲ و ۸۹۰۲۱۷ تماس حاصل کنند.

۱ ـ قالبهای فلزی‌جهت قطعات پیش‌ساخته بتونی

۲ ـ تهیه‌وخم‌کردآرماتور به قطرهای مختلف

۳ ـ پروفیلهای مختلف فلزی

ضمنا به اطلاع میرساند که آهن‌آلات‌اضافی،آرماتورهای ساده‌وعاج‌داروپروفیل‌های مختلف فلزی کارگاهها و نیز ماشین‌آلات و ابزار و لوازم جهت این کارتوسط افراد و شرکتهائی که مایل به کمک دراین امرحیاتی باشند میتواند مورداستفاده قرار گیرد.

باامید پیروزی هرچه بیشتر ملت مسلمان ایران

اخطار به متخلفین فروش ذغال

تهران ـ خبرگزاری پارس ـ چون براساس هماهنگی با استانداری تهران مسئولیت توزیع و نظارت ذغال مصرفی تهران‌بقیمت هرکیلو خاکه ذغال‌خشک ۲۳ریال برای مصرف‌کننده به اتحادیه صنف ذغال فروش محول گردیده لذا بدینوسیله اعلام‌مینماید هرنوع خرید و فروش ذغال خارج از ضابطه فوق ناچاق محسوب میشود و متخلف پس ازضبط ذغال به‌دادسرای انقلاب اسلامی ویژه صنفی معرفی خواهد شد.

همچنین از شوراهای مساجد تقاضا شده است همچنان مانند سابق درانجام نظارت صحیح این برنامه همکاری لازم را معمول‌وگزارش متخلفین را به نشانی مذکور ارسال دارند.

حمل کالاهای ایرانی از بنادر خلیج فارس به ایران

اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران به کلیه اعضای اتاق بازرگانی‌وصنایع ومعادن ایران که کالاهای آنها در بنادر خلیج‌فارس تخلیه شده است اطلاع داد که جهت هماهنگی و اقدام برای حمل آنها به بنادر ایران با دردست داشتن مدارک زیر به‌اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران طبقه‌سوم ـ شماره۳۱۲ مراجعه نمایند.

۱ ـ فتوکپی بارنامه

۲ ـ فتوکپی فاکتور

۳ ـ نام‌کشتی و نام کشتیرانی مربوط درایران

۴ ـ درصورت امکان نام‌بندری که کالا درآن تخلیه شده است.

پرداخت وام به کشاورزان

سرپرست بانک کشاورزی کهکیلویه و بویراحمد اعلام داشت شعبه این بانک از اول فروردین تا آخرمهرماه سال‌جاری به ۴۲۹۹ تن از کشاورزان مبلغ ۵۳۱/۷۹۱/۵۰۰ ریال وام پرداخت کرده‌اند. ازاین‌وام برای توسعه امور کشاورزی آبیاری،دامداری و دامپروری استفاده خواهد شد.

همچنین از سوی بانک تعاون کشاورزی استان کرمانشاهان اعلام شد در هفت‌ماه گذشته از سوی این بانک مبلغ ۹۷۶ میلیون‌ریال وام به۶۳۸۳نفر ازکشاورزان استان کرمانشاهان پرداخت شده است. این رقم شامل وامهای طرحهای نظارت‌شده، طرحهای عمرانی در۲۴۵ ـ روستا و پروژه‌های توسعه کشاورزی، آبیاری، احداث باغ و قلمستان، مرغداری و تاسیسات روستائی است.

طی همین مدت ۲۷۵ ـ میلیون ریال ازمطالبات‌بانک وصول شده است.

بانک کشاورزی آمل نیز مدر هفت‌ماه اول سال جاری مبلغی معادل یک میلیارد و ۵۰۵ میلیون ریال وام به ۳هزار و ۵۷۱ نفر ازکشاورزان پرداخت کرد. از این وام برای انواع مصارف کشاورزی استفاده میشود.

شعب بانک کشاورزی در استان آذربایجان غربی نیز طی هفت‌ماهه اول سال جاری به ۱۰هزار و ۵۰۰ نفر از کشاورزان مبلغ۱۰میلیاردو ۴۶۳ میلیون ریال وام پرداخت کرده است. از این وام جهت آبیاری ودامداری و دامپروری و باغداری و سایر مصارف کشاورزی استفاده‌میشود.

اخبار اقتصادی جهان

نرخ تورم یکسال گذشته در فلسطین اشغالشده

آسوشیتدپرس از تل‌اویو ـ اداره آمار دولت رژیم اشغالگرقدس امروز گزارش داد با افزایش ۱۱درصدی قیمتها در ماهاگذشته نرخ تورم در فلسطین اشغالشده برای یکسال گذشته به حدود ۱۳۰ درصد رسید افزایش قیمتها در ماه اکتبر بالاترین‌میزان در یازده‌ماه گذشته بوده است رئیس اداره آمار فلسطین اشغالشده گفت: اگر نرخ تورم ماهانه به میزان ۲۱درصد حفظ شودتورم‌سالانه۱۲۰تا۱۸۰درصد صعود خواهد کرد.

موضوع‌تورم در فلسطین اشغالشده همواره بخاطر خودداری اصولی دولت از ایجاد بیکاری از بیم فراهم‌شدن ناراحتی برای مهاجرین یهودی و افکار عمومی در مورد اسرائیل بوده‌است.

افزایش صادرات نفت عربستان به ژاپن

سرویس خبری ژاپن گزارشداد عربستان سعودی ژاپن را از تصمیم خود مبنی بر تولید سه‌وپنج‌هزار بشکه نفت خام در روز به ژاپن ماههای اکتبر تا دسامبر به دلیل جبران کمبود نفتی که بر اثر جنگ عراق با ایران بوجود آمده است آگاه کرد کیوتو سنقل از مقامهای رسمی بلندپایه تجارتی بین‌المللی و وزارت صنایع گفتنابین‌مقدار نفت به ژاپن‌به‌قرار بشکه‌ای ۳۵دلار آمریکائی فروخته خواهد شد.

پیش از این عربستان سعودی اظهار داشته بود که صادرات نفت خام خود را به ژاپن روزانه چهل‌هزار بشکه افزایش خواهد داد و هرشکه نفت‌را به این کشور ۳۲دلار آمریکائی خواهد فروخت. ژاپن روزانه یکمیلیون و سیصدو هفتادهزار بشکه نفت خام از عربستان سعودی وارد میکند و این میزان ۳۴درصد کل نیاز نفتی ژاپن را تامین میکند.

تضعیف ارزش مارک

تضعیف ارزش مارک با درنظرگرفتن تحولات اخیر در موازنه بازرگانی آلمان غربی با سایر کشورهای عضو بازار مشترک هنوز مطرح نیست. در ۸ ماه اول سال جاری موازنه بازرگانی‌آلمان غربی با فرانسه با مازادی حدود ۶/۶میلیارد مارک روبرو گردید واین مازاد با ایتالیا درحدود ۱/۱ ـ میلیارد مارک بود درصورتیکه در سه سال ما قبل باکسری مواجه بود. بدیهی است با توجه به فشارهائی که درسیستم توسان مشترک ارزهای اروپائی به مارک آلمان‌در جهت تضعیف وارد است، هرگونه تضعیفی احتمالا منجر به‌افزایش صادرات آن کشور به کشورهای اروپائی خواهد شد.

روند قیمتها درسوئد

شاخص قیمتهای مصرفی سوئد در ماه اکتبر ۱/۴درصد افزایش یافت و ۱۵/۷ درصد بالاتر از مدت مشابه سال‌قبل بود. این‌شاخص در ماه‌سپتامبر ۲/۸ درصد ترقی کرده‌بود

ذخائر ارزی سوئیس

طبق گزارش بانک مرکزی سوئیس ذخایر ارزی سوئیس در اواسط‌ماه نوامبر۱/۴۲ میلیارد فرانک افزایش یافت و به ۲۰/۶۲ میلیارد فرانک بالغ گشت.

بازار موازنه پرداختهای مصر:

روند قیمتها درآرژانتین، انگلیس واتریش

شاخص قیمتهای مصرفی آرژانتین درماه اکتبر ۳/۶ ـ درصد نسبت ماه ما قبل افزایش یافت درصورتیکه این‌رقم در ماه سپتامبر ۴/۵ درصد افزایش داشت. شاخص قیمت عمده فروشی بمقدار ترقی حدود ۴/۸ درصد در سپتامبر در ماه اکتبر ۵/۵ درصد فراتر رفت درماه مورد مطالعه شاخص قیمتهای عمده فروشی درانگلیس ۰/۳ درصد ترقی کسرد ولی بطورکلی افزایش سالانه قیمتهای عمده فروشی روند نزولی داشته است. شاخص قیمتهای مصرفی افزایش حدود ۶/۷ درصد درسال منتهی به اکتبر ۱۹۷۹ افزوده گردید.

بودجه مراکش

کسری بودجه مراکش درسال ۱۹۸۱ حدود ۶/۵ درصد نسبت سال جاری افزایش نشان خواهد داد. هزینه‌ها حدود ۳۴/۷۸ میلیارد درهم است که ۱۷ درصد افزایش نسبت به سال ۱۹۸۰ نشان داد.

وام بانک صادرات و واردات آمریکا

بانک صادرات وواردات آمریکا اعلام نمودکه وامهائی به فیلیپین، مجارستان و پرتغال اعطاء خواهد نمود. وام پرتغال بمیزان ۱۵۰ میلیون دلاربرای خرید پنج‌هواپیمای حمل‌ونقل میباشد و وام‌دریافتی فیلیپین نیز به ارزش ۴۲/۵ میلیون دلار است و برای خرید کالا خواهد بود. مجارستان نیز اعتباری حدود ۳۳میلیون دلار دریافت‌خواهد کرد و این وام برای احداث یک کارخانه تولید فولاد به ظرفیت ۱۰۰ هزارتن درسال بمصرف خواهد رسید.

روند قیمتها در آمریکا

در ماه اکتبر شاخص قیمتهای خرده فروشی حدود ۰/۱ درصد کاهش یافت درصورتیکه درماه سپتامبر افزایشی درحدود ۱/۵ درصد داشت.

متن نامه سپاه‌پاسداران قم و جوابیه ۳ تن از دستگیرشدگان تظاهرات بحمایت از قطب زاده

قم ـ خبرنگار انقلاب اسلامی، در رابطه با درج اخبار تظاهرات و راهپیمائی قم و دستگیری چندتن از مردم تظاهرکننده، درروزنامه انقلاب اسلامی سپاه‌پاسداران انقلاب اسلامی قم طی نامه‌ای بدفتر روزنامه در قم مراتب فوق را تکذیب نمود. متن نامه سپاه بشرح زیر میباشد:

بسمه‌تعالی

بدنبال درج حوادث دوروز گذشته شهر قم مبنی برآزادی صادق‌قطب‌زاده و...، در صفحه اول و آخر روزنامه انقلاب اسلامی سه‌شنبه ۲۰ آبان شماره ۳۹۸ بعضی از مطالب عاری از حقیقت و تحریف شده بود لذا بدینوسیله تکذیب مطالب فوق را طبق قانون مطبوعات در همان‌صفحه و ستون جهت اطلاع هم‌میهنان مسلمان و مبارزبجاب برسانید. توضیح اینکه در رابطه با طومار، سپاه قم هیچکس را دستگیر ننموده است و خیرنوق بشدت تکذیب میگردد. تنها چندنفر از افراد تظاهرکننده که با برادران پاسدار برخورد اهانت‌آمیز داشته‌اند دستگیر شدند که همگی همانشب آزاد شدند و اینکه دوتن از آنها همچنان در بازداشت بسرمی‌برند دروغ محض بوده و تکذیب میگردد. در آخر نامه سپاه همچنین به موقعیت حساس مملکت و اجتناب از تفرقه و اختلاف اشاره گردیده‌است.

خبرنگار ما بمنظور کسب اطلاع دقیق از واقعیت مسئله و تایید یا تکذیب دستگیری یا چندتن از کسانی که توسط سپاه دستگیر شده بودند تماس گرفت و متن اطلاعیه سپاه را به اطلاع آنان رسانید. سه تن ازدستگیرشدگان طی‌نامه‌ای اطلاعیه سپاه را رد نمودند. متن نامه این افراد چنین است:

بسمه‌تعالی

بدنبال تظاهرات روز دوشنبه نوزدهم‌آبان در شهر مذهبی قم که به پشتیبانی از انقلاب اسلامی ایران و آزادی صادق قطب‌زاده و منع تعقیب دکتر میلانی‌اسلامی صورت گرفت، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قم درصدد برهم‌زدن اجتماع تظاهرکنندگان و منحرف‌نمودن هدف اصلی تظاهرات برآمد و هنگام کندن طومار پشتیبانی از رهبری امام‌خمینی و قدردانی از زحمات رئیس‌جمهور و فرماندهکل‌قوا اینجانبان امضاءکنندگان این نامه دستگیر و تا پاسی از شب در بازداشت بسر بردیم و مسئولان سپاه خواستار امضای تعهدی در قبال آزادی ما شدند که پس از تحصن تظاهرکنندگان مرد و زن در مقابل سپاه پاسداران که خواستار آزادی ما بودند، آزاد شدیم، در پایان از مسئولین سپاه خواستاریم تا طومار امضاءشده صدها نفر از مردم قم را که با خود به سپاه برده‌اند هرچه زودتر مسترد نمایند.

امضاءکنندگان ۱ـ مسعود قاسم‌پور ۲ـ حوادمیر ـ ابوالفتحی ۳ـ محمد حدادی.

لازم به توضیح است که متن نامه دست‌نویس فوق‌در قم دفتر سرپرستی روزنامه انقلاب‌اسلامی استان مرکز موجود میباشد.

در ضمن برای اطلاع و آگاهی خوانندگان روزنامه متن طوماریکه در این دو نامه از آن صحبت شده را در زیر می‌آوریم:

(در کجای دنیا سراغ دارید که رئیس‌جمهورش دائماً در جبهه باشد!

امام‌خمینی)

بپیشگاه ریاست‌جمهوری و فرمانده کل قوا منصوب از طرف امام‌خمینی رهبر انقلاب دامه‌برکاته.

در این موقع حساس که میهن اسلامی مورد تهاجم کفر بسرکردگی صدام جنایتکار آمریکائی قرار گرفته و دفاع شدید رزمندگان اسلام در برابر مزدوران به‌فرماندهی جنابعالی میباشد ما جوانان، دانش‌آموزان، فرهنگیان و عده‌ای از اهالی شهر قم ضمن قدردانی از زحمات شبانه‌ـ روزی شما و ارتش اسلام و مردم دلیر و شجاع خوزستان نظرات بسیورد و بیجای عده‌ای فرصت‌طلب را که در پایتخت سرگرم جولان‌دادن هستند محکوم مینمائیم و در پایان پیروزی نهائی رزمندگان و دلاوران اسلام را تحت‌ـ رهبری امام و بدرماندهی شما در مقابل متجاوزین کافر بعث عراق از درگاه خداوند متعال مسئلت داریم.

امضاء صدهانفر از مردم قم

اقدامات اداره کل صنایع و معادن استان اصفهان

اصفهان: خبرنگار انقلاب اسلامی: اداره کل صنایع و معادن استان اصفهان فعالیتهای شهریورماه این اداره را در قسمتهای صنایع، معادن و اداری به شرح زیر اعلام کرد:

طرح تهیه ۳۷ واحد صنفی در رشته‌های تولیدی شامل فیلترسازی، ماکارونی‌سازی، کشبافی، مقواسازی،

احداث گازمیله، تجهیزات بیمارستانی، نراشکاری، تولید صنایع چوب و فلز بیسکویت سازی‌وآجرفشاری. همچنین ۲۵ فقره موافقت اصولی در رشته‌های مشابه صورت‌پذیرفته است.

درآمد اداره کل صنایع و معادن اصفهان در مهرماه مبلغ ۹۷۷۷۵۳ ریال بوده است. ازاین مبلغ ۸۹۰۲۹۰ ریال بابت حقوق کارمند و بقیه، صرف بهره‌برداری از معادن جدید شده‌است.

در ضمن مدت این اداره جمعا یکهزاروچهارصد و چهل و شش فقره مکاتبات اداری انجام داده که تعداد ۹۵۶ فقره از آن مربوط به نامه‌های ثبتی بوده‌است.

اعتراض تاکسیرانان قم به نحوهٔ توزیع بنزین

قم ـ خبرنگار انقلاب اسلامی ـ از صبح روز پنجشنبه رانندگان تاکسی قم به عنوان اعتراض بنحوه توزیع بنزین بین تاکسیرانان شهر دست از کار کشیده و در مقابل‌فرمانداری قم تحصن نمودند.

تاکسیرانان اظهار میداشتند با توجه بهاینکه شهر قم از موقعیت مذهبی خاصی برخوردار بوده و هر روزه میزبان صدها نفر از مردم مسلمان ایران میباشد لیکن نحوه توزیع بنزین بین تاکسیداران این شهر را با دیگر شهرها فرق گذاشته‌اند. بنا به دستور شخص نخست‌وزیر که از رسانه‌های گروهی پخش شد هر تاکسی ماهانه سهمیه‌ای در ۳۰ کوپن ۳۰ لیتری دارد، اما فرمانداری قم به هر تاکسی ۱۸ کوپن ۳۰ لیتری داده که بابستی ۱۲ روز از هر ماه را ما در استراحت بسر ببریم و نمیدانیم که جواب خانواده ما را در این ۱۲ روز چه کسی میدهد، تاکسیداران قم بعدازظهر پنجشنبه با شعار "زنده و جاوید حسین و حسین "مرگ بر یزید قانون شکن "طی یک راهپیمایی در هابل منزل آیت‌اللهمنتظری تجمع نمودند. همچنین صبح دیروز در حالیکه علت اعتصاب خود را با بلندگو اعلام میکردند در سطح شهر حرکت نمودند.

آیةالله شیرازی:

رژیم بعث عراق ۲۰۰۰ دهکده کردنشین را بآتش کشید وتعداد بیشماری از کردهای مسلمان را قتل‌عام کرد

قم ـ خبرنگار انقلاب اسلامی ـ این اطلاعیه ازطرف حضرت آیت‌الله سید محمد شیرازی در رابطه با اوضاع اخیر عراق منتشر گردید متن اطلاعیه باین شرح است:

بسم‌اللهالرحمن‌الرحیم

یکسال دیگر از سالهای حکومت ننگین وسیاه حزب بعث کافر گذشت وملت مظلوم وستمدیده عراق به پیشواز سال جدیدی شتافت که امید است این سال بخواست خدا سال رهائی آنان از مصیبت واندوه باشد. حزب بعث که اخیرا رئیس آن دم از اسلام میزند. اسلام یهودیانی‌که میگویند هنگام صبحگاه آنچه برموسان نازل شد ایمان آورید و در آخر کفر بورزید، علاوه بر کفرش فسادهولناک و مردوری پلید برای اجانب اسرائیل، انگلستان وامریکا و بالاخره ظلمی‌را که تاریخ عراق از ۵ هزار سال پیش تاکنون حتی در زمان نمرود، ابن‌زیاد، حجاج هم بخود ندیده و درخود جمع نموده‌است. بله! از نشانه های اسلامی بعثی آنست که:

۱ـ رئیسان‌عقلق زائیده یک مسیحی ویهودیه است.

۲ـ هنگامیکه بحکومت رسیدند اذان وقرائت‌قرآن‌را از رادیو تلویزیون عراق ملغی نمودند.

۳ـ در نشریاتشان تصریح کردند که با سیاست گام‌ـ بگام دین ومقدسات مذهبی‌را ازمیان خواهند برداشت.

۴ـ میخانه‌ها وفاحشه‌خانه‌ها را در بیشتر شهرها و دهات عراق گسترش دادند تا جائیکه عشرکده‌هائی‌که تشکیل یافته از روز حکومت سیاهشان تابحال به هزار عشرکده میرسد.

۵ـ علما و دانشمندان اعم از شیعه وسنی واولاد پیغمبر را کشته اند.

۶ـ حوزه‌های علمی واسلامی‌را با سابقه تاریخی‌و درخشان هزار ساله از هم پاشیدند.

۷ـ زیارت حضرت امیرالمومنین وامام حسین(ع)را ممنوع وزوار بی‌گناه را درنهضت مردمی بیستم ماه صفر و مناسبات دیگر گلوله باران نمودند.

۸ـ حدود ۲۰۰۰ دهکده کردنشین‌را آتش‌زده وتعداد بیشماری از کردهای مسلمان را قتل عام نمودند.

۹ـ قومیت وناسیونالیسم ابی‌جهل وابی‌لهب را زنده کرده و رادیوهایشان ناکنون فریاد از قومیت عربی میزند.

۱۰ـ حتی یکروز هم برای نجات فلسطین باصهونیست‌ـ ها، جنگ نکرد اما هنگام برقرار جمهوری اسلامی باتمام قدرت و باامکانات ارتباشان طوری با آن به مبارزه پرداختند که تاریخ جدید عراق بخود ندیده است.

۱۱ـ سجده‌های مقدس قرآن را از حرمهای مقدس و مساجد معظم ربوده وآتش زدند.

۱۲ـ شاعرشان جنین‌میگوید: به حزب بعث بعنوان خدای یکتا و به مبتل عفلق بعنوان پیامبری که دومی‌ندارد ایمان آوردم و در راه کتاب‌عفلق کتابمش فی‌سبیل‌العصب است قرآن‌را عمدا به دیوار زدم.

۱۳ـ توهین را به نام مقدس خدا، پیغمبر، ائمه اطهار، حضرت فاطمه‌زهرا(ع) و تمام مقدسات بزرگان جوانان، افراد سازمان امنیت نونهالان وکثیه همکاران‌و جلادانشان رواج دادند.

۱۴ـ به پیروی از اربابان یهودیشان که خداوند درباره آنها میفرماید واکیهی شما خودتان راکشته وعده ای را از خانه هایشان اخراج میکنید. حدود ۲۰۰ هزار مسلمان را از شهرهایشان تبعید نمودند.

۱۵ـ مسجدها، مدرسه‌های علمیه وبارگاه‌علما را منهدم وکتابهای کتابخانه‌های اسلامی‌را تاراج کردند.

۱۶ـ شصت هزار مسلمانی را که گفتند خدای ما الله است واستقامت نمودند به زندان‌افکندند.

۱۷ـ به عفت وشرف دختران مسلمان تجاوز کرده و بیش از ۳۰۰۰ تن ازآنان را زندانی کردند.

۱۸ـ تمام قوانین اسلام را که مهمترین آنها شورا در حکومت است کنار گذاشته وبازور اسلحه ونفته های سفارتخانه‌های اجنبی برمسلمانان مسلط شدند وبا بدترین و پلیدترین دیکتاتوریها بحکومتشان‌ادامه دادند.

۱۹ـ طبق روش کفار اجساد مردگان وکشته‌ها را آتش میزنند.

آری از مهمترین نشانه های اسلام حزب بعث اینست که مرجع مسلمانان مرحوم آیت‌اللهالعظمی حکیم علیه‌الرحمه و رهبر امت اسلامی امام خمینی ادام‌الله ظله وتمام علمای اسلام به کفرشان فتوی دادند. خوشا بحال این اسلام عفلق، بکری و صدامی که از اسلام فرعون، هامان وشداد هم پارا فراتر نهاده وحال زمان آن شده که ملت مسلمان عراق با همکاری تمام مسلمین این حزب کافر بعدا و روز جزا کنار زده وبه نابودی وهلاکت‌بسپارد. ماه محرم ماه خون وماه پیروزی اسلام برکفر است. همچنان‌که‌امام‌حسین برکفار بنی‌امیه پیروز وچیره شد. بنابراین برتمام مسلمانان واجب است که برای زدودن این ننگ از دامان امت مسلمان تمام کنند و وعده‌پیروزی از سوی خداوند نزدیک است.

وللهالاخلف‌المیعاد وهوالموفق‌المعان

محرم ۱۴۰۰/۱ محمدبن‌المهدی‌الحسینی‌الشیرازی

آگهی حصروراثت

آقای حسن مادگان بشناسنامه ۲۴۹۹۱ بشرح دادخواست کلاسه ۲۲۷۲/۵۹ این شعبه توضیح داده شادروان باقر مادگان بشناسنامه ۱۸۳۰۷ در تاریخ ۱۳۳۰/۲/۲۱ درگذشته ورثه وی عبارتند از متقاضی وبمطلبی مادگان بشناسنامه ۲۷ بیران و طوران مادگان بشناسنامه ۱۱۶۳ دختر متوفی. لذا مراتب بموجب ماهی یک مرتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از مرگذشته نزد آنحاضی باشد ظرف‌سه‌ماه از تاریخ نشر آگهی بدادگاه تقدیم دارد‌والا گواهی صادرخواهد شد و هرومیتنامه‌ای جزرسمی وسری که بعداز این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

دادرس شعبه اول دادگاه صلح تهران

آگهی حصروراثت

آقای حمید فیوضاتی حق بشناسنامه ۹۰ بشرح دادخواست کلاسه ۲۰۹۵/۵۹ این شعبه توضیح داده شادروان جواد فیوضاتی حق بشناسنامه ۱۲۶۲۰ درتاریخ ۵۹/۶/۱۰ درگذشته ورثه وی عبارتند از متقاضی و مجید فیوضاتی حق بشناسنامه ۱۴۶۲۱ و مجید فیوضاتی حق بشناسنامه ۹۱ برادران اویس متوفی. لذا مراتب بموجب ماهی یکمرتبه درروزنامه محلی آگهی میشود تاچنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از مرگذشته نزد آنحاضی باشد ظرف‌سه‌ماه ازتاریخ اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادرخواهد شد و هرومیتنامه‌ای جزرسمی وسری که بعداز این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

دادرس شعبه اول دادگاه صلح تهران

آگهی حصروراثت

خانم عصمت مراطبی بشناسنامه ۵۵۴۰۷ شیراز مشروح دادخواست کلاسه ۵۹/۲۵ـ۸۹۲ این شعبه توضیح داده شادروان محمد حسن بیک مرتبت بشناسنامه ۲۱۲۱۶ در تاریخ ۱۳۵۸/۵/۲ درگذشته ورثات حین‌الفوت آن مرحوم عبارتند از ـ متقاضیه باشخصات فوق‌الذکر عیال دائمی متوفی ـ محمد مهدی مبکوشرت به شناسنامه ۱۱۳۸ عامره از شیراز ـ ابوالفضل مبکوشرت به شناسنامه ۱۹۸۲ عامره از تهران ـ حال مبکوشرت به شناسنامه ۲۷۲۲ عامره از تهران ـ جوادمبکوشرت به شناسنامه ۲۶۱۲ عامره از تهران بیران متوفی ـ عصمه مبکوشرت به شناسنامه ۵۰۹ عامره ازشیراز ـ عفت مبکوشرت به شناسنامه ۲۷۹ عامره از تهران ـ اکرم مبکوشرت به شناسنامه ۱۲۸۵ عامره از تهران ـ اشرف مبکوشرت به شناسنامه شماره ۶۵۸۰ عامره از تهران ـ ناجیه‌مبکوشرت به شناسنامه ۱۵۴۲ عامره از تهران دختران متوفی ورثه دیگری ندارد.

لذا مراتب بموجب ماهی یکمرتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از مرگذشته نزد آنحاضی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی به دادگاه تقدیم دارد والاگواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جزرسمی وسری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

رئیس شعبه ۲۵ دادگاه صلح تهران ـ محمد ابراهیم طائف

آگهی حصروراثت

آقای محمدصالح ولاحجردی فراهانی بشرح پرونده ۵۹ـ۴۱۶ مدنی اعلام نموده که محمدباقر ولاحجردی فراهانی فرزند احمددرتاریخ ۵۸/۵/۴ در اراک فوت شده و ورثه وی منحصرانست به ـ گوهرتاج‌محمدی دختر فراهانی فرزند محمد (روحمتوفی) ومحمدصالح ومحمدحسین ولاحجردی فراهانی ومحمدابراهیم حمیدی نژاد ومحمد نجوزاده (پسران‌متوفی) وفاطمه زهرا وعالیم ولاحجردی فراهانی (دختران‌متوفی) مراتب بموجب ماهی یکبار یک مرتبه آگهی باتاجر کسی اعتراضی دارد وبوصیتنامه‌ای ازمتوفی نزدکسی باشد ازتاریخ نشر نخستین آگهی ظرف سه‌ماه بنامین دادگاه تسلیم نماید والا گواهی صادر وهر وصیتنامه جزسری وسری که پس از موعد مذکور ابراز شود اعتبار ندارد.

دادرس دادگاه صلح اراک

آگهی حصروراثت

آقای محمد بوشهری بشناسنامه ۵۰ بشرح دادخواست کلاسه ۱۸۳۳/۵۹ این شعبه توضیح داده شادروان اشرف بوشهری بشناسنامه ۲۲۴ درتاریخ ۵۹/۵/۱۲ درگذشته ورثه وی عبارتند از متقاضی ورشید بوشهری اخمجالی به شناسنامه ۱۰ و محمود بوشهری بشناسنامه ۱۶ بیران و مرضیه بوشهری بشناسنامه ۲/۱۳۲۳ و رشید بوشهری به شناسنامه ۱۰۷۱ واکرم بوشهری بشناسنامه ۲۶۱۰۸ وکلثوم بوشهری بشناسنامه ۲۶۱۰۹ وفاطمه بوشهری بشناسنامه ۱۳ طوران و گرجی بخدمت راده گمل بشناسنامه ۲۵۲ دختر متوفی.

لذا مراتب بموجب ماهی یکمرتبه درروزنامه محلی آگهی میشود تاچنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از مرگذشته نزد آنحاضی باشد ظرف سه‌ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادرخواهد شد وهرومیتنامه‌ای جزرسمی وسری که بعداز این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

دادرس شعبه اول دادگاه صلح تهران

آگهی حصروراثت

آقای واهرام بطروس بهزاد بشناسنامه ۲۳۰ بشرح دادخواست کلاسه ۲۲۱۰/۵۹ این شعبه توضیح داده شادروان جاجیک بطروس‌بهزاد بشناسنامه ۲۶۶۱۱ درتاریخ ۵۹/۶/۱۶ درگذشته ورثه وی عبارتند از متقاضی و واردکس بطروس بهزاد بشناسنامه ۲۷۲ و واردکس بطروس‌بهزاد بشناسنامه ۲۲۶ بیران و ماهرانوش بطروس‌بهزاد بشناسنامه ۵۵۳۰ دختر و بلبلهازرجان بشناسنامه ۱۰۲۲ دختر متوفی. لذا مراتب بموجب ماهی یکمرتبه درروزنامه محلی آگهی میشود تاچنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از مرگذشته نزد آنحاضی باشد ظرف سه‌ماه از نشراولین آگهی بدادگاه تقدیم‌دارد‌والا گواهی صادر خواهد شد وهرومیتنامه‌ای جزرسمی وسری که بعداز این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

دادرس شعبه اول دادگاه صلح تهران

آگهی حصروراثت

خانم خیران غفاری بشناسنامه شماره ۲۰۰۲ ـ حوزه ۵ مامه بشرح داد ـ خواست کلاسه ۱۰۲۲/۵۹ مورخ این شعبه توضیح داده شادروان حسن نذرخانی بشناسنامه شماره ۵ ـ حوزه ۵ مامه در تاریخ ۵۸/۱۲/۶ فوت ورثه‌حین‌الفوت عبارتند از یک پسر بنام آقای حسن نذرخانی بشناسنامه ۵۵۲۶ کرج و دو دختر بنامی گوی نذرخانی بشناسنامه ۱۱۸۰۵ حوزه ۷ تهران ۲ـ حمری نذرخانی به شناسنامه ۱۱۸۰۶ حوزه ۷ تهران و همسر دائم بنام بانو حیران غفاری بشناسنامه ۲۰۰۲ حوزه ۵ مامه (متقاضیه حصر وراثت) و مادر بانو صدیقه خانم نذرخانی باشخص بشناسنامه ۲۳۱ گرمرود نفر از نامبردگان ورثه دیگری نداشته‌اند. لذا مراتب به نوبت ماهی یکمرتبه درروزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از مرگذشته نزد آنحاضی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد وهرومیتنامه‌ای جزرسمی وسری که بعد از این موعد ابراز شود ازدرجه اعتبار ساقط است.

رئیس دادگاه صلح کرج ـ اسماعیل‌زاده

آگهی حصروراثت

خانم رحیمه اخراره بشناسنامه ۲۳۴۸۱ زنجان بشرح دادخواست کلاسه ۲۶۱۵ـ۵۹/۲۵ این شعبه توضیح داده شادروان نقی فرجخاری زنجانی بشناسنامه ۲۲۰۸۸ درتاریخ ۱۳۵۸/۱۰/۲ درگذشته ورثات حین‌الفوت آن مرحوم عبارتند از ـ متقاضیه باشخصات فوق‌الذکر عیال دائمی متوفی ـ جوادفرجخاری زنجانی بشناسنامه ۱۲۲۹ عامره ازتهران ـ محمدفرجخاری زنجانی بشناسنامه ۵۸۳ عامره ازتهران بیران متوفی ـ فهیمه فرجخاری زنجانی بشناسنامه ۲۲۲ عامره ازتهران ـ نعیمه فرجخاری زنجانی بشناسنامه ۶۰۰ عامره ازتهران ـ طیبه فرجخاری زنجانی بشناسنامه ۱۶۸ عامره ازتهران دختران متوفی ورثه دیگری ندارد. لذا مراتب به نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از مرگذشته نزد آنحاضی باشد ظرف سه‌ماه ازتاریخ اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادرخواهد شد وهرومیتنامه‌ای جزرسمی وسری که بعداز این موعد ابراز شود ازدرجه اعتبار ساقط است.

رئیس شعبه ۲۵ دادگاه صلح تهران ـ محمدابراهیم طائف

آگهی حصروراثت

بانو صدیقه محقی‌فرزند ابراهیم بشرح پرونده ۵۹ـ۲۲۹ مدنی اعلام نموده که مرتضی رستگاری فرزند محمددرتاریخ ۵۹/۳/۲۰ در اراک فوت شده است ورثه وی منحصر است به ـ متقاضی (زوجه متوفی) ومحمدفرزندعبدالله و جواهرخانم رسولی فراهانی فرزند محمدعلی (پدرمتوفی) وسعیده بیغوه منیل رستگاری (پسران متوفی) مراتب بموجب ماهی یکمرتبه آگهی باتاجر کسی اعتراضی دارد وبوصیتنامه‌ای نزدکسی باشد ازتاریخ نشر نخستین آگهی ظرف سه‌ماه بنامین دادگاه تسلیم نماید والا گواهی صادر وهر وصیتنامه جزسری وسری که پس ازموعد مذکور ابراز شود اعتبار ندارد.

دادرس دادگاه صلح اراک

آگهی حصروراثت

خانم سیمره کیکی بیرن بشناسنامه ۵۷۱ مشهد بشرح دادخواست کلاسه ۲۶۳۸ـ۵۹/۲۵ این شعبه توضیح داده شادروان محمد مهدی ابوالقاسم زاده بیرنی بشناسنامه ۳۳۹۲۸ درتاریخ ۱۳۵۹/۴/۶ درگذشته ورثات حین‌الفوت آن مرحوم عبارتند از ـ متقاضیه باشخصات فوق‌الذکر عیال دائمی متوفی ـ علی ابوالقاسم زاده بیرنی بشناسنامه ۴۱۱ عامره ازتهران ـ محمدابوالقاسم زاده بیرنی بشناسنامه ۱۸۶ عامره ازتهران بیران متوفی ـ مریم ابوالقاسم زاده بیرنی بشناسنامه ۶۵۰۷ عامره ازتهران محجر متوفی ـ عاصم خدیجه حسام ضرورجی بشناسنامه ۸۲۸۶ عامره ازمشهد عامره‌ازمتوفی ورثه دیگری ندارد.

لذامراتب به نوبت ماهی یکمرتبه درروزنامه محلی آگهی میشودتا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از مرگذشته نزد آنحاضی باشد ظرف سه ماه ازنشراولین آگهی بدادگاه تقدیم‌دارد والاگواهی صادرخواهد شد وهرومیتنامه‌ای جزرسمی وسری که بعداز این موعد ابراز شود ازدرجه اعتبار ساقط است.

رئیس شعبه ۲۵ دادگاه صلح تهران ـ محمدابراهیم طائف

آگهی حصروراثت

آقای سیدرضا فاطمیه بشرح پرونده ۵۹ـ ۴۲۸ مدنی اعلام نموده که زهرا حسن‌فاطمیه فرزند سیدعبدالله درتاریخ ۵۹/۵/۸ در اراک درگذشته و ورثه وی منحصرانست به ـ سیدعبدالله فاطمیه فرزند حسن (زوجه متوفی) و سیدرضا وسیدحسین فاطمیه (پسران‌متوفی) وعفت السادات وعزت السادات فاطمیه (دختران متوفی) مراتب بموجب ماهی یکمرتبه آگهی تاچنانچه کسی اعتراضی دارد وبوصیتنامه‌ای متوفی نزدکسی باشد ازتاریخ نشر نخستین آگهی ظرف سه‌ماه بنامین دادگاه تسلیم نماید والا گواهی صادر وهر وصیتنامه جزسری وسری که پس ازموعد مذکور ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود

دادرس دادگاه صلح اراک

آگهی حصروراثت

خانم بتول حیدری اول بشناسنامه ۲۶۴۹۷ بشرح دادخواست کلاسه ۲۳۳۶/۵۹ این شعبه توضیح داده شادروان رمضانعلی بهین‌آبادی بشناسنامه ۷۱۳ در تاریخ ۵۸/۱۲/۶ درگذشته ورثه وی عبارتند از متقاضیه‌توکیلی عرفانی بشناسنامه ۵۸۱ عصران متوفی ومهدی بهین‌آبادی بشناسنامه ۵۹۲۶ ومحمد بهین‌آبادی بشناسنامه ۲۲۱۵ وحسنی بهین‌آبادی بشناسنامه ۵۲۲۸ وحسینی بهین‌آبادی بشناسنامه ۵۹۹۸ ومحمود بهین‌آبادی بشناسنامه ۲۲۶۳۶ بیران وامنه بهین‌آبادی بشناسنامه ۵۱۳۲ واکرم‌بهین‌آبادی بشناسنامه ۱۹۹۲ وانور بهین‌آبادی بشناسنامه ۲۱۵۶ وانساء بهین‌آبادی بشناسنامه ۱۸۱۵۰ دختران و زهرا بهین‌آبادی بشناسنامه ۲۰۰ مادر متوفی

لذا مراتب به نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از مرگذشته نزد آنحاضی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی به دادگاه تقدیم دارد والاگواهی صادر خواهد شد وهر وصیتنامه‌ای جزرسمی وسری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

رئیس شعبه ۲۵ دادگاه صلح تهران ـ محمدابراهیم طائف

آگهی حصروراثت

خانم بتول حاجی ایمان بشناسنامه ۲۵۷ تهران بشرح دادخواست کلاسه ۲۵۸۷ـ۵۹/۲۵ این شعبه توضیح داده شادروان قطعلی محمودیان اصل بشناسنامه ۹۱۲۲ در تاریخ ۱۳۵۹/۴/۱۲ درگذشته ورثات حین‌الفوت آن مرحوم عبارتند از ـ متقاضیه با مشخصات فوق‌الذکر عیال دائمی متوفی ـ ابوالقاسم محمودیان اصل به شناسنامه شماره ۹۲۲۱ عامره از تهران سرادراسوبی ورثه دیگری ندارد.

لذا مراتب به نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از مرگذشته نزد آنحاضی باشد ظرف سه ماه از نشر آگهی به دادگاه تقدیم دارد والاگواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جزرسمی وسری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

رئیس شعبه ۲۵ دادگاه صلح تهران

محمد ابراهیم طائف

آگهی مناقصه

۲۵۰۲۶/م الف

آگهی تمدید مهلت مناقصات شماره ۵۹/۳۸ـ۵۹/۳۷ـ ۵۹/۲۷ـ۵۹/۳۵ ـ ۵۹/۳۶ ـ ۵۹/۳۹ ـ ۵۹/۴۰ ـ ۵۹/۴۱ـ۵۹/۴۲ـ ۵۹/۴۳

پیرو آگهی‌های منتشره در روزنامه‌های کثیرالانتشار و اسناد بحوبلی در مورد مناقصه‌های عمومی شماره‌های فوق‌الذکر مربوط به خرید جمعه انشعاب ـ تفنگ‌پرتاب سیم و دستگاه اتصال خطوط هوائی کلید اتوماتیک مجهز به رله حرارتی و مغناطیس و کلید فیوز و فیوز و پایه فیوز چاقوئی سرکابل داخلی بست برای کابل ۲×۱۸۵ و ۳×۹۵+۵۰ـ دیزنکتور ۲۰ کیلو ولت ـ سکسیونر ساده و سکسیونر فیوزبسل‌دار کابل تکفاز با عایق‌کراس‌لینک‌پلی‌اتیلن ـ کابل ۲۰ کیلو ولت ۳×۱۸۵ آلومینیوم ـ چراغ ۴۰۰ ـ ۲۵۰ـ ۱۲۵ وات با لامپ ـ فیوزکات‌اوت ۲۰ کیلو ولت و آلمان ۱۰ـ۶ـ۱۶ آمپر ـ دوراف فشاری هوائی آلومینیوم سنگ ـ کوپوت کوفر ـ داک بدینوسیله باطلاع میرساند که تاریخ‌تسلیم پیشنهادات مناقصات فوق بترتیب بمدت یکماه یعنی تا تاریخهای ۵۹/۱۰/۱ ـ ۵۹/۱۰/۳ـ ۵۹/۱۰/۶ـ ۵۹/۱۰/۹ـ ۵۹/۱۰/۸ـ ۵۹/۱۰/۱۰ـ ۵۹/۱۰/۱۲ـ ۵۹/۱۰/۲۰ـ ۵۹/۱۰/۲۲ـ ۵۹/۱۰/۲۴ تمدید میگردد ـ سایرشرایط مناقصه باعتبار خود باقی است.

امور ذاراکات

شرکت برق منطقه‌ای تهران

آیة‌الله پسندیده ...

از صفحه ۱

● س - عده‌ای بعنوان مکتب ومکتبی وخط امام هرکاری را که میخواهند میکنند و به هرکس وحتی شخص رئیس‌جمهور هرانتهامی که میخواهند میزنند از قبیل خط آمریکا، خط سادات، لیبرال و.... آیا این کارها با اسلام سازش دارد؟

تصریحاً عرض میکنم خط امام و مکتب و مکتبی ما است پیروی از احکام حیات‌بخش و انسان‌ساز و روح‌پرور اسلام محمدی و ایمان واقعی بفرموده پیامبرگرامی‌وائمه‌طاهرین که در سرچشمه وحی و الهام رسیده و افرادی که این راه را برگزیده و پیرواین‌خط‌ومشی‌اندنباید. و نمیتوانند با میل و اراده خود هرکاری که میخواهند انجام دهند و بایدبنهایت احتیاط و احتیاط را مراعات و حدود و حقوق و احکامی که اسلام آورده است مدنظر و عمل قرار داده واگر وقوف به احکام ندارند یا مشکوک هستند از عالم متقی بایستند به عدالت اسلام و بدستورش رفتار نمایند و تخلف ننمایند.

● س - رئیس جمهور در مصاحبه‌اش با روزنامه انقلاب اسلامی گفته است او نمی‌تواند در دو جبهه بجنگد: جبهه جنگ و جبهه داخلی یعنی‌جنگ روانی‌چه گروهها‌واشخاصی دست به جنگ روانی علیه رئیس جمهور و فرمانده کل قوا می‌زنند. این‌گروهها ماهیتا چه کسانی هستند؟

راجع بحضرت آقای رئیس‌جمهور ایران البته برای آسایش خاطر ایشان و ملت ایران و حفظ مملکت از تهاجم صدام حسین و تمام برای دفاع از کشور لازم و ضروری است که ایشان مورد تقدیر و تشویق و تجریش تمام ملت و امت مملکت جمهوری اسلامی بوده و فقط سرگرم جنگ و دفاع باشند وجنگ روانی برعلیه ایشان بهرصورت ناروا و برخلاف مصلحت است و ایشان نیز نباید بجنگهای روانی اگر ایجاد شود اهمیتی بدهند و باید با قدرت تمام و شهامت و شجاعت با فراغبال بدفاع بپردازند و از تمام برادران ایشانی انتظار میرود درتشجیع و تقدیس و تقدیر مشارالیه کوتاه نبوده فعلاً اگر کسی احیاناً اشتباهی کرده باشد بزودی جبران نموده و رضایت ایشانرا فراهم کنند.

● س - آیا بنظر شما میشود اسلام و یا خط امام‌راچماق کرد و بر سر هرکسی کوبید وناگهی حرفی‌بزند بدون دلیل و برهان قوی مارک ضد خط امام و یا مکتب و اسلام‌بزنند

در جواب این سئوال هماست که در قسمت اول معروض داشتم اسلام و خط امام منطق با عدل و داد و قانون اسلامی است و چماق نیست. چماق اسلام در باب حدود و قصاص و قضا و شهادات روشن شده و چماق شخصی و هناکی و فحش حتی نسبت به‌معاندین نیز برخلاف میزان واسلام است ولا تسبوالذین یدعون من دون‌الله فیسبواله....

علی‌هذا هرکس هر دعوایا حقی داشته باشد و یا انحرافی بداند باید بمقام و تعدی مربوطه مراجعه و مطابق موازین اقامه نماید و تابع احکام صادره باشد بر مسلمان و بلکه بر هر انسان فرض است آداب و اخلاق شایسته و انسانی‌داشته و در حرکات ناباب و مخالف با انسانیت پرهیز نماید.

● س - به نظر شما آیا با این برخوردها برای کسب قدرت‌احراز بیشتر هرچه قدرت میشود انقلاب را گسترش داد واسلام را پیاده کرد؟

برای صدور انقلاب یعنی‌انقلاب اسلامی بر مصادر امور و مراجع تصمیم‌گیری دی‌صلاحیت است که قولاً و فعلاً و عملاً تمام کارها و رفتار وکنار خود را منطبق با میزان و ترازوهای شاخص اسلام و ایمان سنجیده و بدنیا نشان دهند که رفتار و کنارواحکام‌اسلام‌کهازسرچشمه‌وحی رسیده وعقل نیز حاکم بآن است مورد قبول و استقبال جهانیان و بیرون عدل و عدالت جامعه و هنوزبستی مسالمت‌آمیز است و پس از آن که مصادراموز صالح در ایران مصدر و متصدی کار شدند و راه را برای صلحا و علمای کاردان و متخصص و کارآها باز کردند و عدل و احسان را قائم‌مقام خودخواهی و اغراض وانحصارطلبی وجمع مال و منال و عنوان و کامیابی و دشمنی نمودند و ایران واحکام جاریه آن طبق قوانین اسلام در جامعه حکمفرما گردیده و گرگ و میش در کنار هم قرار گرفته و جزحق و حقیقت در عمل راهی نیست آنوقت میتوان بطرق مختلف در صدور انقلاب قدم برداشت.

الف - با قلم و بیان و تبلیغات و انتشار آن از روی مبانی اسلامی و با کمال صحت و صراحت و اعلام قوانین منتشره و موضوعه بتمام عالم و ممالک با حسن برخورد و با حسن نیت بدون اغراق و اغراض و اغراض از اغراض.

ب - دعوت از رؤسای ممالک و دولتها و مجامع ممالک کنگره‌های مجالس شورا و نظایر آن برای مسافرت بایران و بررسی قوانین معموله و رفتار مقامات عالیه و کشف و اکتشاف‌اعمال و رفتار مقامات دیصلاح جامعه و مستضعفین و ضعفا و فقرا و درماندگان و با افراد حقیقی و شرکتهای خصوصی و عوامل تولید کشاورزی و صنایع و تجارت و تقویت جوامعی که در خودکفائی همت بخرج داده و ایرانی آباد تحویل میدهند و تشویق این جوامع به کار و عمل و احیاء حیات اقتصادی واجتماعی که بنظر من مسئله اقتصادی و خودکفائی از اهم امور و تقویت متصدیان آن بهترین و عاقلترین راه رفع مشکلات و گرفتاریها خواهد بود.

ج - دعوت از مجامع قانونی بین‌المللی برای رسیدگی و بررسی افعال و اعمال متصدیان دیصلاح ایرانی و برخورد با اشرار و اصناف مردم بنحو مندرج.

د - دعوت از حقوقدانها برای رسیدگی باحکام و قوانین و مقرراتی که در ایران پیاده شده و دعوت از هیئتهای علمی اعم از مذهبی و غیرمذهبی برای رسیدگی و مشاهده.

هـ - دعوت از ملتها و هیئتها و مردم دانا تا این صفوفی که نوشته شد بیایند و ببینند اگر پسندیدند تمام آنرا یا بعض آنرا بروند در ممالک خود تبلیغ و عمل نمایند و این قطعاً مبنی بر حسن برخورد و دوستی و حس تفاهم و جلب و جذب آنها باید باشد این امور وقت و استعداد و استمداد و همکاری تمام میادر و مردم را باید جامع و شامل باشد و خالی از اغراض و امراض و مبالغه و گزافه‌گوئی بوده و حق‌جوئی و حق‌خواهی در مقابل خودخواهی باشد.

اینکه بعضی عقیده دارند تبلیغ مفید نیست خلاف حس است مردم از راه گوش بینا و دانا و... میشوند درشناخت انقلاب تبلیغ در مرحله‌های اول و سرفصل شناساندن انقلاب است.

● س - آیا علم از اسلام جداست وآیا کسانیکه علم‌و اطلاعی از کاری ندارند حق دارند بعنوان مکتبی‌آن پست را اشغال کنند؟

عالم وعلم در رأس دروس اسلام و ایمان است عالم وجاهل مساوی نیستند فضل عالم بر جاهل از مسلمیات واضحه‌بوده و هست و مکتبی‌بودن بدون علم مبنائی ندارد و افراد بی‌علم موظف و مجبورند از عالم و دانا بخواهند تا جهل آنها را رفع و برطرف نمایند و کارها را باید بکاردان و کارآها واگذار کرد تا منتهی کاردان و کارآهای متقی و مومن برتری شاخص‌ومتخصص دارند و با وجود اینها از کاردانهای غیر متقی عقلا و منطقا نباید برخوردار شد و مکتبی‌بودن دلیل نیست که متصدی کاری شود که قادر برتشخیص آن نیست باید شخص مکتبی وقتی امری را نمیداند (اگر مکتبی حقیقی است) بگوید نمیدانم و کنار رود ما وقتی امورى داریم که‌کارشناس‌آن متخصص‌غیر مکتبی است الزاماً ناچاریم باو مراجعه نمائیم و از علم او استفاده کنیم این امر از بدیهیات و قابل تردید نیست و عمل عقلا برآن استوار بوده‌وهست. رئیس‌بسیهائی‌که باید جمعیت کثیری را اداره کند لازم است دارای علم و فن مخصوص بآن پست بوده تا ازعهده‌عمل برآید. برخوردهابرای کسب قدرت و انحصارطلبی و خودخواهی با خدا خواهی سازگار نیست. حق‌طلبی وحق‌جوئی وحق خواهی با کسب قدرت و نظایر آن موافقت ندارد و نمیتواند انقلاب را گسترش داده و بدنیا برساند یکپارچگی و اتحاد و اتفاق سرمایه‌ی نهضت و انقلاب است و اشخاص باید در مقابل علما و صلحا که جز انقلاب چیزی نمیخواهند تعظیم و تکریم نمایند تا اسلام عزیز در این مملکت اجرا گردیده و برای صدور مهیا باشد این افراد غیرمطلع و معرض اگر خود را کنار نبرند مکتبی نیستند و باید فیرا کنار گذاشته شوند اسلام عاری از فرصت‌طلبی و خویشتن‌گرائی و تفوق‌جوئی و ریاست‌طلبی است حتی در نشستن نیز اسلام مراعات این امر را منظور داشته است باید متخلق اخلاق اسلام باشیم تا قادر بصدور انقلاب بنحو مطلوب و دنیاپسند باشیم.

● س - بنظر شما وظایف روزنامه ها ورسانه‌های گروهی چیست وآیا تا بحال به وظایف خود عمل کرده اند یاخیر؟

روزنامه‌ها و رسانه‌های گروهی باید بدست متخصصین خداخواه باشد و جز حق و حقیقت نگویند و ننویسند وارائه ندهند. انحصارطلبی و پیروی از افراد خاص و اعمال نظرهای مخصوص بعضی افراد و جماعات درخور شئون این رسانه‌ها نیست جبهه‌گیری و صف‌بندی برخلاف اسلام و منطق و عقل است و باید قانون و عدل و حق را منظور نموده وازگرایش به راست و چپ حذر نموده و براه مستقیم که راه حق است بشتابند. غیر این باشد مکتبی نیست و رویه‌ای که جریان دارد کثیرا تمایلات شخصی است و اعمال نفوذ در این رسانه‌ها برخلاف مصالح است باید برطبق مصالح اسلام و مسلمین و امت و ملت ایران بوده و حفظ حقوق وحدود تمام اقشار را بطور مساوی و با موازین اسلامی و مکتبی موردنظر قرار دهند غیر از این باشد ضرر فاحش عاید جامعه خواهد کرد.

● س - در این موقعیت خطیر شما چه راه‌حلی‌را برای بیرون بردن کشور از بحران‌ها توصیه میفرمائید؟

برای بیرون‌بردن کشور از بحرانها و تصادمها که امر بسیار مشکل و حساس است و جوامع و پاره‌ای احزاب آشکار و نهان درصدد اجرای مطامع و ارادهای شخصی یا جمعی خود هستند و مشکل میدانم مورد قبول‌واقع شود بشرح زیر است.

الف - یک هیئت پانزده نفری از علمای دینی واقف بامور سیاسی و بین‌المللی و ملیون مسلمان دنیادیده و با مطالعه در امور بین‌الملل باید با نظر خواهی (رفراندوم یا طرق دیگری) انتخاب شوند و آراء کثریت آنها را مناط جلوگیری از بحرانها قرار دهند باین طریق که حداقل ۷۵ نفر از سراسر کشور بنظر علمای مبرز و صلحای هر شهر برای کاندیدا معرفی شوند و با رای‌گیری ۱۵ نفر تعیین و با مشاوره آنها امور جریان یابد.

ب - متصدیان امور صلاح نیست از احزاب باشند و نباید وابستگی به حزب و اجتماعات داشته باشند. چون منظور آنها اینست که حکومت حزبی تشکیل داده و قشربندی کنند.

ج - برای بررسی در رفتار ارگانها تماما بدون استثناء عده‌ای از طرف رهبر عظیم و مرجع عالیقدر که دارای صلاحیت علمی واخلاقی و مقبول عامه باشند برای رسیدگی به پرونده‌های مشکله در این یکسال‌ونیمه بشهرها و ولایات بروند و بررسی کنند و رفتار و عمل همه را تحت رسیدگی وبازرسی دقیق قرار دهند واصل در دنیانشویق و پاداش مجازات بدون رودربایستی و دوستی و دشمنی مورد عمل و اجرا قرار گرفته و رفتار ارگانها با مردم را رسیدگی نمایند و مجازات عملی‌شود تا مردم ببینند حق مراعات شده و حق از کسی تضییع نشده است و شکایات مردم نسبت بزندان و مصادره و مجازاتها و عمل و جهات آن با نظر کارشناس رسیدگی و حق بمستحق داده شود و مردم با خیال راحت بکار خود مشغول و پاره‌ای از ارگانها بعضا با کثیرا آلت فعل نشوند آنوقت است که میتوان از بحرانها جلوگیری کرد والا بحران تشدید و امور مختل خواهد شد.

عمل کشاورزی و رویه ماموران موجب تشدید بحران و تضعیف و حتی اختلال کشاورزی و نارضایتی زیاد شده و بحران را زیاد کرده و جز راه رسیدگی، و تفتیش و تجسس از روی‌وراه حق و حقیقت بدست افرادی عالم و عالم طریقی دیگر بنظر نمیرسد و این بحران متاسفانه بنفع روحانیت و حتی بنفع اسلام نخواهد بود. میترسم بگویم ناراحتی درمردم‌و افشار زیاد است و جلوگیری آن از اهم فرایض است.

● س - تبلیغات در کشورهای‌خارج چه تاثیری درپیروزی انقلاب اسلامی ما داشته است؟

تبلیغات در خارج مملکت تاثیری در اهداف عالیه رهبر انقلاب نداشته است و تبلیغاتی که واقع باشد انجام نشده پس از استقرار آرامش و انضباط و نظم و تحدید مراکز قدرت و تصمیم‌گیری و ایجاد هماهنگی و تشخیص صلاحیت و حدود اختیارات ارگانها و عدم دخالت هر ارگانی درسایر مراکز و جلوگیری از تجاوز بعضی در صلاحیت بعضی دیگر آنوقت‌امید موفقیت برقرار خواهد بود. قوای مقننه و مجریه وقضائیه لازم است تفکیکاً و درحدود صلاحیت حفظ قوانین و ضوابط بکارهای مربوط بخود اقدام و در تقویت همدیگر کوشا باشند تا انشاءالله بتوند بصدور انقلاب کمک شایانی کرد. وظیفه اولیای امور است که با احترامات متقابل با تمام کشورها روابط حسنه داشته و با حفظ استقلال جدی مملکت از حسن معاشرت حسن استفاده بعمل آورند و تجارت و رابطه بحال عادی برقرار گردد. من نظر نداشتم نظری در مطبوعات داده باشم ولی نظرات مختصر خود را تقدیم داشته و از نقص آن پوزش و مغفرت میطلبم.

السلام علیک یا اباعبدالله

روز دوشنبه ۸ و ۳ شنبه نهم و چهارشنبه دهم‌محرم از ساعت ۴ الی ۵ بعدازظهر حضرت حجت‌الاسلام جناب آقای فلسفی در حسینیه‌بنی‌فاطمه واقع در مرجشمه سخنرانی میفرمایند از برادران و خواهران جهت شرکت در مجلس دعوت میشود.

حسینیه بنی‌فاطمه

آگهی مناقصه

۲۰۰۳۵/م الف

آگهی تمدیدوتکمیل مناقصه عمومی شماره ۵۹/۲۰

بنرواگهی منتشره درروزنامه کثیرالانتشار واسناد تحویلی درمورد خرید ۱۵۰ کیلومتر کابل ۲۰کیلو ولت ۳×۱۸۵ آلومینیوم‌موضوع مناقصه‌عمومی شماره ۵۹/۲۰ بدینوسیله باطلاع میرساند که کابل‌مذکور همراه با مفصلهای مربوطه بشرح زیروبراساس مشخصات فنی مربوطه مورد نیاز میباشد.

۱- مفصل برای کابلهای ۱۸۵×۳ میلیمتر آلومینیومی ۳۶۰ عدد.

۲- مفصل تبدیل برای کابلهای ۱۸۵×۳ آلومینیومی به ۹۵×۳ مسی ۱۰۰ عدد

۳- سرکابل داخلی ۱۲۰ عدد

۴- سرکابل هوایی ۲۶۰ عدد

داوطلبان ضمن خرید اسناد مناقصه‌میتوانند با توجه به‌شرائط مناقصه پیشنهادخودرا تنظیم‌ودر مهلت مقرره بمدت یکماه یعنی تاتاریخ ۵۹/۱۰/۱۲ تمدید میگردد بدفتر امورتدارکات اینشرکت واقع درمیدان شهدا تسلیم فرمایند.

امورتدارکات - شرکت برق منطقه‌ای تهران

اعلام قدردانی و پشتیبانی از فرماندهی رئیس جمهور

● انجمن اسلامی اسناد پزشکی بهداری استان خراسان

جناب آقای دکتر سید ابوالحسن بنی‌صدر ریاست جمهوری محبوب وفرمانده کل قوا:

کوششها ومجاهدتهای پی‌گیر شما درهدایت وفرماندهی ارتش اسلام‌در سرابرقوای کفر و پشتیبانی روزافزون مردم ازشما نمانگر این است که مردم مامعنای فداکاری و صداقت رادرک میکنند با عمق پشتیبانی‌مجدد از زوین تاریخ انقلاب اسلامی ایران را مزین خواهد نمود، و تثبت وحدانیهای بیدار بشریت خواهد شد. بی‌گمان ملت مسلمان و غیور ایران در تشخیص حق و شناخت افراد صدیق و حدمتگزار انقلاب آگاه و هشیار بوده و خدمات بی‌شائبه شما را خالصانه ارج می‌نهد. ما بعنوان بخشی از توده‌ی مسلمان ایران بدینوسیله درود بی‌کران خود را نثار تمامی شهیدان و شاهدان انقلاب اسلامی ایران نموده و با تمامی اخلاص بودمی خود توفیق روزافزون حضرتعالی را در خدمت به میهن اسلامی از خداوند بزرگ طلب میکنیم. و به نشانه آمادگی خود برای انجام هرگونه‌اقدامی درجهت پیروزی انقلاب اسلامی و در این رابطه پیروزی بر قوای کافر بعث عراق و اجرای فرامین جنابعالی مبلغ یک میلیون و هشتصد و پنجاه هزار ریال به حساب ۸۸۸ ریاست‌جمهوری و مبلغ یک میلیون و یکصد و چهل هزار ریال بحساب ۷۷۷۷۷ جمعیت هلال احمر واریز نموده و فیش‌های بانکی این مبالغ‌را به دفتر ریاست‌جمهوری و جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی تقدیم نموده‌ایم.

انجمن اسلامی اصناف وابسته به انجمن اسلامی دجرامید

● بانک سپه مرکزی

بسم الله الرحمن الرحیم

با کارکنان بانک سپه مرکزی درحالیکه ملت‌قهرمان ایران درحال سنبز بادشمن اسلام و ایران صدام‌بوده نگرنیتی میباشد، ودلاوران و قهرمانان ارتش‌وپاسداران و دلیران و عقابان نیروی هوائی و هوانیروز شجاعانه درمقابل دشمن اسلام ایستادگی و پایداری میکنند ضمن قدردانی از شجاعت‌و دلاوری این فرزندان پاک اسلام و ایران حمایت و پشتیبانی بی‌دریغ خودرا از زحمات شبانه‌روزی وی‌امان‌ریاست جمهوری آقای دکتر سیدابوالحسن‌بنی‌صدر فرمانده‌کل قوا درمیان آتش و خون اعلام‌داشته وازدرگاه خداوند متعال پیروزی و موفقیت روزافزون ایشانرا خواهانیم.

بیش از ۹۰ امضاء

● کارکنان بانک رفاه شعبه نواب صفوی

بسم‌الله قاسم‌الجبارین

روزنامه‌محترم‌انقلاب‌اسلامی

باتوجه‌به جنگ خانمان‌سوز عراق باایران به فرماندهی صدام‌یزیدنگرینی موقع را مغتنم دانسته واز طریق آن روزنامه محترم از ریاست محترم جمهوری اسلامی‌ایران به رهبری‌رهبر کبیر انقلاب‌امام خمینی جناب آقای دکتر بنی‌صدر که دلاورانه بعنوان فرمانده کل‌قوا‌ورهبری‌جنگ شبانه‌روز درجبهه جنگ می‌باشند، صددرصد تائید وازخداوند متعال‌آرزوی‌موفقیت برایشان میکنیم

کارکنان بانک رفاه شعبه نواب صفوی‌باتوزدامضا!

● انجمن اسلامی اصناف

بسمة تعالی

جناب آقای دکتر سید ابوالحسن بنی‌صدر رئیس‌جمهوری محبوب کشوراسلامی ایران جنابعالی در خدمت به کشور اسلامی صدیق بوده و صدیق خواهید بود.

امام‌خمینی

تعالیت شبانه‌روزی حضرتعالی در جبهه‌ی نبرد با باطل و تصمیم راسخ شما در پیروزی حق در همه‌ی ابعاد آن و در همه‌ی زمینه‌ها بی‌شک صفحات زرین تاریخ انقلاب اسلامی ایران را مزین خواهد نمود، و تثبت وحدانیهای بیدار بشریت خواهد شد. بی‌گمان ملت مسلمان و غیور ایران در تشخیص حق و شناخت افراد صدیق و خدمتگزار انقلاب آگاه و هشیار بوده و خدمات بی‌شائبه شما را خالصانه ارج می‌نهد. ما بعنوان بخشی از توده‌ی مسلمان ایران بدینوسیله درود بی‌کران خود را نثار تمامی شهیدان و شاهدان انقلاب اسلامی ایران نموده و با تمامی اخلاص بودمی خود توفیق روزافزون حضرتعالی را در خدمت به میهن اسلامی از خداوند بزرگ طلب میکنیم. و به نشانه آمادگی خود برای انجام هرگونه‌اقدامی درجهت پیروزی انقلاب اسلامی و در این رابطه پیروزی بر قوای کافر بعث عراق و اجرای فرامین جنابعالی مبلغ یک میلیون و هشتصد و پنجاه هزار ریال به حساب ۸۸۸ ریاست‌جمهوری و مبلغ یک میلیون و یکصد و چهل هزار ریال بحساب ۷۷۷۷۷ جمعیت هلال احمر واریز نموده و فیش‌های بانکی این مبالغ‌را به دفتر ریاست‌جمهوری و جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی تقدیم نموده‌ایم.

انجمن اسلامی اصناف وابسته به انجمن اسلامی دجرامید

● ثبت اسناد بابلسر

رهبر کبیر انقلاب امام خمینی

ما کارکنان مسلمان ثبت اسناد بابلسر پشتیبانی خود را از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و جناب آقای دکتر سیدابوالحسن بنی‌صدر ریاست‌جمهوری اعلام نموده و مراتب حق‌شناسی خود را از نیروهای مسلح و مردم شهیدان غیور برای تداوم انقلاب‌اسلامی به‌حضور رهبر عزیز اعلام میداریم. به امید پیروزی حق بر باطل.

کارکنان ثبت و اسناد بابلسر

انجمن اسلامی دانشکده دندانپزشکی رضا رضائی

بسمه تعالی

قل اعوذ برب‌الناس ... من شر حاسد اذا حسد

سلامی پاک به برادرفرمانده‌ومظلومان رئیس جمهوری‌بنی‌صدر برادر، توده‌های‌مسلمان تلاش‌جنگی تابدبر برداشته‌تان را در جبهه‌های مرگ و حیات شاهد هستند، میبینند که چگونه در نیمه‌های شب در بمبارانها، مجروحان جنگ را عیادت میکنی و شبانه‌روز چون پدری متعهد در تلاش شهامتی کردن هر جه انسانی‌تر مجاهدان راه اسلام هستید.

آنها میدانند که حضور شما در جبهه، روح صبر و فداکاری را نشر میدهد، چون خود آن را حس کرده‌اند! بگذار جهان باز در شگفت بماند که چگونه ولایت مقتدر امام و تدبیرهای عمق شما، روحیه‌های تحقیر شده اسارت‌بار ارتش شاهنشاهی را به روحیه بلند استقلال‌طلبی تبدیل کردند! آنجائیکه حاضر است برای آزادی سنگینترین بها را بپردازد و شهادت را افتخار بداند، مردم میبینند علیرغم دستهایی که میخواست بین برادران سپاهی و ارتشی دیوار بکشد این دو برادر بدون هیچگونه تشخص با یک فرماندهی، برای یک هدف جان پاکشان را تقدیم خدایشان میکنند! زیرا آنجایی که پای اخلاص به میان آید بلندیها و پلیدیها به تاریکی میگریزند و در این زمانه که بسوند بین ملت با رئیس جمهور منتخب‌شان بیش از پیش میشود چگونه ممکن است حسادت کسانی را که در برابر خدا و مردم دستهای خالی دارند برنتابد و آنها را به سنگاندازی مستقیم و غیرمستقیم وادار نکند! آیات سطر اول عبرتهای عمیق را به ما می‌آموزد که برای ایمنی انسان از شر حسودان پناهگاهی جز دامان خدا وجود ندارد و عجیب است که‌قرآن با این آیات باما می‌باشد!

و اما پیام ما به رئیس جمهورمان این است که: اگر آتشی هولناکتر از این هم در "جبهه‌پشت" درست کردند حتی برای برگرداندن سر و نگریستن، لحظه‌ای از وقت را هدر نده که نمیدهی، چرا که کار تو بزرگتر از آنست که این بازیچه‌ها گرفتارت کنند و مردم ما علیرغم حشمتان بر علیه شانی که سعی در تحمیل خویش‌در لباس اسلام دارند درحالیکه‌در انتظارفرصت‌مناسب برای‌کاردن‌آنهایند نیز همین را خواهند کرد و ما همگی از درگاه خداوند عاجزانه میخواهیم که امامان را برایمان نگه دارد، حسودان را شفا دهد و مورد حسد واقع شدگان را صبر و توکل بیشتر عطا کند.

انجمن اسلامی دانشکده دندانپزشکی رضا رضائی-۵۹/۸/۲۱

● بانک ملت روبروی

● اتحادیه انجمنها وجوامع اسلامی قا

بسمه تعالی

من لم یشکر المخلوق‌لم یشکرالخالق

جناب آقای دکتر سید ابوالحسن بنی‌صدر فرزند و مرید امام خمینی کبیر و رئیس‌جمهور محبوب ایران

با کمال احترام زحمات و فداکاریهای آنجناب در امر فرماندهی کل قوا و انسجام نیروهای مسلح اسلامی ایران و تجهیز آنان برعلیه قوای متجاوز کفر صدام حسین را تقدیر نموده و همانطوریکه امام بزرگوارمان فرمودهاند مردم‌قدرفداکاریهاو زحمات شما را میدانند، لذا موفقیت جنابعالی و پیروزی نیروهای رزمنده مسلمانان را برهبری امام و فرماندهی جنابعالی از خداوند بزرگ خواهانیم

ان‌الله علی کل شیء قدیر

اتحادیه انجمنها و جوامع اسلامی قا

گاج مرمر

بنام خدا

در کجا سراغ دارید که رئیس‌جمهورش دائماً در جبهه از این شهر به آن شهر برود.

(امام‌خمینی)

جناب آقای دکتر سید ابوالحسن بنی‌صدر رئیس‌جمهور محبوب و محترم و فرمانده کل قوا در این موفقیت حساس و سرنوشت‌ساز وغرورآفرین‌مشاهده‌میشودکه جنابعالی تمامی وقت خود را در جبهه‌های جنگی که مؤدوران ابرقدرتهای شرق و غرب برملت مظلوم و مسلمان ایران تحمیل کرده‌اند صرف مینمائید و روزگویان جهانی را با بسیج نیروهای مسلح و مردم بهراس انداخته‌اید. امضاءکنندگان زیر نصرت و پیروزی شما را از خداوند قادر خواستارند و مراتب قدردانی خود را به اطلاع میرسانند.

کارکنان بانک‌ملت روبروی گاج مرمر با ۱۲۵ امضاء

انجمن اسلامی دانشکده دندانپزشکی رضا رضائی-۵۹/۸/۲۱

● بانک ملت روبروی

● اتحادیه انجمنها وجوامع اسلامی قا

بسمه تعالی

من لم یشکر المخلوق‌لم یشکرالخالق

جناب آقای دکتر سید ابوالحسن بنی‌صدر فرزند و مرید امام خمینی کبیر و رئیس‌جمهور محبوب ایران

با کمال احترام زحمات و فداکاریهای آنجناب در امر فرماندهی کل قوا و انسجام نیروهای مسلح اسلامی ایران و تجهیز آنان برعلیه قوای متجاوز کفر صدام حسین را تقدیر نموده و همانطوریکه امام بزرگوارمان فرمودهاند مردم‌قدرفداکاریهاو زحمات شما را میدانند، لذا موفقیت جنابعالی و پیروزی نیروهای رزمنده مسلمانان را برهبری امام و فرماندهی جنابعالی از خداوند بزرگ خواهانیم

ان‌الله علی کل شیء قدیر

اتحادیه انجمنها و جوامع اسلامی قا

گاج مرمر

بنام خدا

در کجا سراغ دارید که رئیس‌جمهورش دائماً در جبهه از این شهر به آن شهر برود.

(امام‌خمینی)

جناب آقای دکتر سید ابوالحسن بنی‌صدر رئیس‌جمهور محبوب و محترم و فرمانده کل قوا در این موفقیت حساس و سرنوشت‌ساز وغرورآفرین‌مشاهده‌میشودکه جنابعالی تمامی وقت خود را در جبهه‌های جنگی که مؤدوران ابرقدرتهای شرق و غرب برملت مظلوم و مسلمان ایران تحمیل کرده‌اند صرف مینمائید و روزگویان جهانی را با بسیج نیروهای مسلح و مردم بهراس انداخته‌اید. امضاءکنندگان زیر نصرت و پیروزی شما را از خداوند قادر خواستارند و مراتب قدردانی خود را به اطلاع میرسانند.

کارکنان بانک‌ملت روبروی گاج مرمر با ۱۲۵ امضاء

بقیهٔ سرمقاله

و پاک خود میداند و از نقض آشکار و صریح آن در طول ماههای گذشته سخت بهراس افتاده است.

ما معتقدیم که حساسیت آگاهانه و روزافزون مردم انقلابی، بویژه در مورد رکن اول جمهوریت یعنی "آزادی" بدرجه‌ای رسیده است که در برابر فروریزی بیشتر اساس آزادیهای فردی و اجتماعی و هتک حرمت و شرف انسانی از خود حرکتی بالاصاله نشان دهد و فارغ از هرگونه دسیسه و دست خارجی بدفاع از این مولود یک ساله یعنی قانون اساسی قیام نماید.

ما بر این عقیده‌ایم که موجی که در پی بازداشت آقای قطب‌زاده حامیهٔ ما را فرا گرفت، موج اعتراض نهفته و دردآلود ملتی بود که از اغتشال روش‌های تخریبی؛ بی‌توجهی مسئولان به قوانین و در یک کلام عدم‌امنیت قضائی بتنگ آمده و توفیقی یکی از مسئولین شناخته شده این جمهوری را فرصتی مناسب دید تا با شکستن سکوت چندماههٔ خود و امضای طومارها و راهپیمائی‌ها صدای خود را بگوش مسئولین امر برساند و اعلام دارد که تنها راه نیل به اهداف اصیل انقلاب صیانت و محافظت بی امان از قانون اساسی است.

این بیان از یکی از روحانیون پیام و مبارز این شهر است. که "بان جرمی که قطب‌زاده را گرفته‌اند، دوسوم مردم این مملکت قابل توقیف شدن هستند". از این سخن کوتاه آیا جز این مستفاد میشود که آنچه که در مصاحبهٔ تلویزیونی از زبان دو نفر از مسئولین صدا وسیمای جمهوری اسلامی گفته‌شد در حقیقت زبان حال قاطبه‌مردم ایران است؟ کدام انسان مسئول‌ومتعهدی‌است که بخواهد جمهوری اسلامی عرصهٔ ترکتازی و قانون‌شکنی‌ها، جایگزینی رابطه بجای ضابطه، تحریف واقعیات، عدم احترام به افکار دیگران و آزادی مشروع، غلبهٔ جو ناسور بر جراید و رسانه‌های گروهی، و طرد معزها و تخصص‌ها گردد و یا بتواند چنین عرصه‌ای را تحمل کند و دم‌بر نیاورد؟

بنابراین تعهد اسلامی و شرف انسانی حکم میکند که بجای تعقیب "دستهای ناپرئی"، علیه دستهائی که خواسته یا ناخواسته ایران انقلابی را بسوی نفی آزادی و آزادگی و بالتبال‌وابستگی و استبداد سوق میدهند، قیام نمود و ادعا نامهٔ خود را علیهٔ آن دستها تنظیم کنیم.

بهر تقدیر،آنچه که مایهٔ امیدواری و نوید برای این جمهوری نوپا است،این بود که تجربه چند روزهاخیر نشان داد که مردم با حقایق و واقعیات اجتماعشان آشنا هستند و اخفای آنچه که ظهوری روشنتر از آفتاب دارد جز "ناآگاهپنداشتن مردم" از چیزی مایه نمیگیرد.

والسلام

محمدجواد ـ میرفخرائی

اوضاع جبهه‌های جنگ

از صفحه ۱

مدافعان انقلاب اسلامی با هماهنگی کامل توپخانه و جنگنده‌های نیروی هوائی و زمینی موفق به انهدام یک تیپ دشمن کافر در جبهه شمال آبادان شدند.

در این عملیات بیش از ۲۰۰ تن از کافران بعثی بهلاکت رسیدند و بیش از ۱۰۰ مزدور عراقی به اسارت نیروهای رزمنده ایران درآمدند.

بنابگزارش خبرنگار ما بنقل از یک مقام آگاه در ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران نیروهای قهرمان ما در جبهه شمال بهمنشیر به پیروزی بزرگی دست یافتند و موفق شدند با هماهنگی کامل توپخانه و جنگنده‌های نیروی هوائی و زمینی و مدافعان قهرمان شهر بیش از یک صد تن از مزدوران بعثی را اسیر کنند و بیش از ۲۰۰ تن دیگر را به هلاکت برسانند. همچنین نیروهای رزمنده جمهوری اسلامی ایران عصر دیروز با حملات شدید خود ده دستگاه تانک، ۷ دستگاه خودرو و یک موضع مهم دشمن متجاوز به نام مهیک را با کلیه وسائل و تجهیزات نظامی آن نابود کردند.

براساس گزارش دیگری از دفتر مرکزی خبر روز گذشته یک فروند میگ عراقی بالایشگاه آبادان را با راکت مورد حمله قرار داد، و به چند مخزن مواد سوختی پالایشگاه آسیبهائی رساند. همچنین توپخانه مزدوران بعثی،شهر آبادان را بشدت زیر آتش قرار داد و طی آن تانک دارم و اسکله هشت‌گبرک آتش گرفت.

بنابه عین گزارش نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران همراه با مدافعان شهر در کنار رودخانه بهمنشیر محور ماهشهر ـ آبادان شمال این رودخانه را از لوث وجود نیروهای متجاوز بعثی پاکسازی کردند. خبرنگار خبرگزاری پارس از اهواز گزارش داد، رزمندگان دلیر جمهوری اسلامی‌ایران طی یک حمله شجاعانه دیگر به نیروهای دشمن در اطراف کارخانه نورد اهواز یک دستگاه تانک دشمن منهدم و پانزده تن از مزدوران فریب خورده صدام به هلاکت رسیدند. در این درگیری همچگونه تلفاتی به نیروهای خودی وارد نشده است. همچنین یک مقام آگاه طی تماسی با واحد مرکزی خبر در اهواز اعلام کرد رزمندگان انقلاب در غرب رودخانه کارون در دب حردان با آتش توپخانه خود مزدوران عراقی را مورد حمله قرار دادند و تلفات قابل توجهی به دشمن کافر وارد آوردند.

همچنین ستاد امداد پزشکی اعلام کرد، طی روز گذشته در شهر اهواز ۵ نفر مجروح و ۴ نفر شهید و در دزفول ۲۶ مجروح و یک تن بشهادت رسید.

براساس گزارش خبرنگار خبرگزاری پارس بعد از ظهر دیروز سه فروند میگ عراقی بر فراز شهر اسلام‌آباد به پرواز درآمدند و دیوار صوتی را شکستند. براساس این گزارش دو فروند از هواپیماهای متجاوز بدون اینکه موفق به انجام عملیات خود شوند براثر آتش پدافند نیروی هوائی جمهوری اسلامی ایران مجبور به فرار شدند از خسارات ناشی از بمباران یک فروند میگ دیگر عراقی اطلاع دقیقی در دست نیست.

نظم مراسم دیروز دانشکده افسری

از صفحه ۱

خبرنگار انقلاب اسلامی ـ دکتر سیدابوالحسن بنی‌صدر رئیس‌جمهوری و فرمانده کل قوا در ساعت ۱۵ دیروز در دانشکده افسری نیروی‌زمینی ارتش جمهوری اسلامی‌ایران حاضر و در مراسم فارغ‌التحصیلان دوره پنجاه و هفتم دانشکده افسری‌شرکت نمود.

در مدخل ورودی میدان صبحگاه که مراسم در آنجا انجام میشد سرهنگ‌توپخانه موسی‌نامجوی فرمانده دانشکده‌گزارش‌نظامی‌معروض داشته وسپس فرمانده کل‌قوا از واحدهای مستقر درمیدان سان‌دیده در جایگاه مستقر شد.

مراسم ابتداء با تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید توسط دوتن از دانشجویان آغاز شد. سپس سرهنگ ـ نامجوی ضمن خوش آمد مراتب جانبازی پرسنل دانشکده افسری را اظهار داشت.

بعد از آن سوگندنامه توسط حجت‌الاسلام باقری نماینده امام در دانشکده افسری قرائت ودانشجویان سردوشی‌بیگیر آنرا تکرار نمودند.

سپس فرمانده کل قوا گواهینامه فارغ‌التحصیلان را به فرمانده تیپ دانشجویان و جوایز نفرات اول تا سوم را اهداء نمود. سپس آقای رئیس‌جمهور سردوشی نماینده‌دانشجویان سال نهمه بر شانه‌های وی نصب نمود. بعد از آن نماینده دانشجویان قدیم و جدید خطابه‌های مربوط‌را ایراد نمودند. آنگاه‌فرمانده کل قوا سخنانی ایراد نمودند که متن سخنرانی در همین شماره جداگانه چاپ شده است. سپس دانشجویان گردان دوم دانشکده افسری سرود "اللهاکبر" را اجرانمودند آنگاه فرمانده کل‌قوا در جایگاه رژه قرار گرفتند و پرسنل دانشکده‌افسری از برابر ایشان رژه رفتند سپس آقای رئیس جمهور و همراهان از قسمتهای مختلف دانشکده افسری بازدید نمودند و در هر قسمت مسئولان توضیحاتی دادند. آنگاه فرمانده کل‌قوا وهمراهان به باشگاه دانشکده رفته و خانواده شهدای دانشکده افسری را مورد تفقد قرار دادند. و در ساعت ۱۸ در میان فریاد "درود بربنی‌صدر" از طرف مردمی که در بیرون‌دانشکده افسری اجتماع نموده بودند محوطه دانشکده را ترک کردند. در این مراسم سرتیپ فلاحی جانشین ستادمشترک، سرتیپ‌خزاعی جانشین‌فرمانده نیروی‌زمینی سرهنگ فکوری وزیر دفاع و فرمانده نیروی‌هوائی مصطفی میرسلیم سرپرست شهربانی‌همراه‌رئیس‌جمهوری بودند و جمعی‌ازنمایندگان مجلس شورای اسلامی و تعدادی ازشخصیتهای‌کشوری و لشکری نیز در این مراسم حضور داشتند.

متن سخنرانی رئیس جمهور

● بسم‌اللهالرحمن‌الرحیم

با درود به شهدای جنگ استقلال و نجات حیات ملی

در تاریخ ایران روزهائی مثل امروز کم نیستند،روزهائی که میهن وام‌دار فرزندان خویش می‌شود. فرزندانی که برای استقلال میهن در خاک و خون می‌خوابند،اما در تاریخ ما کم است روزهائی که فرزندان میهن برای شکست و میهن‌هر دو جنگیده باشند و این روزها از آن روزهاست. دشمنان ما به میهن اسلامی ما حمله کردند به دو قصد، یکی برای سرنگونی جمهوری اسلامی، یکی برای مطلاشی کردن میهن اسلامی، و آنها که هم‌اکنون می‌جنگند در مقام دفاع از اسلام و موجودیت میهنشان می‌جنگند؛ و آنچه میکنند، حماسه بزرگی است که تاریخ میهن ما هرگز از یاد نخواهد برد. آنها که از نزدیک با حقایق آشناهستند و آگاهند ما در چه وضعیتی به دفاع از میهن اسلامی برخاستیم میدانند، چقدر فداکاری و ایثار سربازان ما بزرگ و درخور ستایش است میدانند که چه قدر و قیمتی داشته است روزهای سخت استقامت که ما موفق شدیم با آن استقامتهای غیرقابل‌توصیف دشمن را متوقف کنیم. ما با نیروهائی که دشمن داشت، با تجهیزاتی که دشمن داشت، با امکاناتی که دشمن داشت، مقابل شدیم و امروز میدانیم با اطمینان خاطر بگوئیم روزها و شبهای درازرا به پشت سرگذاشتیم. به هم فرزندان این سرزمین که با اعتقاد راسخ به انقلاب اسلامی و عقیدهٔ استوار به تمامیت ارضی ایران با تمام وجود مقاومت کردند، میهن آزاد شد و ما میتوانیم مطمئن باشیم که گامهای استوار به سوی مرزها بزودی برداشته خواهدشد و ما دشمن را درهم خواهیم شکست. امروز که شما در اینجا گرد آمده‌اید و درمیان فریاد صفیر گلوله‌ها جشن گرفته‌اید درحقیقت‌در تاریخ ما بعنوان پایان یک دوران و آغاز یک دوران دیگری در جنگهائی که به ما تحمیل شده است ضبط و ثبت خواهد شد. آنچه من دارم به شما بگویم سخن طولانی نیست چون شما پیش از این در میدانها حاضر شدید و خود این سخن را گفته‌اید. زمان‌برای اینکه‌ارزش‌انسان را بنمایاند بخشنده نیست،کوتاه است آن زمانهائی که در آنها انسان میتواند ارزش‌وجودی خود را نشان بدهد. شما از خدا و زمان سپاسگزار باشید که این فرصت را برای شما فراهم آورد تا شما در نبرد برای راندن دشمنی که به ناحق و ناروا به میهن ما تجاوز کرده بود ارزش‌وجودی خود را نشان دهید. شهدای ماناسپاس شما،رحمی‌های‌شما و خود شما که برای سربلندی میهن اسلامیمان، برای‌حفظ انقلابی که با خون بهترین فرزندان ما،رور شد کوشیدید و این کوشش را مردم ما قدر میدانند و تطفا درپیشگاه خدا در روز بازپسین ارجی دارد که ما را یارای آن‌نیست که برآورد کنیم،من میخواهم که شما همچنان درمسیراین فداکاری باقی بمانید و سه آیندگان، کسانی که پس از شما در این کلاسها خواهند نشست تا درس فداکاری و اعتقاد به مکتب را بیاموزند و در راه میهن آماده شهادت بشوند همچنان بدهید تا آنها نیز بدانند، همه بدانند این کشور را اگر برپاست بخاطرفداکاری‌آنهائی است که حاضرند فداکاری بکنند. من از خداوند بزرگ برای شما توفیق مطلبم و میدانم که شما در شرایطی آماده خدمت میشوید که بحک خدمت در مرزهاحضور دارد. شما به جبهه‌ها خواهید رفت و در آنجا از شرف حمیت و تمامیت‌ارضی میهن اسلامی دفاع میکنید. از خداوند برای شما پیروزی طلب میکنم و امیدوارم شما همچنان که انقلاب ما فصل نوئی در تاریخ بشر گشود شما هم فصل نوئی در‌تاریخ سربازی بگشائید. درسی باشید زنده‌ازفداکاری،دانش ایمان و پیروزی، شاد و پیروز باشید.

حفاظت ازمنزل علامه احمد مفتی‌زاده

علامه‌مفتی‌زاده رهبر مذهبی کردستان از روز چهارشنبه در منزلش تحت نظر قرار گرفت.

فرماندهی سپاه پاسداران غرب کشور در گفتگوئی با خبرنگار ما در مورد علت این امر اظهار داشت که حفاظت ازمنزل‌علامه مفتی‌زاده تنها بخاطر حفاظت از جان ایشان میباشد زیرا طبق اطلاعاتی که به سپاه رسیده بود، گروههای مسلح غیرقانونی تصمیم به سوء قصد به جان ایشان را داشتند.

استاندار کرمانشاهان نیز در تماس تلفنی با خبرنگار ما گفت: اصلا این مسئله صحیح نیست.

ماجد روحانی خواهرزاده علامه مفتی‌زاده در گفتگوئی با خبرنگار ما درباره علت تحت‌نظر قرارگرفتن وی اظهارداشت که آنها کتاب درباره کردستان علامه را بهانه قرار میدهند و سه‌روز قبل از تحت‌نظر گرفتن منزل ایشان در سطح شهر میگفتند که‌مفتی اعظم کردستان مترسک آمریکاست و روز سه‌شنبه هفته پیش به منزل ایشان ریخته و خانه مسکونی علامه را بهم میریزندکه دراعتراض آقای مفتی‌زاده میگویند‌برای جمع‌آوری کتابها آمده‌ایم، ولی اسلحه‌های مجازمحافظین منزل ایشان را نیزجمع‌آوری میکنند. و حدود ۱۵ نفر را در منزل ایشان دستگیر میکنند که سه‌نفر از آنها آزادشده‌اند ولی از سرنوشت بقیه اطلاعی نداریم.

پس‌ازسخنرانی آیةالله اشراقی و...

از صفحه ۱

بامداد دیروز بدنبال دعوت جمعی از بازاریان تهران قرار بود آقای صادق قطب‌زاده کفاحیرا" بفرمان امام از زندان‌آزاد گردیده است برای مردم سخن بگوید.

علیرغم تبلیغاتی گسترده یکی از روزنامه‌های صبح دیروز صورت‌گرفت ونلوبحا" مردم را از شرکت در این مراسم بازداشت گروههای زیادی از مردم به بازار تهران رفتند.

در ساعت ۱۰ صبح آیت‌الله اشراقی داماد امام وارد مجلس شد و در میان ابراز احساسات پر شور مسلمانان حق‌شناس که شعار میدادند: "درود براشراقی،درودبر قطب‌زاده" پشت تریبون قرار گرفت و ضمن ایراد سخنان مبسوطی در رابطه با ابعاد جهانی انقلاب‌اسلامی ایران خاطرنشان ساخت: اگر در بحبوحه این انقلاب عظیم الهی اشراقی‌ها بنی‌صدرها و قطب‌زاده‌ها هم قربانی شوند، مانعی ندارد، و از مردم خواست تا رسیدگی به نارسائی‌ها و بی‌قانونیها را به بعد موکول نمایند و در این برهه حساس از انقلاب اسلامی عزیزمان همتلاش خود را صرف‌ایجادوحدت و پیشبرد اهداف انقلاب نمایند.

آیت‌الله اشراقی همچنین در رابطه با تهمت‌ها و افتراهائی که اینروزهابرخی از جرائد نسبت به بازاریان متعهد تهران وارد کرده‌اند یادآور شد:

اگر کسی شما بازاریان غیرمتعهد تهران را کناهوخفه نشناسد من خوب می‌شناسم چون من‌از‌سال۱۳۴۳نماینده امام در امور شرعیه بودم و با بازار تهران سر و سر داشتم.

هزاران نفر مردمی که در این‌مجلس حضور داشتند با گفتن تکبیر سخنان آیت‌الله اشراقی را تایید کردند.

همچنین آیت‌اللهاشراقی پس از پایان سخنانش‌اعلام کرد من به نیابت از طرف آقای قطب‌زاده سخنرانی کردم و ایشان خود درجلسه حضور دارند. هنگام‌حضور قطب‌زاده در پای میزخطابه فریادهای درود هر آزاده بر صادق قطب‌زاده از جمعیت برخاست و مجلس بشدت متهیج شد. آنگاه قطب‌زاده بمنظور پاسخ به ابراز احساسات مردم پشت‌میز خطابه قرار گرفت و به آنها پاسخ گفت:

ابراز احساسات مردم و شعارهای کوبنده آنان یک ربع بطول انجامید و مانع از آن شدکه قطب‌زاده بتواند پیام تشکرآمیز خود را به آرامی بخواند.

پس از پایان مراسم هزاران تن از مردمی که در این جلسه شرکت داشتند با شعارهای: بنی‌صدر قطب‌زاده، حمایت میکنیم صدا و سیمای ما از انحصار حزبی آزاد باید گردد. صلحی اسلامی آزاد باید گردد، مخالف بنی‌صدر، مخالف امام است، حمایت از بنی‌صدر، اطاعت از امام است،بنی‌صدر، بنی‌صدر دوستت داریم صد در صد در بازار به راهپیمائی پرداختند.

راهپیمایان سپس درمیدان ۱۵ خرداد مقابل ساختمان تولید رادیو اجتماع کردند و علیه جو انحصارطلبی حاکم بر رادیو تلویزیون شعاردادند. سپس‌درخیابان خیام به راهپیمائی پرداختند و در مقابل روزنامه‌های اطلاعات و انقلاب‌اسلامی اجتماع‌کرده و شعار میدادند که:

ما پیرو قرآنیم، ماحزب بنی‌خواهیم، مخالف بنی‌صدر، مخالف امام‌است حمایت از بنی‌صدر اطاعت از امام است،صدا و سیمای ما از انحصار حزبی آزاد باید گردد.....

صادق قطب‌زاده صبح‌امروز دریک گفتگوی تلفنی با خبرنگار کیهان در پاسخ این سئوال که عکس‌العمل اجتماع چندصد هزارنفری دیروز مردم در بازارمنظر شما چیست گفت که حضور جمعیت قهرمان تهران وبازار و این‌رقم عظیمی که شرکت داشتند نشان‌دهنده‌بیداری و هوشیاری و حق‌شناسی ملت‌قهرمان و مسلمان ما از خدمتگزاران انقلاب اسلامی و پیروان راستین امام بوده است. و طبیعتا اگر مردم همچنان مقاومت خود را ادامه دهند،بدون تردید بساط عده‌ای انحصارطلب برچیده خواهد شد.

باید پیروزی حق برباطل

روی موج رادیوها

هدف ازدرج این‌مطالب افشای شیوه‌های تخریبی رادیوهای بیگانه‌است.

ایران قصد دارد روابط خود با اردن را به سطح کاردار تقلیل دهد

رادیو آمریکا

* خبرگزاری پارس اعلام کرد. خبرنگاران آمریکائی و اروپائی میتوانند با دریافت اجازه از سفارتخانه‌های‌ایران در خارج از کشور از مناطق جنگ زده‌ایران دیدن نمایند. این تصمیم درپی بازدید رئیس جمهور ونخست‌وزیر ایران از مناطق جنگ زده‌گرفته شده‌است.
* نبرد دو کشور ایران وعراق در شاهراه سوسنگرد که به اهواز ختم میشود به اوج خود رسیده‌است.
* "اولف پالمه" نخست‌وزیر پیشین سوئد که از سوی والدهایم دبیر کل سازمان ملل متحد به عنوان میانجی‌در اختلافات ایران وعراق تعیین شده امروز راهی ایران‌وعراق خواهد شد.
* بنقل از یکی از مشاوران نخست‌وزیر ایران گفته شده که دولت ایران مشغول بررسی پاسخ آمریکااست احمد توبزی که در مصاحبه‌ای با خبرنگار آسوشیتدپرس شرکت کرده‌بود گفت تا آن زمان که نتیجه نهائی اتخاذ نشده قصدندارد مطلبی‌را بگوید.
* از قول رجائی گفته شده که او مایل است گروگانها آزاد شوند. درواشنگتن نیز گفته شد که نخست وزیر ایران قبلا هم چنین حرفی زده است.

رادیوامریکا دربخش دیگر خبری خود به بررسی کنفرانس جنگ ایران وعراق" که هم اکنون در واشنگتن جریان‌دارد پرداخته و گفت

* اوس‌هال‌گس" رئیس آرشیوملی‌نیویورک دلیل حمله عراق بایران را ضعف ایران دانستهاست و می‌گفت عراق تصور کرده که دولت ایران در اثر بارهای از مشکلات ضعیف شده است.

مایر سفیر پیشین آمریکا درایران گفت:

ایرانیان برای سرزمین خود می‌جنگند وباید دانست که آنها حاضر به دست کشیدن از سرزمین خود نیستند او سپس به اهداف عراق اشاره کرد و گفت عراق برای رسیدن به اهداف خود قصد دارد خوزستان ایران‌راتجزیه کند.

نیکدی" یکی از استادان دانشگاه هاروارد درپاسخ مایر گفت جدائی نه تنها مشکلی‌را حل نمیکند بلکه بخاطر غیر عرب بودن اکثر اهالی این مناطق مشکلاتی نیز برای‌عراق ایجاد مینماید.

رادیو فلسطین اشغال شده

* اجتماع دیروز مردم تهران که در بازار برای استماع سخنرانی صادق قطب‌زاده تشکیل شده بود به تظاهرات خشم‌آلودی علیه حزب‌جمهوری تبدیل شد. خبرنگار یونایتدپرس که خبر فوق "از تهران مخابره کرده بود گفت مردم پس از سخنرانی به راهپیمائی پرداختند

* نبرد در جبهه سوسنگرد بشدت ادامه دارد. سپاه پاسداران طی حمله‌ای ۲۰ تا ۳۰ عراقی را از پا درآورد.
* به گزارش مقامات ایرانی در جبهه گیلان‌غرب نبرد شدیدی ادامه دارد.
* آقای‌بنی‌صدر رئیس‌جمهور ایران در پایان ملاقات با آیت‌الله حسینی گفت اهالی سوسنگرد بشدت با دشمن می‌جنگند.

وی گفت وضع جبهه‌های جنگ نسبت به روزهای قبل خیلی بهتر است.

* آقای هاشمی رفسنجانی رئیس‌مجلس ایران در مصاحبه‌ای با روزنامه السفیر گفت علیرغم تحریم آمریکا، ایران سلاحهای مورد نیاز خود را از کشورهای دیگر دریافت می‌نماید.

هاشمی رفسنجانی قرار است بزودی از سوریه لیبی، و الجزایر دیدن نماید.

* دولت ایران قصد دارد، روابط خود را با اردن به سطح کاردار تقلیل دهد. این تصمیم هنوز به محی‌الدین مصطفی‌الحسینی سفیر اردن در ایران ابلاغ نشده است.

روزنامه انقلاب اسلامی
صاحب امتیاز: سیدابوالحسن بنی‌صدر
مدیرمسئول: محمدجعفری
سردبیر: سیدجمال‌الدین موسوی
خیابان امام خمینی مقابل دارالشفا
منطقه ۱۱ پستی
تلفن: ۳۲۸۵۴۱

مساعات شرعی افق تهران
یکشنبه ۲۵ آبان‌ماه ۱۳۵۹
برابر ۷ محرم‌الحرام ۱۴۰۱

اذان‌مغرب	۱۷/۱۵
پایان شفق	۱۸/۲۴
طول‌روز، ۱۲ ساعت و ۹ دقیقه	
طلوع‌فجر(فردا)	۵/۰۷
طلوع‌آفتاب (فردا)	۶/۴۰
ظهرشرعی (فردا)	۱۱/۵۰
اذان‌مغرب (فردا)	۱۷/۱۴

چاپ: شرکت ایرانچاپ